



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی اصفهان

کمیسیون سیاست‌گذاری و پایش

استان صنعتی اصفهان و چالش مالیات‌ها

احسان سلطانی

بهمن ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الآتِزُّرُ وَازْرَةُ وَزْرًا أُخْرَى (سَبْعُ) 

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا

تشکر و قدردانی

**از آقای مهندس مصطفی رناسی نائب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان اصفهان
و همکاران ایشان در کمیسیون سیاست‌گذاری و پایش که در تهیه و تدوین این گزارش کمال
همکاری و مساعدت را مبذول داشتند، تشکر و سپاسگذاری می‌گردد.**

فهرست

صفحه	موضوع	بخش
۱	مقدمه	۱
۲	بودجه کشور	۲
۳	مالیات‌ها در جهان	۳
۸	روند اخذ مالیات و مالیات‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵	۴
۱۲	بخش‌های اقتصادی و مالیات‌ها	۵
۱۳	مالیات بخش‌های نامولد (مستغلات)	۶
۱۶	درآمد رشته‌های صنعتی	۷
۲۳	صنعت و مالیات تامین اجتماعی	۸
۲۴	مالیات ارزش افزوده	۹
۲۵	کژکارکردی‌ها و معضلات نظام مالیات‌ستانی	۱۰
۳۱	اقتصاد و صنعت استان اصفهان	۱۱
۴۲	مالیات‌ها در استان اصفهان	۱۲
۵۶	چالش‌های مالیات‌ستانی در استان اصفهان	۱۳
۵۷	نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها	۱۴
۵۹	راهکارهای اصلاحی پیشنهادی	۱۵
۶۱	مراجع	



استان صنعتی اصفهان و چالش مالیات‌ها

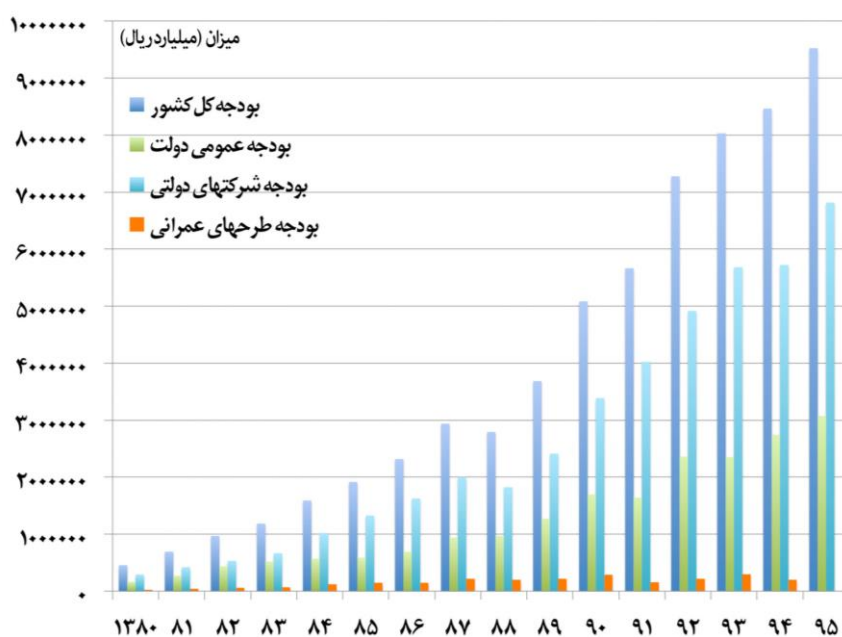
۱- مقدمه

همزمان با افزایش درآمدهای نفتی در طی دهه هشتاد شمسی، حجم و اندازه دولت به شدت بزرگ شد، به صورتی که میزان بودجه کل دولت در طی این دهه ۱۱ برابر گردید. نظر به افزایش بهای کالاها و خدمات به میزان ۴,۳ برابر در این دوره، ملاحظه می‌شود که میزان مخارج موثر دولت ۲,۶ برابر شده است. از ابتدای دهه نود، بروز تحریم‌ها و پس از آن کاهش درآمدهای ارزی، دولت را در محاق پرداخت هزینه‌ها و کسری بودجه گرفتار کرد. هر چند دولت در جهت کاهش هزینه‌های خود تلاش دارد، اما حجم دولت کماکان بزرگ باقی مانده است. دولت با افزایش درآمدهای مالیاتی در صدد جبران تنزل درآمدهای نفتی بر آمده است، اما ساز و کار حاکم بر اقتصاد، قدرت و نفوذ بخش‌های رانتی و نامولد و کارآمدی و کارآیی پایین سیستم مالیاتی کشور موجب شده، فشار روزافزون مالیات‌ستانی به بخش‌های مولد رسمی و به ویژه صنایع کوچک و متوسط انتقال یابد و در بعضی حوزه‌ها، به زیان اقتصاد کشور تمام شود. در این میان وجود سیستم توزیع (شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) سنتی و نامتشکل کشور موجب شده بار پرداخت مالیات ارزش افزوده که مالیات مصرف است و بخش مهم آن باید در سطح خرده‌فروشی اخذ شود، به تولیدکنندگان داخلی منتقل گردد و از سوی دیگر حجم عظیم قاچاق ورودی به کشور که بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، بدون پرداخت هرگونه عوارض و حقوق گمرکی و مالیات در سطح خرده‌فروشی توزیع شود. کژکارکردی‌های نظام اقتصادی و مالیات‌ستانی موجب شده در حدود ۹۵ درصد صادرات غیرنفتی کشور که با تکیه بر ورودی رانتی منابع طبیعی (انرژی، معادن و آب) ممکن شده است، بدون اخذ مالیات صادر گردد و در همین حال تولیدکنندگان داخلی موظف به پرداخت مالیات (اعم از بنگاه و ارزش افزوده) جهت تأمین مواد اولیه مورد نیاز خود باشند. در سال ۱۳۹۵، کماکان روند مالیات‌ستانی ناعادلانه و ضد نیروهای مولد استمرار یافته است، بی آن که به عواقب وخیم آن در جهت تضعیف و تحدید بخش خصوصی واقعی (صنایع کوچک و متوسط) و کارآفرینی و کاهش اشتغال مولد و اثرات آن بر تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های رسمی و مولد توجه شود. سیاست-گذاری‌های اخذ مالیات، نحوه تشکیل سبد مالیاتی و میزان و چگونگی اخذ آن تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر نحوه فعالیت و رشد بخش‌های اقتصادی و همچنین توزیع عدالت دارد. نظام مالیات‌ستانی باید به گونه‌ای استوار شود که هزینه بکارگیری منابع و فرصت‌ها را برای بخش‌های نامولد و رانتی بالا برده و از سوی دیگر برای بخش‌های مولد و کارآفرین پایین بیاورد، که در ایران این اصل و رکن مهم و تأثیرگذار در تنظیم و توزیع اقلام مالیاتی، مد نظر مسئولین قرار ندارد.

۲- بودجه کشور

بودجه کل کشور با ۱۲,۵ درصد رشد از ۸,۴۶۷,۴۱۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ به ۹,۵۲۶,۳۷۶ میلیارد ریال در لایحه بودجه ۱۳۹۵ افزایش یافت (نمودار ۱). بودجه عمومی دولت ۱۲ درصد، بودجه شرکت‌های دولتی ۱۹,۱ درصد و بودجه طرح‌های عمرانی ۲۶ درصد رشد را در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۴ از خود نشان می‌دهد. سهم شرکت‌های دولتی از ۶۸ درصد بودجه کل کشور سال ۱۳۹۴ به ۷۲ درصد در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. هر چند میزان تحقق بودجه طرح‌های عمرانی در دوره چهارساله ۹۴-۱۳۹۱، کمتر از ۵۰ درصد بود و تحقق رشد ۲۶ درصدی بودجه طرح‌های عمرانی با میزان ۵۹۷ هزار میلیارد ریال به سختی ممکن خواهد بود، اما پیش‌بینی می‌شود که در هر صورت نسبت به بودجه تحقق یافته سال جاری، رشد قابل توجهی را تجربه کند. در دولت یازدهم، بودجه شرکت‌های دولتی نسبت به بودجه عمومی دولت رشد سریع‌تری را دارد، به صورتی که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۲، بودجه عمومی دولت ۳۰ درصد و بودجه شرکت‌های دولتی ۳۹ درصد افزایش یافته است.

نمودار (۱) - روند رشد بودجه‌های عمرانی دولت، شرکت‌های دولتی و طرح‌های عمرانی

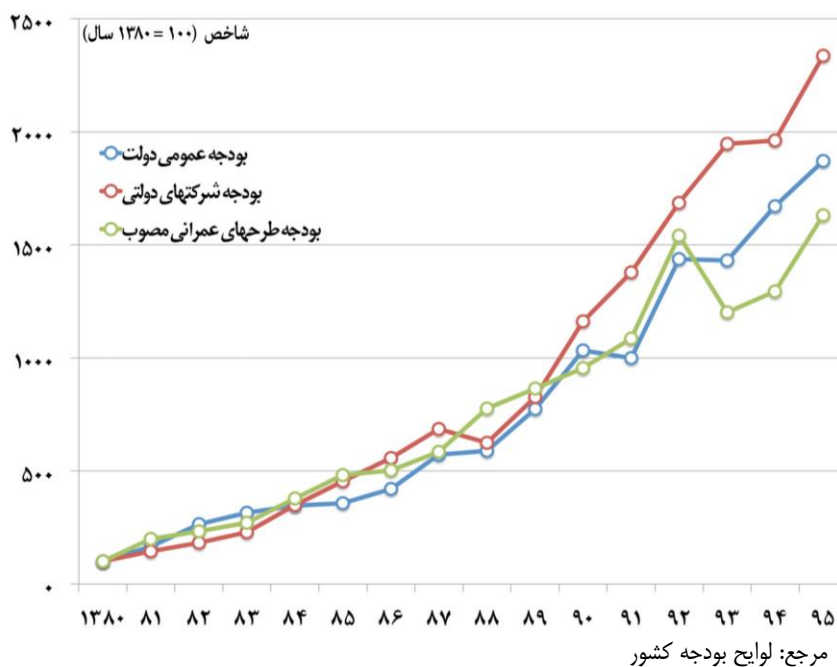


مرجع: لویح بودجه کشور

در دوره پانزده ساله ۹۵-۱۳۸۰ (با در نظر گرفتن لایحه بودجه در سال ۱۳۹۵) با وجود افزایش ۱۸,۷ برابری بودجه عمومی دولت، بودجه عمومی دولت، بودجه شرکت‌های دولتی ۲۳,۴ برابر و بودجه طرح‌های عمرانی (در صورت تحقق) ۱۶,۳ برابر افزایش داشته است (نمودار ۲). همزمان با رشد درآمدهای نفتی از ابتدای دهه هشتاد، رشد بودجه از رشد تورم به مراتب فراتر رفت که به مفهوم بزرگ‌تر شدن حجم و اندازه دولت است. در دوره ۹۵-۱۳۸۰ با تعدیل تورم، بودجه‌های کل کشور ۸۲ درصد، عمومی دولت ۶۳ درصد، شرکت‌های دولتی

۱۰۳ درصد و طرح‌های عمرانی ۴۲ درصد رشد دارد. بطور کلی در طی دهه هشتاد ارقام بودجه‌ای فوق‌الذکر افزایش حقیقی (با تعدیل تورمی) داشته و از سال ۱۳۹۱ تنزل حقیقی را تجربه کرده است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲ مقادیر حقیقی (با تعدیل تورمی) بودجه‌های کل کشور ۱۴ درصد، عمومی دولت ۱۵ درصد، شرکت‌های دولتی ۹ درصد و طرح‌های عمرانی ۳۱ درصد تنزل دارد. سهم بودجه کل کشور از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۲ ۷۸ درصد می‌باشد. نسبت حجم و اندازه دولت به کل اقتصاد، بالا بوده و در مقایسه با کشورهای دیگر هم، دولت بزرگ است.

نمودار (۲) - روند تغییرات شاخص بودجه‌های عمرانی دولت، شرکت‌های دولتی و طرح‌های عمرانی



۳- مالیات‌ها در جهان

مالیات‌ها و میزان و چگونگی اخذ آنها همواره یکی از مباحث مورد مناقشه بین دولت‌ها و بخش خصوصی و مردم می‌باشد. بر اساس بررسی‌های بانک جهانی نرخ مالیات‌ها یکی از پنج عامل اصلی و سیستم اجرایی اخذ مالیات جزء یازده مورد اول محدودکننده کسب و کار در اغلب اقتصادها محسوب می‌شود. نتایج نظرسنجی از مدیران اجرایی ارشد بنگاه‌های جهانی نشان می‌دهد ۶۳ درصد آنها افزایش بار مالیاتی را مهم‌ترین عامل تهدید کسب و کار دانسته و در تعیین محل فعالیت مد نظر قرار می‌دهند. تحقیقات بین‌المللی گویای این است که نرخ‌های مالیاتی بالا اثرات منفی بر سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و کارآفرینی داشته و منجر به شکل‌گیری اقتصاد غیر رسمی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. روندهای جهانی حاکی از اصلاحات متعدد کشورها برای بهبود و تسهیل مقررات مالیاتی (از قبیل کاهش زمان لازم و تعدد مالیات‌ها و نوسازی مکانیزم پرداخت) بوده و هم اکنون هشتاد کشور از نظام‌های پرداخت مالیات الکترونیک استفاده می‌کنند. مطالعات انجام شده توسط بانک جهانی، نشان داده در

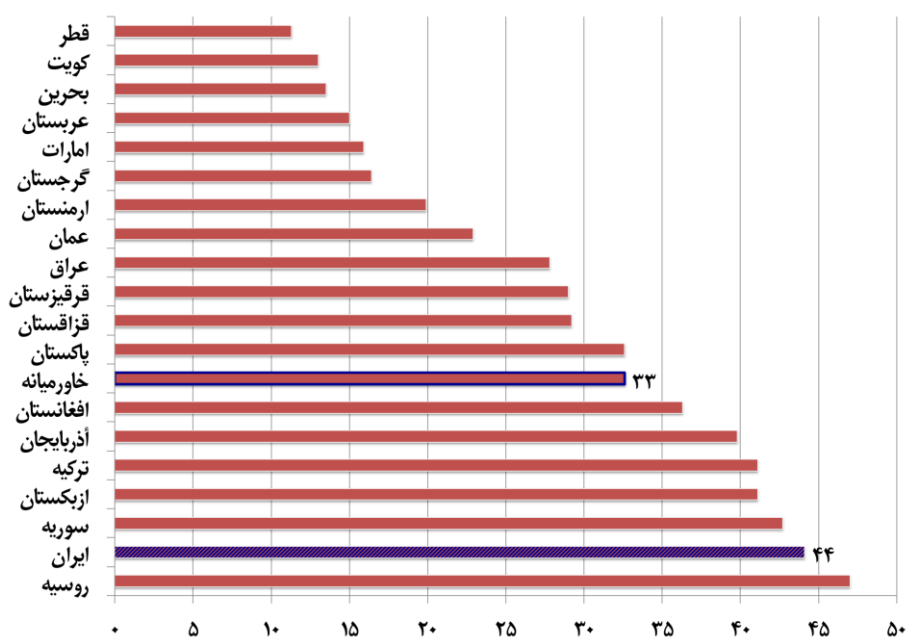
دوره هشت‌ساله (۲۰۰۴-۱۲)، متوسط نرخ مالیات، زمان انجام امور و تعداد پرداخت‌های مالیاتی در سطح جهان به ترتیب ۲۱، ۲۰ و ۲۶ درصد کاهش کلی داشته است.

در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با کمترین نرخ متوسط پرداخت کل مالیاتی^۱ (۳۲٫۶٪) بین مناطق جهان، کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، بحرین، کویت و قطر با نرخ‌های کلی بین ۱۱ تا ۱۶ درصد پایین‌ترین میزان اخذ مالیات‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. نرخ کلی ۴۴ درصدی مالیاتی ایران به جز روسیه (۴۷ درصد) از همه کشورهای منطقه و متوسط همه قاره‌ها (آسیا: ۳۶، اروپا و آمریکای شمالی: ۴۱ درصد) به جز آفریقا و آمریکای جنوبی بالاتر است (نمودار ۳).

ایران از نظر میزان پرداخت مالیات کارکنان^۲ دارای رتبه ۱۵۶ است. در شرایطی که متوسط نرخ پرداخت مالیات کارکنان (از سود) برای کل جهان کمتر از ۱۸ درصد و برای منطقه خاورمیانه ۱۶ درصد می‌باشد، این نرخ برای ایران ۲۶ درصد است. در سطح منطقه فقط نرخ مالیات کشورهای روسیه و ازبکستان از ایران بالاتر بوده و نرخ کشورهای حوزه خلیج‌فارس بین ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌باشد (نمودار ۴).

رتبه کلی ایران در زمینه شاخص‌های پرداخت مالیات ۱۲۳ در بین ۱۸۹ کشور است. هفت کشور و شیخ-نشین عربی حوزه خلیج‌فارس در زمره ۱۱ کشور اول جهان در شاخص پرداخت مالیات محسوب شده و امارات متحده عربی، قطر و عربستان سعودی به ترتیب دارای رتبه‌های اول تا سوم جهانی هستند. در بین همه کشورهای منطقه فقط پاکستان و قرقیزستان از رتبه‌های پایین‌تر از ایران برخوردار می‌باشند. رتبه شاخص پرداخت مالیات کشورهای روسیه و ترکیه به ترتیب ۴۷ و ۶۱ گزارش شده است (نمودار ۵).

نمودار (۳) - نرخ پرداخت کل مالیات در ایران و کشورهای منطقه (درصد از سود، ۲۰۱۶) [۲۸]

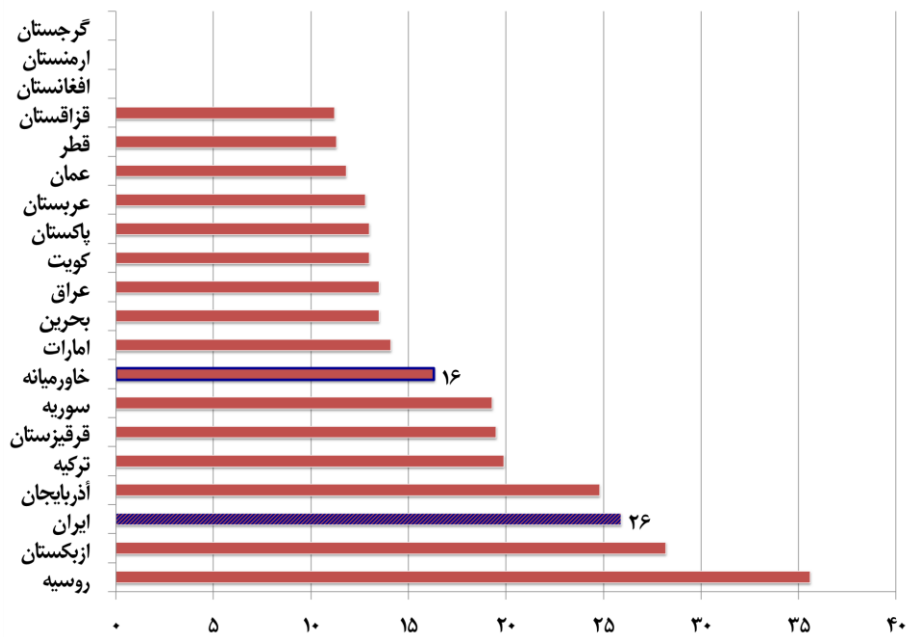


مرجع: گزارش انجام کسب و کار، بانک جهانی، ۲۰۱۵/۱۶

^۱ Total tax rate (% of profit)

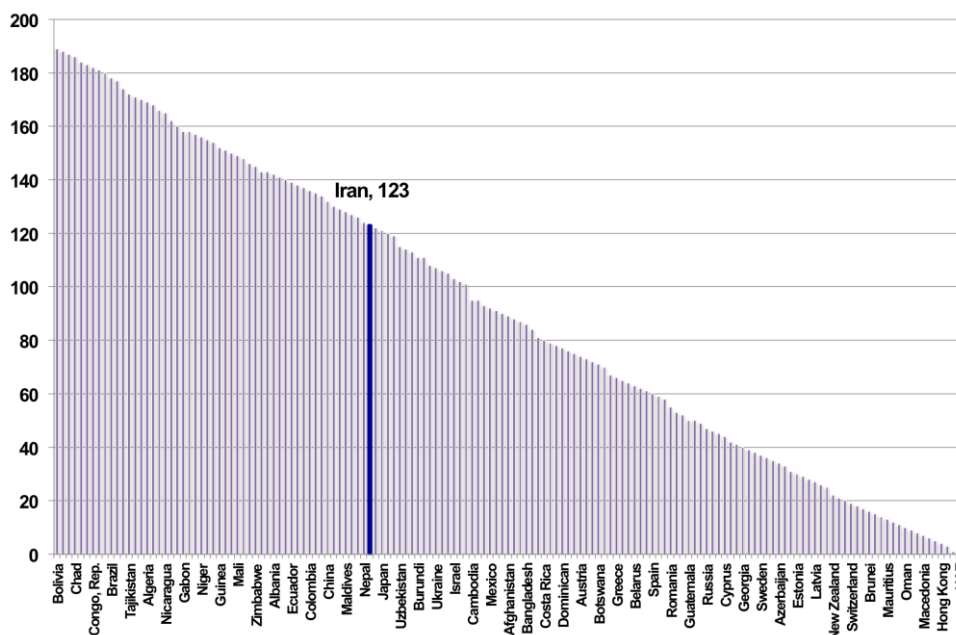
^۲ Labor tax and contributions (% of profit)

نمودار (۴) - نرخ پرداخت مالیات کارکنان در ایران و کشورهای منطقه (درصد از سود، ۲۰۱۶)



مرجع: گزارش انجام کسب و کار، بانک جهانی، ۲۰۱۵/۱۶

نمودار (۵) - رتبه شاخص مالیاتی ایران در بین ۱۸۹ کشور جهان (۲۰۱۶)

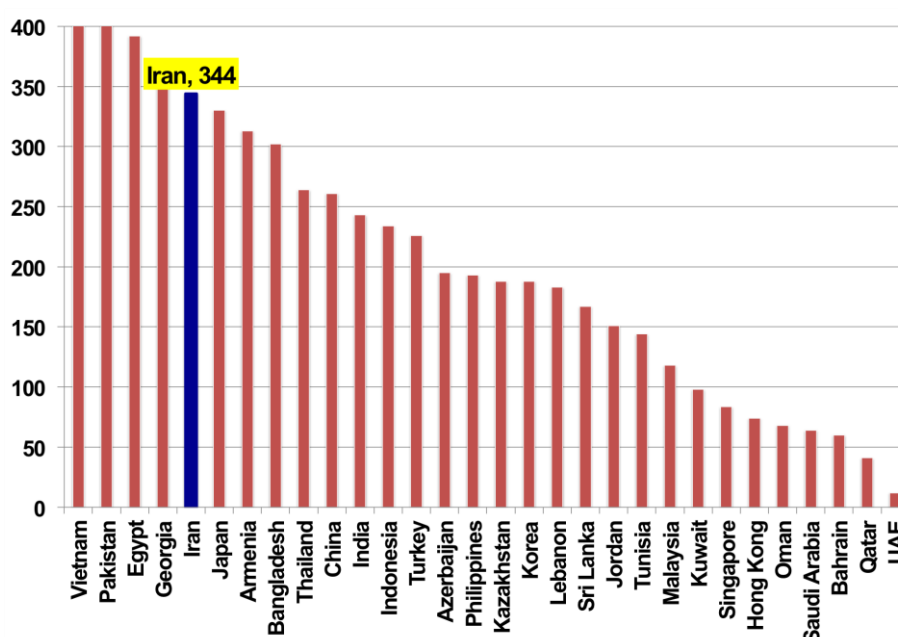


مرجع: گزارش انجام کسب و کار، بانک جهانی، ۲۰۱۵/۱۶

سهولت روال پرداخت مالیات‌ها و زمان انجام آن از نظر هزینه، زمان و نیروی انسانی لازم، برای فعالان اقتصادی و به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت بالایی دارد. سیستم مالیاتی کشور به گونه‌ای استوار شده که به رغم صرف هزینه و زمان بسیار، دفاتر قانونی به سادگی رد شده و مالیات بر طبق تشخیص مودی

مالیاتی به صورت علی‌الراس تعیین می‌شود. روند تهیه دفاتر قانونی بر طبق روال مورد نظر سازمان مالیاتی برای اغلب بنگاه‌ها و کسب و کارهای کوچک دشوار و پرهزینه است. زمان لازم برای انجام امور مالیاتی در کشور به صورت متوسط ۳۴۴ ساعت در سال برآورد شده که بیش از متوسط جهانی و همه کشورهای منطقه خاورمیانه است. در بین کشورهای آسیایی فقط ویتنام و پاکستان از زمان انجام امور مالیاتی بیشتری نسبت به ایران برخوردار هستند (نمودار ۶).

نمودار (۶) - زمان انجام امور مالیاتی ایران در کشورهای منطقه و آسیا (ساعت در سال، ۲۰۱۶)



مرجع: گزارش انجام کسب و کار، بانک جهانی، ۲۰۱۵/۱۶

جدول (۱) - شاخص‌ها و نرخ‌های مالیاتی ایران و کشورهای منطقه (۲۰۱۶)

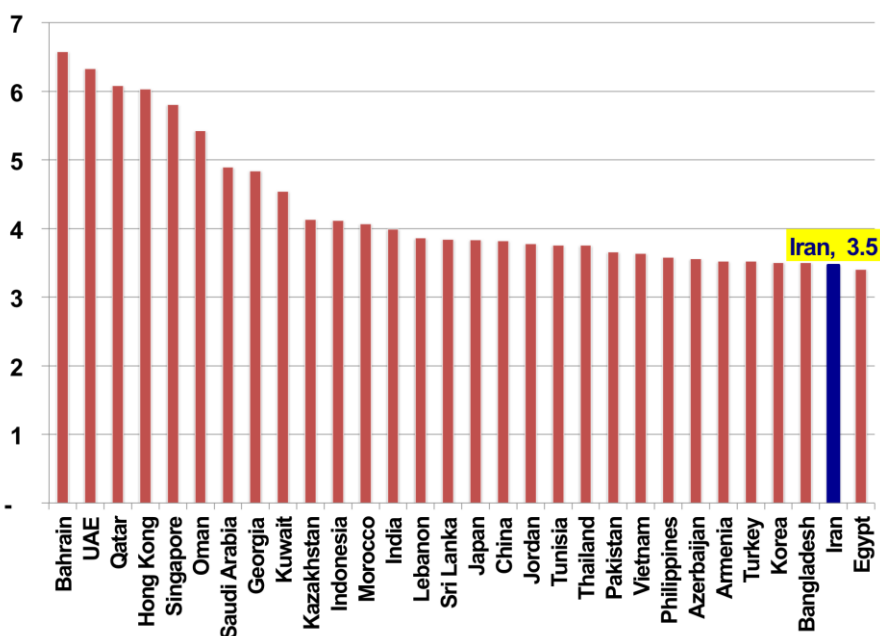
شاخص‌های پرداخت مالیات ایران و کشورهای منطقه و جهان (۲۰۱۶)													
شاخص	ایران	ترکیه	پاکستان	عراق	عربستان	امارات	کویت	قطر	اردن	مصر	خاورمیانه	شرق آسیا	OECD
رتبه بندی کلی (از ۱۸۹)	۱۲۳	۶۱	۱۷۱	۵۹	۳	۱	۱۱	۱	۵۲	۱۵۱	-	-	-
تعداد پرداخت‌ها	۲۰	۱۱	۴۷	۱۴	۳	۴	۱۲	۴	۲۵	۲۹	۱۸	۲۵	۱۱
زمان انجام (ساعت)	۳۴۴	۲۲۶	۵۹۴	۳۱۲	۶۴	۱۲	۹۸	۴۱	۱۵۱	۳۹۲	۲۱۶	۲۰۱	۱۷۷
کل مالیات پرداختی (%)	۴۴.۱	۴۰.۹	۳۲.۶	۲۷.۸	۱۵	۱۶	۱۳	۱۱	۳۰	۴۵	۳۳	۳۴	۴۱
نرخ مالیات سود (%)	۱۷.۸	۱۷.۹	۱۸.۷	۱۴.۳	۲.۲	۰	۰	۰	۱۳.۱	۱۶.۳	۱۲.۷	۱۶.۷	۱۴.۹
نرخ مالیات مشاغل (%)	۲۵.۹	۱۹.۹	۱۲.۷	۱۳.۵	۱۲.۸	۱۴.۱	۱۳	۱۱.۳	۱۴.۴	۲۴.۱	۱۶.۳	۹	۲۴.۱
نرخ دیگر مالیاتها (%)	۰.۴	۳.۱	۱.۱	۰	۰	۱.۸	۰	۰	۲	۴.۶	۳.۷	۶.۵	۱.۷
مالیات ارزش افزوده	دارد	-	دارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	-	-

مرجع: گزارش انجام کسب و کار، بانک جهانی، ۲۰۱۵/۱۶

در آخرین گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۳ سال ۲۰۱۵-۱۶ مجمع اقتصاد جهانی سه زیرشاخص اصلی رقابت-پذیری تحت عنوان (۱) الزامات بنیادین «اقتصاد عوامل‌محور»، (۲) ارتقاء‌دهندگان کارآیی «اقتصاد کارآیی-محور» و (۳) ارتقاء‌دهندگان کمال و نوآوری «اقتصاد نوآوری‌محور»، برای کشورهای جهان بررسی و رتبه‌بندی شده‌اند. رتبه کل رقابت‌پذیری ایران ۷۴ (در بین ۱۴۰ کشور) با امتیاز ۴,۱ (از ۷) است که برای الزامات بنیادین رتبه ۶۳ (امتیاز ۴,۶)، ارتقاء‌دهندگان کارآیی رتبه ۹۰ (امتیاز ۳,۸) و ارتقاء‌دهندگان کارآیی رتبه ۱۰۲ (امتیاز ۳,۳) می‌باشد. چنان‌چه ملاحظه می‌شود با حرکت از اقتصاد عوامل‌محور (متکی بر منابع) به سمت نوآوری‌محور، رتبه-ها و امتیازهای ایران به تدریج سقوط می‌کند.

در مجموعه زیرشاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی، دو زیرشاخص مهم تاثیر مالیات‌ها بر تشویق سرمایه-گذاری^۴ و تاثیر مالیات‌ها بر تشویق اشتغال (کار)^۵ بررسی شده‌اند. رتبه محاسبه شده برای ایران در زیرشاخص تاثیر مالیات‌ها بر تشویق سرمایه‌گذاری ۸۴ در بین ۱۴۰ کشور (و رتبه ۲۹ در بین ۳۰ کشور آسیایی و منطقه) با کسب امتیاز ۳,۵ (از ۷ امتیاز) است (نمودار ۷). رتبه ایران در زیرشاخص تاثیر مالیات‌ها بر تشویق اشتغال ۷۸ در بین ۱۴۰ کشور (و رتبه ۲۴ در بین ۳۰ کشور آسیایی و منطقه) با کسب امتیاز ۳,۷ (از ۷ امتیاز) است (نمودار ۸). کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، بحرین، امارات متحده عربی، قطر، عمان و عربستان سعودی از بالاترین رتبه-ها در هر دو شاخص در سطح جهان برخوردار هستند.

نمودار (۷) - امتیاز ایران در زیرشاخص تاثیر مالیات‌ها بر تشویق سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیایی و منطقه (امتیاز از ۷)



مرجع: گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مجمع اقتصاد جهانی (۲۰۱۵-۱۶)

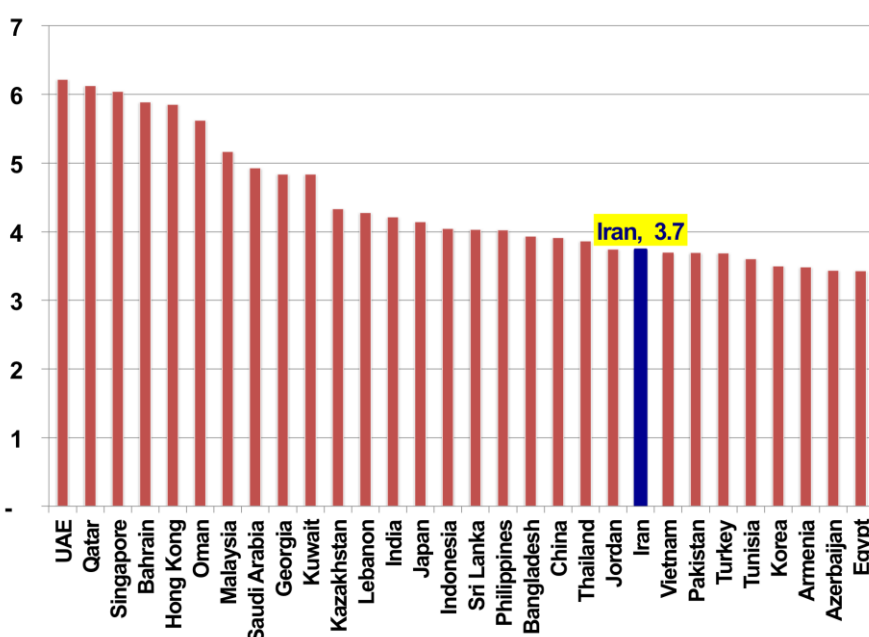
³ GCI (Global Competitiveness Index), World Economic Forum

⁴⁴ Effect of Taxation on Incentives to Invest

⁵ Effect of Taxation on Incentives to Work

بطور کلی ثابت شده که مالیات‌ها با کاهش سرمایه‌گذاری بر روی بهره‌وری اثر می‌گذارند، زیرا به صورت قابل ملاحظه‌ای هزینه سرمایه‌گذاری را بالا برده و ساختارهای مالیاتی بطور خاص این اثر را تشدید می‌کنند. مطالعات^۶ نشان می‌دهد که ساختار معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی منجر به افزایش سهم قابل ملاحظه ماشین-آلات و تجهیزات در سرمایه‌گذاری در اقتصادهای توسعه یافته شده است. موقعیت و وضعیت نامطلوب ایران در زمینه تاثیر سیستم مالیاتی بر روی تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال که در سطح کشورهای آسیایی و به خصوص منطقه به مراتب بدتر می‌باشد، انعکاس خود را در تنزل شدید میزان سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال مولد در سال‌های اخیر نشان داده است.

نمودار (۸) - امتیاز ایران در زیرشاخص تاثیر مالیات‌ها بر تشویق اشتغال در کشورهای آسیایی و منطقه (امتیاز از ۷)



مرجع: گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مجمع اقتصاد جهانی (۱۶-۲۰۱۵)

۴- روند اخذ مالیات و مالیات‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، درآمدهای مالیاتی بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد ریال (یکصد هزار میلیارد تومان) در نظر گرفته شده است که نسبت به عملکرد سال ۱۳۹۴ با میزان ۷۹۲ هزار میلیارد ریال، ۳۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. با مقایسه رشد درآمدهای مالیاتی با رشد بودجه کل کشور در لایحه بودجه ۱۳۹۵، مشخص می‌شود که به رغم نرخ رشد ۱۲٫۵ درصدی رشد کل بودجه، درآمدهای مالیاتی ۳۰ درصد رشد خواهد داشت^۷ و با توجه به

^۶ "Do Corporate Taxes Distort Capital Allocation? Cross-Country Evidence from Industry-Level Data.", Economic Paper s503, Brussels: European Commission, Fatica, S, 2013

^۷ مشخص نیست در شرایطی که نیمی از افزایش میزان مالیات سال ۱۳۹۴ در بودجه نسبت به سال قبل از آن به میزان ۱۲ درصد محقق شده، چگونه قرار است در شرایط رکود عمیق اقتصادی، در سال ۱۳۹۵ امکان ۳۰ درصد افزایش مالیات‌ها میسر شود.

نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی در سال جاری، روند افزایش فشار مالیات‌ها با شدت بیشتری کماکان استمرار خواهد یافت. هر چند در طی استقرار دولت یازدهم از سال ۱۳۹۲، بودجه کل کشور ۳۱ درصد افزایش داشته، اما نرخ رشد درآمدهای مالیاتی ۱۰۸ درصد می‌باشد که به مفهوم افزایش ۳,۵ برابری مالیات‌ها نسبت به رشد بودجه کل کشور است. از سوی دیگر با توجه به نرخ برآوردی افزایش تولید ناخالص داخلی به میزان حداکثر ۵۰ درصد در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۲، ملاحظه می‌شود که نرخ رشد مالیات‌ها بیش از ۲ برابر افزایش نسبت به میزان رشد اسمی اقتصاد (قیمت‌های جاری) تجربه کرده است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، سهم مالیات ارزش افزوده از کل مالیات‌ها ۲۹,۳ درصد، بنگاه‌های خصوصی ۲۲,۳ درصد، واردات ۱۵,۱ درصد، بنگاه‌های غیرخصوصی ۹,۷ درصد، حقوق و دستمزد ۸,۷ درصد، مشاغل ۴,۲ درصد، ثروت ۲,۵ درصد و مستغلات ۰,۸ درصد، منظور شده است (نمودار ۹). سهم مالیات ارزش افزوده و بنگاه‌های خصوصی از کل افزایش مالیات‌ها در بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۴۴ و ۱۴ درصد (در مجموع ۵۸ درصد) و ثروت و مستغلات با یکدیگر مقدار ناچیز ۱,۲۹ درصد پیش‌بینی گردیده است.

نمودار (۹) - سهم اقلام از کل مالیات در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵



مرجع: لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کشور

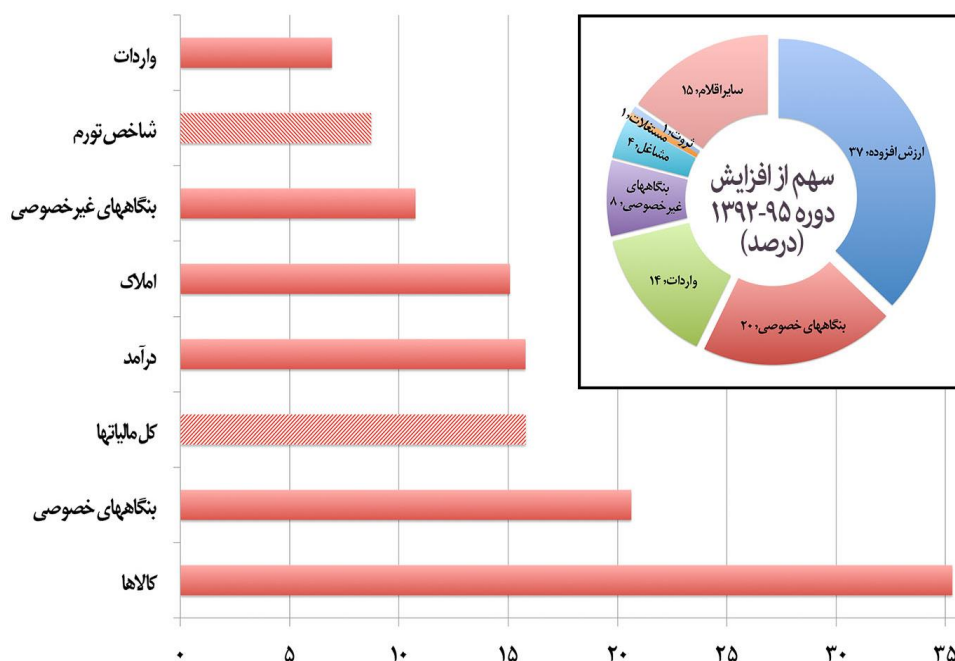
در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲، مالیات ارزش افزوده ۲,۹ برابر، واردات ۱,۹ برابر، بنگاه‌های خصوصی ۱,۹ برابر، درآمد ۱,۹ برابر، بنگاه‌های دولتی ۱,۷ برابر و ثروت ۱,۲ برابر رشد داشته است. از کل افزایش مالیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به مالیات سال ۱۳۹۲، ۳۷ درصد سهم مالیات ارزش افزوده، ۲۰ درصد سهم بنگاه‌های خصوصی، ۱۴ درصد سهم واردات، ۷,۸ درصد سهم بنگاه‌های عمومی، ۴ درصد سهم مشاغل و فقط به ترتیب ۰,۸ و ۰,۶ درصد سهم مستغلات و ثروت است. بنابراین افزایش بار مالیاتی بنگاه-

های خصوصی (اغلب صنایع کوچک و متوسط) بیش از واردات، ۲,۶ برابر بنگاه‌های دولتی، ۵ برابر مشاغل (شامل همه اصناف و عمده‌فروشان و خرده‌فروشان)، ۲۵ برابر مستغلات و ۳۱ برابر ثروت می‌باشد. (نمودار ۱۰)

در شرایطی که سهم مالیات بنگاه‌ها از کل مالیات‌ها در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۸ به صورت متوسط ۸,۷ درصد بوده و در آمریکا (۹,۴ درصد)، آلمان (۴,۷ درصد)، کره جنوبی (۱۵,۵ درصد) و ترکیه (۷,۵ درصد) است (نمودار ۱۱)، در ایران ۳۲ درصد از کل مالیات‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ را شامل شده است و به رغم نقش بسیار بزرگ بخش‌های دولتی و عمومی در اقتصاد کشور ۷۰ درصد مالیات بنگاه‌ها بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده است.

روند رشد نمایی مالیات ارزش افزوده با سهم در حدود ۳۰ درصد از کل مالیات‌ها و وجود بخش توزیع و خرده‌فروشی متفرق و ناکارآمد موجب شده تا این نوع مالیات به مالیات مضاعفی برای بنگاه‌های تولیدی تبدیل شود. ساز و کار حاکم و کارکرد سیستم مالیاتی کشور به نحوی عمل می‌کند که بخش‌های مولد را هدف گرفته و به رغم کسب منافع کلان، بخش‌های نامولد را نادیده گرفته است. همچنین باید توجه داشت بر خلاف اقتصادهای توسعه یافته که سهم مهمی از بنگاه‌های بزرگ شامل بخش‌های خدماتی از قبیل خرده‌فروشان بزرگ می‌گردد، در ایران بخش غالب بنگاه‌های بزرگ در بر گیرنده واحدهای تولیدی صنعتی است.

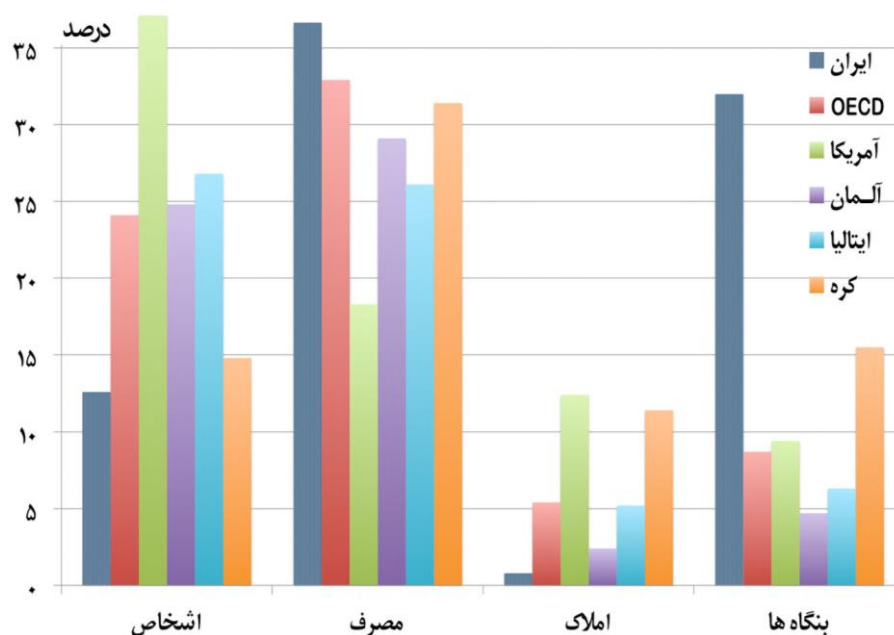
نمودار (۱۰) - نسبت افزایش میزان مالیات‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۲ و تورم



مرجع: لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کشور و بانک مرکزی ایران

^۸ OECD (Organization for Economic Cooperation and Development)

نمودار (۱۱) - سهم بخش‌های اقتصادی از کل در کشورهای منتخب و ایران (لایحه بودجه سال ۱۳۹۵)



مرجع: لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کشور و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

سهم مالیات املاک از کل مالیات‌ها در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۵,۴ درصد، در آمریکا ۱۲,۴ درصد و در ایران میزان ناچیز ۰,۸ درصد را در بر می‌گیرد. مالیات مصرف در ایران ۳۷ درصد از کل مالیات‌ها را به خود اختصاص داده که ۸۰ درصد آن شامل مالیات ارزش افزوده می‌شود. البته نظر به اخذ بیش از ۸۰ درصد از مالیات مصرف به صورت مالیات ارزش افزوده که بخش اصلی آن از بنگاه‌ها (تولیدی) اخذ می‌گردد، لذا مالیات بنگاه‌ها در ایران نزدیک به ۶۰ درصد و بنگاه‌های تولیدی در حدود نیمی از کل مالیات‌ها برآورد می‌شود. در نظام مالیاتی کشورهای توسعه یافته، بر خلاف ایران که بر روی اخذ مالیات از بنگاه‌های صنعتی تمرکز شده است، بخش اعظم مالیات‌ها شامل مالیات اشخاص، مصرف و ثروت (با مجموع بیش از ۶۰ درصد) می‌باشد و مالیات بنگاه‌های کمتر از ۱۰ درصد است. به عبارتی نظام مالیاتی کشور در جهت خلاف وضعیت کشورهای توسعه یافته عمل می‌کند.

در طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵، در شرایطی که تورم موجب افزایش بهای کالاها و خدمات به میزان ۸,۵ برابر شده است، بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، میزان مالیات وصولی ۱۵,۸ برابر خواهد شد. به بیان دیگر با تعدیل تورمی، میزان اخذ مالیات حقیقی بیش از ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. در این دوره ضمن آن که سهم مالیاتی بنگاه‌ها (اشخاص حقوقی) با ۲۲ درصد افزایش به ۳۶ درصد از کل و سهم کالاها و خدمات (شامل ارزش افزوده) با ۷۳ درصد افزایش به ۲۸ درصد از کل بالغ گردید، از سهم بخش‌های مالیاتی ثروت، واردات و درآمد کاسته شد. رشد شدید سهم ایجاد مالیات کالاها و خدمات از ۹ درصد کل در دوره ده‌ساله ۸۸-۱۳۷۸ به ۵۶ درصد کل در دوره ۹۲-۱۳۸۸ (شامل مالیات ارزش افزوده)، نشان می‌دهد به چه شدتی کسب درآمدهای مالیاتی دولت به این نوع مالیات وابستگی پیدا کرده است.

پس از یک دهه رشد نامتعارف بودجه و حجم دولت، با کاهش درآمدهای نفتی باید نسبت به کوچک‌سازی و چابک‌سازی بدنه دولت اقدام می‌شد، اما به جای آن مالیات‌ها افزایش یافت و از بودجه‌های عمرانی کاسته شد. نظر به انتقال بار مالیات ارزش افزوده از بخش واقعی مصرف به بخش تولید، برآورد می‌شود در حدود نیمی از بار مالیاتی کشور بر دوش بنگاه‌ها و به ویژه بخش صنعت باشد که در سطح جهان بی‌سابقه و بی‌همانند است. با توجه به سهم ۷۰ درصدی بنگاه‌های خصوصی از کل مالیات بنگاه‌ها، سهم بخش خصوصی مولد در حدود ۳۰ درصد (۱۵ درصد مالیات بنگاه‌ها و ۱۵ درصد مالیات ارزش افزوده)، کل مالیات وصولی کشور برآورد می‌شود، آن هم در حالی که عهده‌دار در حدود ۷ درصد از تولید ناخالص ملی است. انتقال سهم اصلی بار مالیاتی کشور به بخش خصوصی مولد که عمدتاً شامل صنایع کوچک و متوسط می‌شود ضمن تضعیف این بخش مهم اقتصادی و ادامه روند تعطیلی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و کاهش اشتغال مولد، موجبات تداوم و تشدید رکود اقتصادی کنونی را نیز فراهم کرده و از سوی دیگر منجر به عدم تحقق مالیات پیش‌بینی شده در بودجه خواهد شد. به نظر می‌رسد دولت به جای کاهش حجم و هزینه‌ها و افزایش کارایی خود و از طرفی اخذ مالیات و عوارض از بخش‌های اقتصادی سودآور و یا معاف از مالیات و افسار مرفه و همچنین بخش‌های خدماتی و بازرگانی، راه گذار از مشکلات بودجه‌ای را در انتقال فشارهای اقتصادی به بخش‌های مولد خصوصی رسمی و کارآفرینان بخش صنعت می‌بیند.

۵- بخش‌های اقتصادی و مالیات‌ها

روند اقتصاد نفتی دهه هشتاد منجر به کاهش سهم بخش‌های مولد از کل اقتصاد گردید، چنانچه سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت به ۱۷ درصد از کل اقتصاد سقوط و در همین حال سهم بخش‌های ساختمان و مستغلات به ۲۱ درصد از کل اقتصاد در سال ۱۳۹۰ صعود کرد (نمودار ۱۲). برآوردها حاکی از این می‌باشد که میزان پرداخت مالیات بنگاه‌های صنعتی از بخش‌های خدمات، مسکن و مستغلات (با سهم ۵۸ درصد از کل اقتصاد) به مراتب بیشتر است، چنانچه سهم اصناف و مشاغل از کل مالیات کشور ۴٫۲ درصد و سهم مستغلات ۰٫۸ درصد (در مجموع ۵ درصد) در مالیات سال ۱۳۹۵ تعیین شده است. برآورد می‌شود که سهم بنگاه‌های خصوصی (اغلب واحدهای تولیدی) از کل مالیات‌ها حداقل ۳۰ درصد باشد.

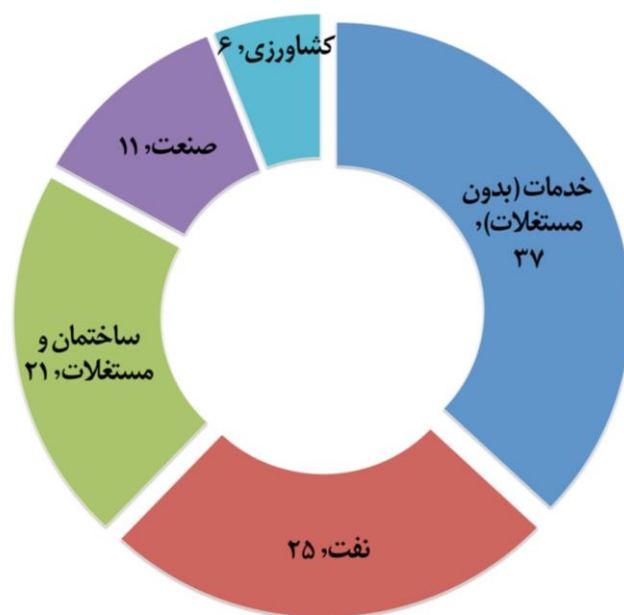
بررسی شاخص ضمنی تعدیل‌کننده^۹ (تورمی) بخش‌های اقتصادی در دوره ۹۰-۱۳۸۰ که نشان‌دهنده رشد تورمی می‌باشد، نشان می‌دهد که رشد تورمی بخش‌های صنعت و کشاورزی در زیر سطح کل اقتصاد و بخش‌های خدماتی در بالاتر از آن واقع شده است (نمودار ۱۳). این پدیده که خود علامت اصلی بروز بیماری هلندی^{۱۰} در اقتصاد است^{۱۱} حاکی از آن می‌باشد که بخش صنعت به صورت کلی کمترین منافع را از افزایش قیمت‌ها داشته است و بخش‌های ساختمان، مستغلات و خدمات بالاترین سود را کسب کرده‌اند.

^۹ GDP Implicit Deflator

^{۱۰} Deutch Dssease

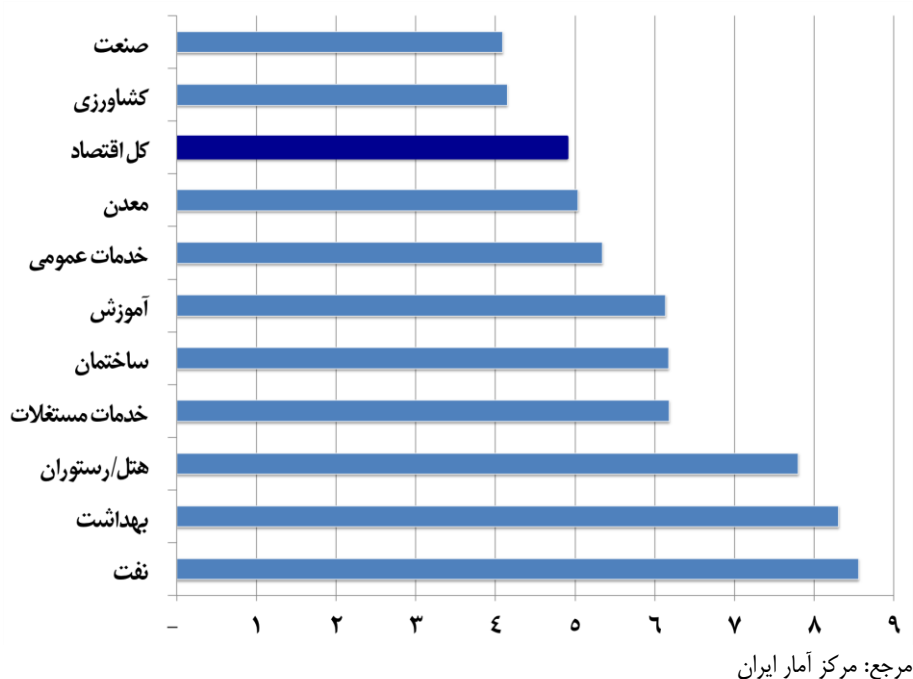
^{۱۱} بیماری هلندی در اقتصاد به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در آن اتکا به درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی (یا خارج از اقتصاد) منجر به انتقال تورم از کالاهای قابل مبادله به غیرمبادله (از قبیل خدمات) می‌شود.

نمودار (۱۲) - سهم بخش‌های اقتصادی از کل تولید ناخالص داخلی (اسمی) در سال ۱۳۹۰



مرجع: بانک مرکزی

نمودار (۱۳) - نسبت افزایش شاخص تورمی درآمد بخش‌های اقتصادی در دوره ۹۰-۱۳۸۰



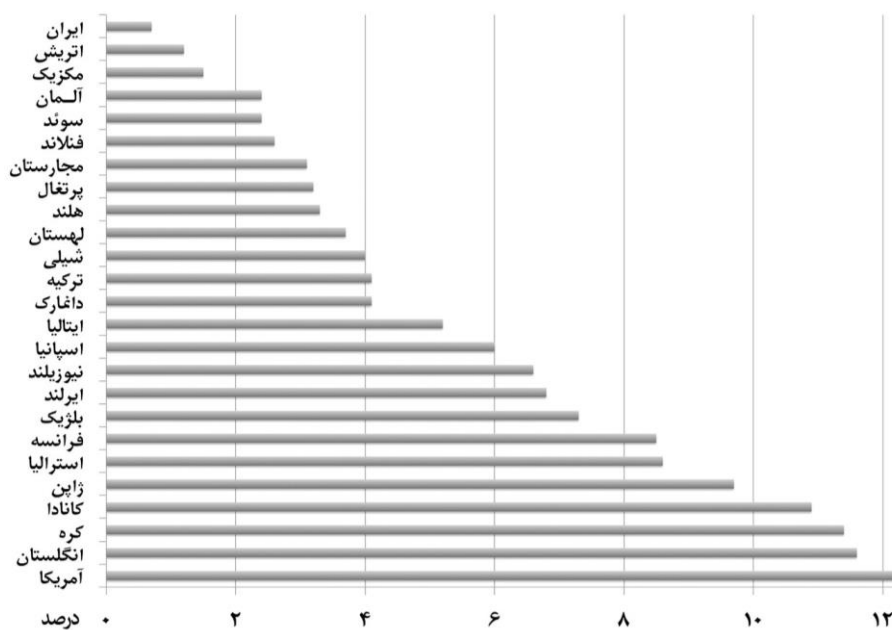
مرجع: مرکز آمار ایران

۶- مالیات بخش‌های نامولد (مستغلات)

در طی دو دهه اخیر نرخ رشد بهای متوسط زمین سه برابر بیش از نرخ رشد بهای کالاها و خدمات (تورم) بوده است و به رغم این که بهای نیروی کار و مصالح ساختمانی از نرخ رشد در حدود تورم (یا کمتر از آن) برخوردار می‌باشد، بهای مسکن و به تبع آن هزینه مسکن به شدت افزایش یافته است. به عبارت دیگر همه منافع ناشی از

شوکه‌های تورمی نصیب سفته‌بازان و سوداگران بخش مستغلات شده است، آن هم در شرایطی که کمترین مالیات را پرداخته و در تامین نیروی کار (بیمه تامین اجتماعی) نقش چندانی به عهده نداشته‌اند. بر طبق داده‌های مرکز آمار سازمان ملل متحد، ایران رتبه اول سهم هزینه مسکن از کل هزینه خانوار در سطح کشورهای جهان را دارد. با وجود این که بخش زمین و مسکن در ایران درآمد بسیار بالایی داشته و از بالاترین رشد قیمت‌های جهانی برخوردار بوده است، مالیات املاک و مستغلات ایران ۰٫۸ درصد از کل درآمدهای مالیاتی و ۰٫۰۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی بوده که نسبت به کشورهای دیگر (با سهم ۰٫۵ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی) بسیار ناچیز است (نمودار ۱۴). هزینه‌های خرید و فروش و انتقال ملک در ایران به شدت پایین است. بطور کلی میزان هزینه نقل و انتقال ملک در کشورهای دیگر در محدوده ۵ تا ۲۰ درصد بهای ملک هزینه در بردارد. هر چند در ایران این هزینه به صورت رسمی ۹ درصد قیمت ملک است، اما در عمل یک درصد هم دریافت نمی‌شود. همین موضوع کم و بیش در مورد مالیات اجاره هم صدق می‌کند. سهم مسکن از کل هزینه خانوار کشور بیش از ۳۲ درصد می‌باشد، لذا به رغم کسب بالاترین درآمدها در دولت‌های نهم و دهم به میزان بیش از دو برابر متوسط اقتصاد و سهم بالای بخش مسکن از هزینه‌های خانوار و درآمد اقتصادی، بخش املاک و مستغلات کشور پایین‌ترین سهم پرداخت مالیات (در جهان) را بر عهده داشته و دارد. عدم دریافت یا میزان نازل اخذ مالیات‌های مرسوم دنیا از قبیل مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات‌های املاک و مستغلات (راکد، ارث، فروش، معاملات)، ایران را به بهشت سرمایه‌گذاران و سوداگران املاک و مستغلات تبدیل نموده است.

نمودار (۱۴) - سهم مالیات مستغلات از کل مالیات کشورهای عضو شورای همکاری و توسعه اقتصادی و ایران (۲۰۱۴)



مرجع: بانک مرکزی ایران و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

فهرست انواع مالیات‌ها و عوارضی که بر املاک در دیگر کشورها وضع می‌گردد، طولانی است که به عناوین کلی آنها اشاره می‌شود، اعمال مالیات (۱) عایدی سرمایه (ارزش افزوده زمین)، (۲) زمین بایر، (۳) خانه-

های خالی، (۴) ساختمان نیمه‌ساز، (۵) مسکن مازاد (املاک مازاد بر احتیاج یک خانوار)، (۶) مسکن لوکس و ویلا (بر اساس سطح زیربنا، منطقه و ...)، (۷) ارزش افزوده تولید ساختمان، (۸) محیط زیست از ساختمان‌های ویلایی واقع در مناطقی از قبیل جنگل‌ها و کناره رودخانه‌ها، (۹) اراضی کشاورزی از ساختمان‌های مسکونی و به خصوص غیرمسکونی واقع در اراضی کشاورزی، (۱۰) نقل و انتقال (واقعی‌سازی)، (۱۱) ارث املاک و (۱۲) اجاره ساختمان (واقعی و منطقی‌سازی). در چین مالیات‌های متنوعی بر زمین و ساختمان وضع شده است. این مالیات‌ها شامل موارد متنوعی از قبیل منابع، نگهداری شهری و ساخت و ساز، مسکن، املاک شهری، استفاده از زمین شهری، ارزش افزوده زمین و تصاحب زمین کشاورزی می‌شود که در مجموع در حدود ۱۰ درصد از کل مالیات‌ها در این کشور را پوشش می‌دهد. در مقایسه با چین، اگر مالیات‌های زمین و مسکن مشابهی در ایران اخذ می‌گردید، درآمد سالانه آن به حدود ده درصد درآمد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) معادل با ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یا حجم کل مالیات وصولی یا نیمی از بودجه دولت بالغ می‌شد.

در ایران به جای این که از زمین و املاک در حد و اندازه کشورهای دیگر مالیات اخذ شود یا اجازه داده شود حساب‌های تورمی بهای زمین و ساختمان تخلیه شود، با تامین رانت منابع مالی ارزان‌قیمت تسهیلات بانکی تلاش می‌گردد تا به حفظ و افزایش قیمت‌ها کمک شود و عبارتی به صاحبان زمین و املاک یارانه داده شود. تعریف ریکاردو^{۱۲} در خصوص مفهوم رانت در زمین «عایدی حاصل از اختلاف زمین‌ها از لحاظ باروری» است. اساس نظریه ریکاردو «رانت زمین متناسب است با اختلاف ارزشی که ناشی می‌شود از محصول حاصل در بدترین زمین که در کشور وجود دارد و محصول به دست آمده در زمین مورد نظر، البته با فرض اینکه مقدار کار و سرمایه به کار رفته در هر دو زمین مساوی باشد.» مفهوم متناظر رانت زمین در اقتصاد ایران این است که سرمایه‌گذاری در زمین بدون انجام هر گونه تلاش یا کاری از سود کلان برخوردار شود. ریکاردو می‌گوید همه این رانت را دولت می‌تواند به صورت مالیات اخذ کند تا بی‌دلیل درآمد بادآورده‌ای ایجاد نشود. بنا بر نظریه ریکاردو اخذ این مالیات هیچگونه اختلالی در تخصیص منابع و انتخاب‌های عوامل اقتصادی ایجاد نمی‌کند و حتی زمینه اختلالات و سوداگری‌های بی‌ثبات‌کننده را هم محدود خواهد کرد. این در واقع نشانه ضعف نظام مالیاتی است که در جایی که بیشترین درآمد بادآورده عاید می‌شود کمترین مالیات را جمع‌آوری کند و مجبور باشد برای تامین هزینه‌های خود به عوامل اقتصادی مولد فشار بیاورد. این درحالی است که اگر بر عایدات سرمایه‌ای زمین و مسکن مالیات اخذ می‌شد زمینه جهش‌های بی‌ثبات‌کننده و افزایش‌های قیمت متوالی در این قلمرو محدود می‌شد و اقتصاد در منجلابی که هم اکنون گرفتار شده فرو نمی‌رفت. با توجه به تجارب تاریخی طولانی کشورهای دیگر، اجرای نظام مالیاتی خاص بخش زمین و املاک چندان دشوار نیست و مهم‌ترین و شاید تنها مانع پیش رو، خواست و قاطعیت دولت و مجلس در برابر مافیاهای زمین و مسکن است تا به اصلاح نظام بدون کارایی کنونی اقدام شود. اخذ مالیات از درآمدهای املاک ضمن آن که درآمد دولت را بالا خواهد برد، منجر به حرکت منابع به سمت بخش‌های مولد نیز می‌شود که در آن جا نیز موجب تحقق درآمدهای مالیاتی

^{۱۲} کتاب «اصول اقتصاد سیاسی»، ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲)

می‌گردد. تا هنگامی که از فعالیتهای مولد مالیات اخذ شده و به فعالیتهای نامولد رانت اعطاء شود، هرگز کشور روی توسعه پایدار و رفاه را به خود نخواهد دید.

۷- درآمد رشته‌های صنعتی

جدیدترین و کامل‌ترین آمارگیری و ارائه داده‌های کم و بیش جامع از وضعیت رشته‌های صنعتی توسط مرکز آمار ایران درباره "کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر" در سال ۱۳۹۲ انجام شده است^{۱۳}. هر چند که این گزارش شامل داده‌های کارگاه‌های صنعتی خیلی کوچک (میکرو)، با اشتغال زیر ۱۰ نفر که در حدود ۶۰ درصد از اشتغال و حداقل ۲۰ درصد از درآمد اقتصادی (ارزش افزوده) بخش صنعت را بر عهده دارند، نمی‌شود، اما با توجه به عواملی از قبیل کاربرد بودن واحدهای تولیدی خرد و سرمایه‌بر بودن و انرژی‌بر بودن اغلب واحدهای متوسط و به خصوص بزرگ، با تجزیه و تحلیل داده‌های کارگاه‌های با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، تا حدی امکان درک و مطالعه چگونگی توزیع منابع بین رشته‌های صنعتی و به خصوص صنایع بزرگ فراهم است.

در کل ۲۳ رشته صنعتی، ۴ رشته صنعتی فلزات اساسی (با سهم ۲۵ درصد از کل)، کانی غیرفلزی (۲۳ درصد)، شیمیایی (۲۰ درصد)، بدون خوراک) و پالایشگاهی (۱۶ درصد)، در مجموع ۸۶ درصد از کل مصرف معادل نفت خام انرژی و ۸۴ درصد از کل ارزش انرژی مصرفی را بر عهده دارند که رشته‌های صنعتی انرژی‌بر صنعتی کشور را شامل می‌شوند (نمودار ۱۵). ۶ رشته صنعتی بعدی به ترتیب صنایع غذایی (با سهم ۵,۹ درصد از کل)، نساجی (۲,۲ درصد)، خودرو (۱,۶ درصد)، لاستیکی و پلاستیکی (۱,۴ درصد)، فلزی (۱ درصد) و کاغذی (۱ درصد) هستند. ۱۳ رشته صنعتی دیگر در مجموع ۲,۶ درصد از انرژی صنعت کشور را مصرف می‌کنند. در زیر رشته‌های صنعتی، صنایع تولید مواد شیمیایی اساسی (پتروشیمی)، تولید مواد محصولات اولیه آهن و فولاد و تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه شده به ترتیب با سهم از کل مصرف انرژی صنعت کشور به ترتیب ۱۹, ۱۸,۸ و ۱۵,۷ درصد، بیش از نیمی از مصرف انرژی صنعت کشور را به عهده دارند. سرانه مصرف انرژی کارکنان صنایع انرژی‌بر نزدیک به ۱۰ برابر ۱۹ رشته صنعتی دیگر است (نمودار ۱۶).

در مجموع سهم چهار رشته صنعتی انرژی‌بر (کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر) از کل ارزش مصرفی گاز، انرژی و برق صنایع به ترتیب ۸۷، ۸۴ و ۸۲ درصد می‌باشد. سهم این صنایع از کل ارزش فروش تولیدات، ارزش افزوده اقتصادی و حجم سرمایه‌گذاری به ترتیب ۷۵، ۶۷ و ۵۸ درصد است. از کل اشتغال، اشتغال مردان و اشتغال زنان ۳۶، ۳۸ و ۲۵ درصد مربوط به صنایع انرژی‌بر می‌گردد (نمودار ۱۷).

هر چند سهم ۴ رشته صنعتی انرژی‌بر، ۲۶ درصد از کل درآمد اسمی اقتصادی بخش صنعت در سال ۱۳۷۰ بود، اما با روند رشد مستمری که در سال‌های پایانی دهه هشتاد تسریع شد، در سال ۱۳۹۲ این سهم به ۶۱ درصد از کل صنعت بالغ گردید. (نمودار ۱۸) در طی دوره ۹۰-۱۳۷۰ تولید محصولات پتروشیمی، فولاد و سیمان به ترتیب ۹,۸، ۵,۸ و ۴,۴ برابر شد و در همین حال حجم فعالیت صنایع نساجی، پوشاک و چرم کاهش یافت.

این امر مبین رشد بالای واحدهای بزرگ صنعتی بالادستی (عمدتاً تحت مالکیت یا مدیریت بخش‌های

^{۱۳} کلیه داده‌های واحدهای صنعتی در این بخش از گزارش بر پایه کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر بررسی شده است.

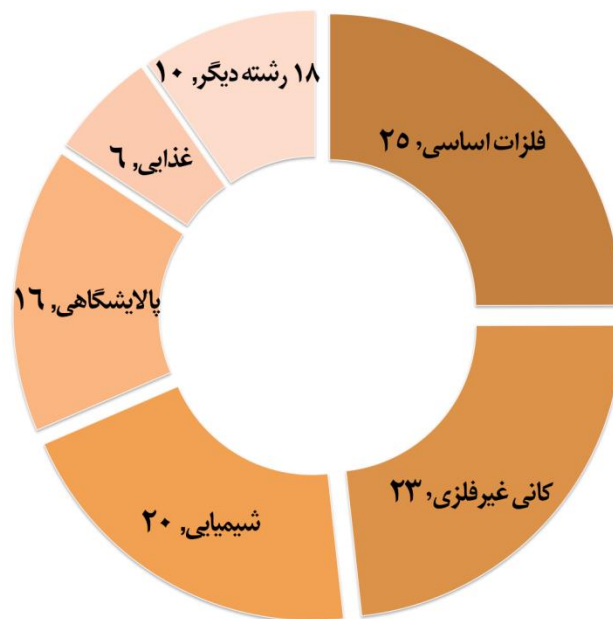
دولتی و شبه‌دولتی، و از سوی دیگر تضعیف و کاهش سهم صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی بخش خصوصی است. در یک اقتصاد رانتیر نفتی^{۱۴} تلاش ذینفعان اقتصادی در این است تا به رانت نفت دسترسی بیشتری پیدا کنند و در این راستا گسترش فزاینده صنایع انرژی‌بر در اثر عوامل ذیل تشدید شده است،

(۱) - پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ و همه‌جانبه دولت‌ها تحت عناوینی از قبیل توسعه صنعتی و اقتصادی و اقتصاد بدون نفت و خودکفایی صنعتی و در اصل بهره‌برداری و استفاده هر چه بیشتر عوامل مستقیم و غیرمستقیم دولتی و شبه‌دولتی از رانت منابع ملی کشور. صنایع مورد توجه بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی، صنایعی هستند که منافع و رانت‌های زیادی را دارا بوده و از سویی امکان کنترل و مدیریت آنها به سادگی فراهم باشد. از سوی دیگر بخش خصوصی و مردم نیز توان حضور در آنها را نداشته باشند.

(۲) - برخورداری از رانت بالای منابع (انرژی) که با توجه به بند اول ممکن شده است.

(۳) - برقراری ساز و کارهای قانونی و حفاظتی جهت اطمینان از برقراری و تداوم تامین رانت

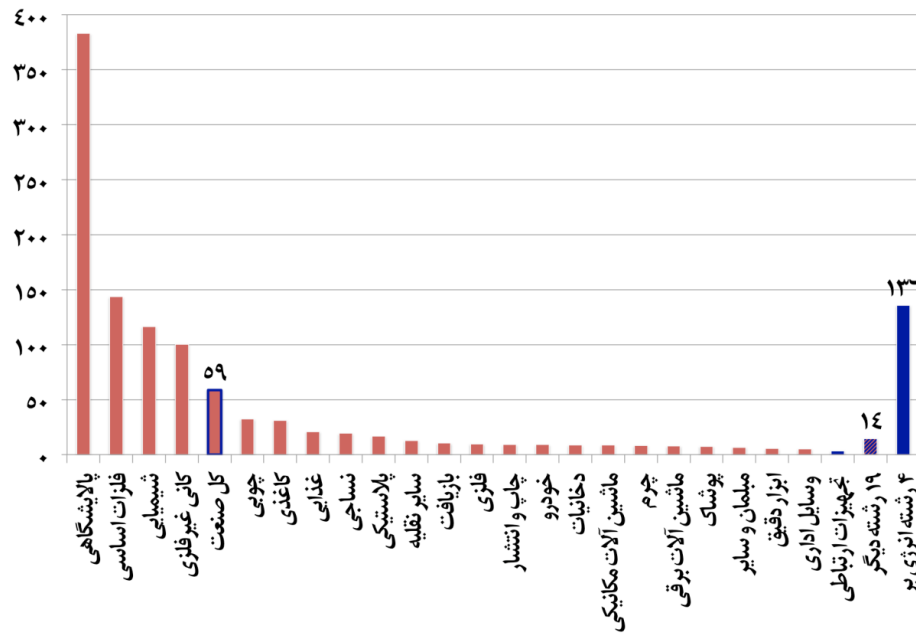
نمودار (۱۵) - سهم رشته‌های صنعتی انرژی‌بر از کل ارزش انرژی مصرفی کارگاه‌های صنعتی (درصد، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

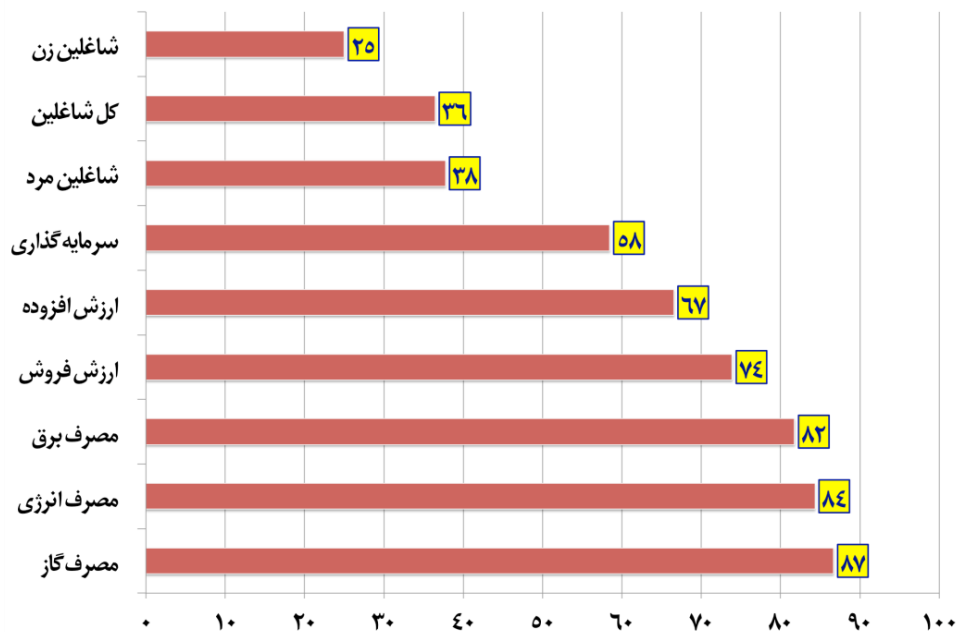
¹⁴ Petro-Rentier State

نمودار (۱۶) - سرانه مصرف ارزش انرژی مصرفی رشته‌های صنعتی به ازای کارکن (میلیون ریال، ۱۳۹۲)



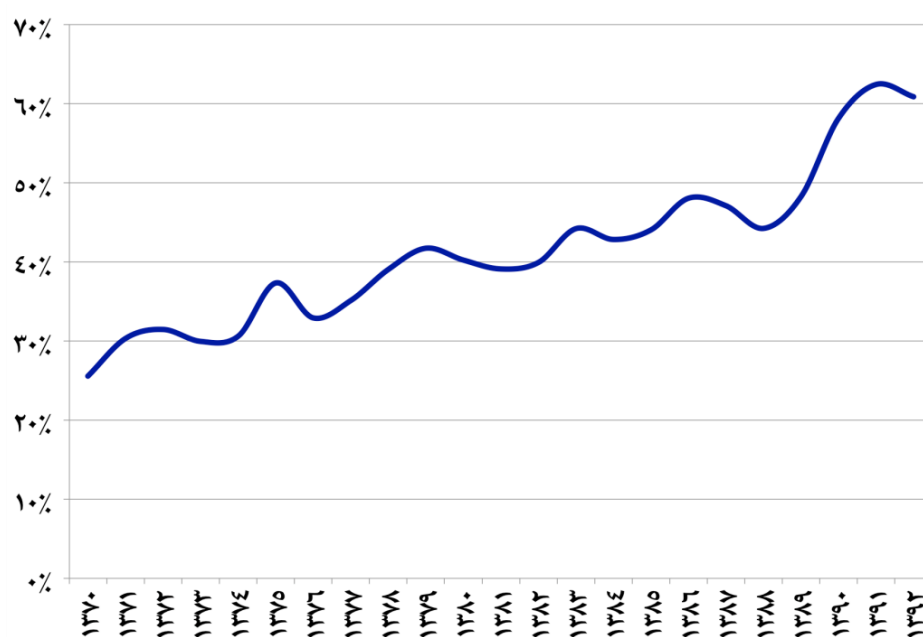
مرجع: مرکز آمار ایران

نمودار (۱۷) - سهم صنایع انرژی بر از شاخص‌های کارگاه‌های صنعتی (درصد، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

نمودار (۱۸) - روند رشد سهم اقتصادی صنایع انرژی بر از کل صنعت (درصد)



مرجع: مرکز آمار ایران

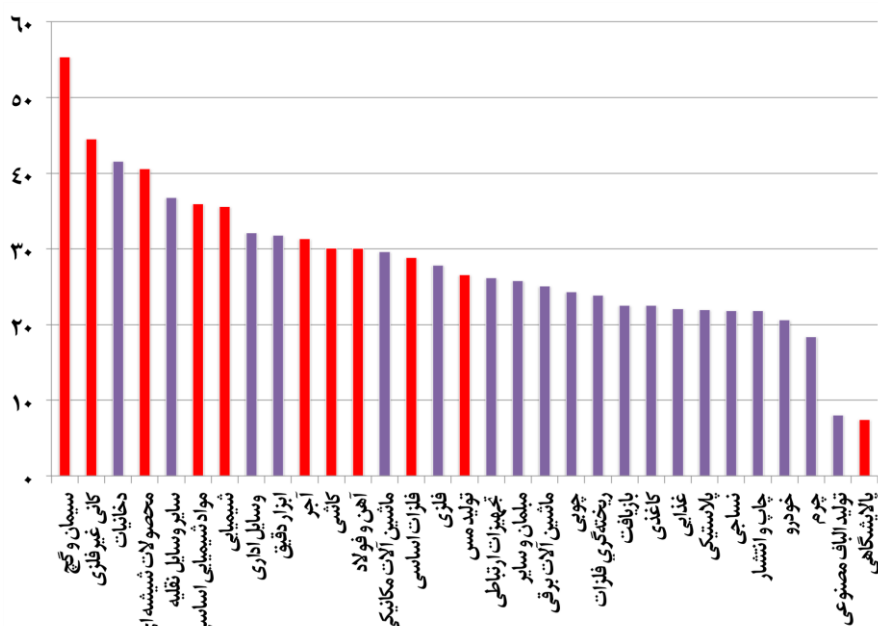
قطعاً در این شرایط توان و انرژی دولت‌ها بیش از هر چیز معطوف و مصروف صنایع انرژی‌بر می‌شود، چنان‌چه در همه دولت‌ها در ربع اخیر اوضاع بدین منوال بوده است، چنان‌چه صنایع کوچک و متوسط وضعیت و موقعیت خود را از دست داده و اشتغال صنعتی روند نزولی را طی کرده است. در بین صنایع کوچک و متوسط، صنایعی با عمق صنعتی پایین و متکی بر واردات قطعات و مواد نیمه‌نهایی و بسته‌بندی آنها توسعه و گسترش یافته‌اند.^{۱۵}

صنایع انرژی‌بر به رغم سهم بالایی که از منابع کشور (منابع طبیعی و سرمایه) دارند، اشتغال پایینی ایجاد کرده‌اند. نظر به این که بخش اعظم هزینه این صنایع را مواد اولیه و انرژی تشکیل می‌دهد که آن هم با بهای بسیار پایین (در مقایسه با بازارهای جهانی) تامین و تضمین شده است و از سوی دیگر تولیدات خود را در بهای معادل یا بالاتر از بازارهای جهانی، صادر کرده یا در داخل کشور به فروش می‌رسانند، لذا از حاشیه سود بالایی در مقایسه با سایر صنایع داخلی و همچنین رقبای جهانی برخوردار هستند. با محاسبه حاشیه سود ناخالص^{۱۶} رشته‌های صنعتی ملاحظه می‌شود که رشته‌های صنعتی انرژی‌بر در صدر صنایع سودآور قرار گرفته و از سوی دیگر صنایع اشتغال‌زا و پایین‌دستی دارای حاشیه سود ناخالص پایین‌تری هستند (نمودار ۱۹). به عنوان مثال در شرایطی که صنایع مواد شیمیایی اساسی (پتروشیمی‌ها) از حاشیه سود ناخالص ۳۶ درصد برخوردار هستند، میزان سود صنایع تولید الیاف مصنوعی (پایین‌دستی) ۸ درصد می‌باشد.

^{۱۵} در این رابطه مصادیق زیادی وجود دارد که می‌توان به مدعیات مسئولین به لزوم توسعه صنایع بالادستی نظر به نیاز صنایع پایین‌دستی اشاره کرد که در عمل خلاف آن به وقوع پیوسته است یا اقدامات خروج از رکود که در بسته‌بندی سیاستی دولت صنایع انرژی‌بر پتروشیمی و فولاد به عنوان صنایع پیشران مطرح شدند.

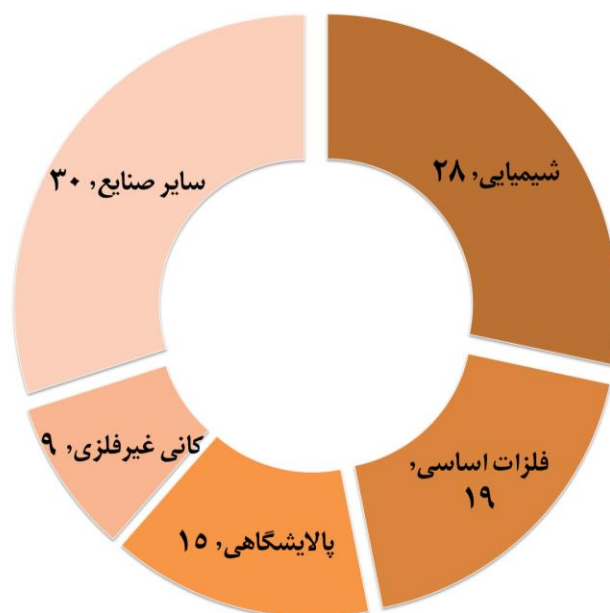
^{۱۶} سود ناخالص برابر است با سود بنگاه (شامل سود سرمایه) به اضافه هزینه استهلاک

نمودار (۱۹) - حاشیه سود ناخالص رشته‌های صنعتی (درصد از فروش، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

نمودار (۲۰) - سهم رشته‌های صنعتی از کل حاشیه سود ناخالص کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (درصد، ۱۳۹۲)

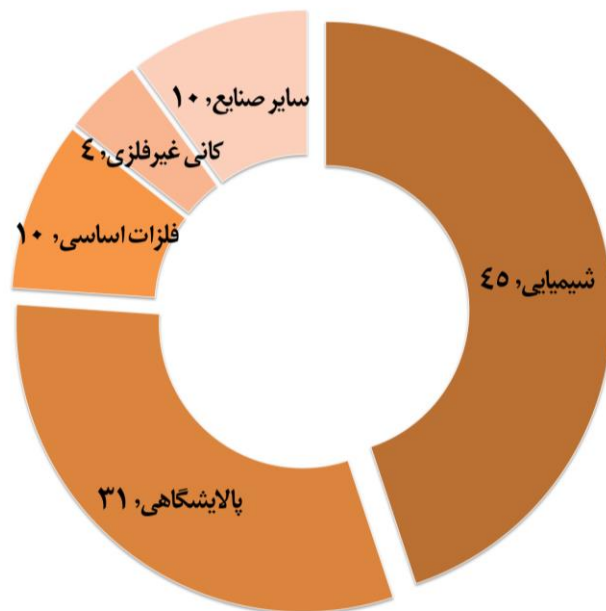


مرجع: مرکز آمار ایران

سهم صنایع انرژی بر از کل حاشیه سود صنایع کشور ۷۰ درصد است که به تفکیک رشته‌های صنعتی شیمیایی (۲۸ درصد)، فلزات اساسی (۱۹ درصد)، پالایشگاهی (۱۵ درصد) و کانی غیر فلزی (۹ درصد) می‌باشد (نمودار ۲۰). دو رشته صنعتی شیمیایی و فلزات اساسی در مجموع بیش از نیمی از مصرف انرژی و ۴۷ درصد کل حاشیه سود ناخالص کل صنایع را به خود اختصاص داده‌اند و با این وجود فقط ۲۰ درصد از اشتغال را بر عهده دارند. در مجموع ۹۰ درصد از کل صادرات مستقیم صنایع کشور توسط چهار رشته صنعتی انرژی بر انجام

می‌شود که بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد ریال (۱۷ میلیارد دلار) می‌گردد (نمودار ۲۱). در شرایطی که این صنایع بالاترین سهم را از منابع و ثروت‌های ملی دارا بوده و فقط میزان رانت اعطایی به دو رشته صنعت پتروشیمی و فولاد بالغ ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، بر طبق قوانین جاری کشور این حجم عظیم سود و منافع از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. در همین حال صنایع پایین‌دستی برای تامین مواد اولیه مورد نیاز بایستی هم مالیات بنگاه و هم مالیات ارزش افزوده را بپردازند. ساز و کارهایی از این قبیل نشان‌دهنده نظام مالیاتی مشوق رانت و ضد اشتغال مولد و ناعادلانه است، چنان‌چه نه تنها بین بخش‌های اقتصادی در جهت پشتیبانی از بخش‌های رانتی عمل می‌کند که در بین رشته‌های صنعتی هم وضعیت و شرایط مشابهی حاکم است. صنایع بالادستی پتروشیمی با ۳۶ درصد حاشیه سود ناخالص جهت صادرات هیچ نوع مالیات و عوارضی پرداخت نمی‌کنند و در همین حال صنایع پایین‌دستی تولید الیاف مصنوعی با ۸ درصد حاشیه سود ناخالص موظف به پرداخت مالیات بوده که در طول زنجیره صنایع پایین‌دستی صنایع نساجی و پوشاک تداوم پیدا می‌کند^{۱۷}. این روند ضد تولید بر علیه صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی در زمینه‌های دیگر نیز کم و بیش جاری و ساری است.

نمودار (۲۱) - سهم رشته‌های صنعتی از کل صادرات کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (درصد، ۱۳۹۲)



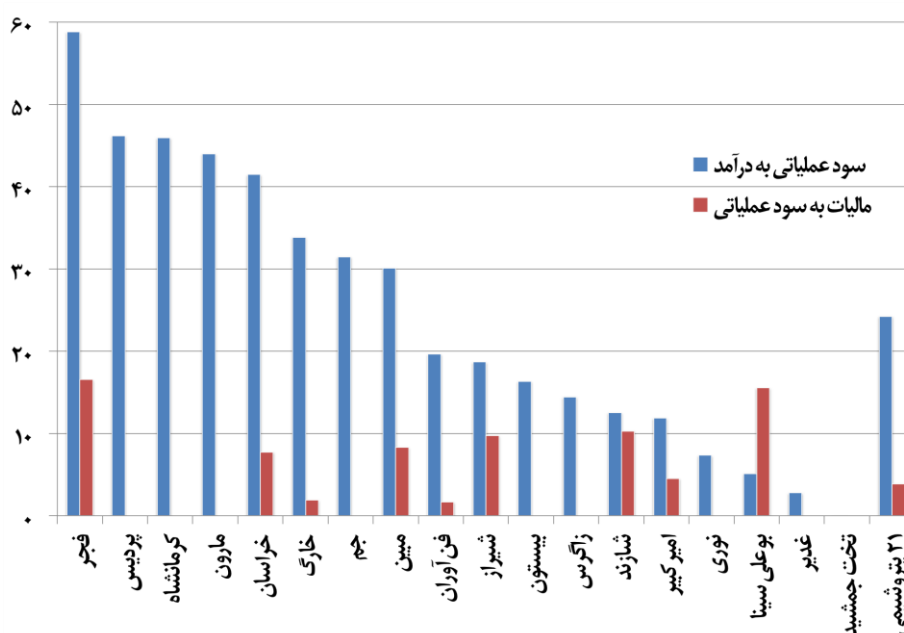
مرجع: مرکز آمار ایران

میزان فروش بیست و یک شرکت پتروشیمی که در بورس اوراق بهادار حضور دارند در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۳۶۰ هزار میلیارد ریال می‌باشد که سود ناخالص آنها ۱۱۳ هزار میلیارد ریال (۳۱,۵ درصد از کل فروش معادل با ۴ میلیارد دلار) اعلام شده است. این شرکت‌ها سود خالصی بالغ بر ۹۰ هزار میلیارد ریال (معادل با ۳,۲ میلیارد دلار) کسب کرده‌اند و مالیات پرداختی آنها در مجموع ۳,۳۸ میلیارد ریال (۳,۸ درصد از کل سود

^{۱۷} مصائب بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط پایین‌دستی در این رابطه متعدد است. به عنوان مثال مواد اولیه صنایع بالادستی به نرخ ارز آزاد به واحدهای پایین‌دستی از قبیل نساجی عرضه شده و از سوی دیگر جهت واردات تولیدات نهایی صنایع نساجی (از قبیل پارچه) ارز با نرخ مبادله‌ای تخصیص می‌یابد. به عبارت دیگر دولت از تولیدکننده داخلی مالیات اخذ می‌کند و به تولیدکننده خارجی یارانه اختصاص می‌دهد.

خالص) بوده است (نمودار ۲۲). لازم به ذکر است که سهم سه پتروشیمی جم، مارون و مبین از مجموع سود خالص ۲۱ شرکت، ۵۵ درصد می‌باشد. این ۲۱ شرکت بورسی در مجموع ۵۷ درصد از کل درآمد فروش پتروشیمی‌های کشور را بر عهده داشته‌اند. سهم صادرات از فروش کل و فروش کل خالص شرکت‌های پتروشیمی به ترتیب ۵۳ و ۶۶ درصد است که نشان می‌دهد به رغم سودهای کلان، بیش از نیمی از ارزش فروش تولیدات پتروشیمی کشور از مالیات معاف است. در شرایطی صنایع تولید مواد شیمیایی اساسی (پتروشیمی‌ها) از ۳۶ درصد حاشیه سود ناخالص برخوردار هستند که به رغم کارآمدی و کارایی به مراتب بیشتر واحدهای مشابه در سطح جهان، حاشیه سود واحدهای جهانی کمتر از ۱۰ درصد است. بزرگترین شرکت پتروشیمی جهان باسف^{۱۸} با فروش ۷۶ میلیارد دلار (بیش از ۴ برابر کل پتروشیمی‌های کشور) دارای میزان سود ناخالص ۴,۳ میلیارد دلار (نرخ سود ۶ درصد) در سال ۲۰۱۵ می‌باشد.

نمودار (۲۲) - نسبت سود عملیاتی به درآمد فروش و مالیات به سود عملیاتی ۲۱ پتروشیمی بورسی (درصد، ۱۳۹۴)



مرجع: سازمان بورس اوراق بهادار

تخصیص کل منافع (رانت) زنجیره تامین نفت/گاز به فقط صنایع پتروشیمی (دولتی و شبه‌دولتی) و از سوی دیگر معافیت مالیاتی (به رغم کسب منافع بالا از منابع ملی و سود) نشان‌دهنده تناقض غیر قابل توضیح بین رفتار و گفتار دولت که هدف از گسترش صنایع بالادستی را ایجاد زنجیره‌های صنعتی و توسعه صنعتی/اقتصادی کشور اعلام می‌کند و همچنین تبعیض غیر قابل توجیه بین بخش‌های دولتی و خصوصی است. در همین حال نظر به تحمیل بار مالیات ارزش افزوده به صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی، (ارزش حقیقی) مالیات اخذ شده از آنها بیش از دو برابر شده است. این سیاست اقتصادی که در هیچ جای جهان مسبوق به

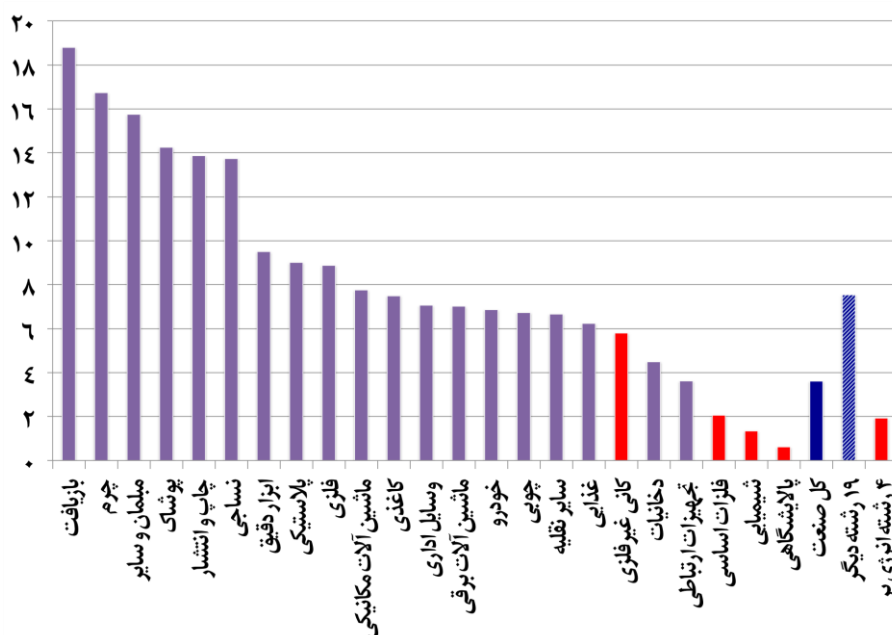
¹⁸ BASF

سابقه نیست، در عمل تضعیف و تحدید بخش خصوصی مولد و کارآفرینی را در پی داشته که نتایج آن در تعمیق رکود قابل ملاحظه می‌باشد. در سطح جهان نرخ اعمالی پرداخت مالیات جهت صنایع کوچک و متوسط معمولاً به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر از صنایع بزرگ است و معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی بیشتری جهت صنایع کوچک و متوسط اعمال می‌شود که در ایران خلاف این موضوع عمل می‌گردد.

۸- صنعت و مالیات تامین اجتماعی

حق بیمه تامین اجتماعی که در سطح جهان به عنوان مالیات تامین اجتماعی^{۱۹} نیز شناخته می‌شود در زمره مالیات‌های نیروی کار قرار می‌گیرد. حق بیمه تامین اجتماعی در بعضی از کشورها کلاً بر عهده کارفرما نمی‌باشد و سهم کارفرما از کل آن در ایران در مقایسه با اغلب کشورها بالاتر است. نظر به این که در ایران حداقل دستمزدها و همچنین نرخ حق بیمه برای رشته‌های صنعتی، نوع کار و منطقه جغرافیایی یکسان است، لذا صنایع اشتغال‌زا متحمل پرداخت هزینه حق بیمه بالاتری شده و سهم آن از هزینه‌های تولید آنها بالاتر می‌باشد.

نمودار (۲۳) - نسبت حق بیمه کارکنان به حاشیه سود ناخالص در رشته‌های صنعتی (درصد، ۱۳۹۲)



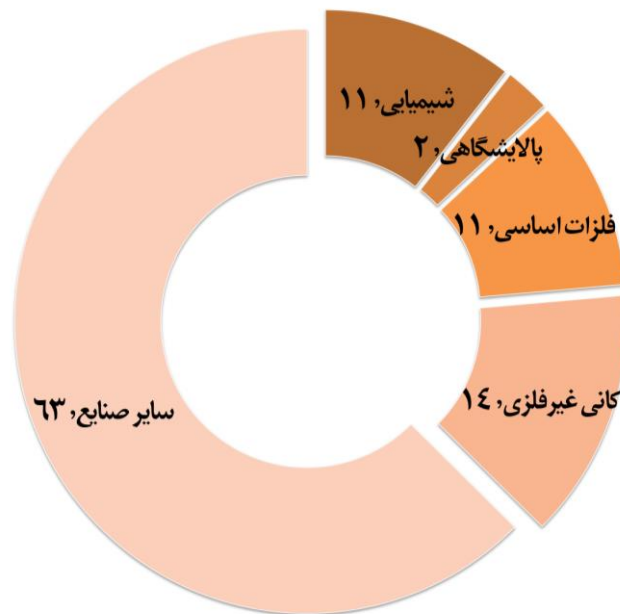
مرجع: مرکز آمار ایران

نسبت حق بیمه کارکنان به حاشیه سود ناخالص در صنایع اشتغال‌زای نساجی، پوشاک، چرم و مبلمان در حدود ۱۴ درصد می‌باشد (نمودار ۲۳). با توجه به این که حاشیه سود ناخالص شامل سود سرمایه و هزینه استهلاک‌ها نیز می‌گردد، لذا این بخش از هزینه تاثیر قابل توجهی بر نقدینگی و سودآوری این صنایع دارد. از سوی دیگر نسبت حق بیمه به حاشیه سود ناخالص در صنایع انرژی‌بر فلزات اساسی، شیمیایی و پالایشگاهی به ترتیب ۲،۱، ۱،۴ و ۰،۶ درصد است. نسبت حق بیمه کارکنان به حاشیه سود ناخالص در صنایع کمتر انرژی‌بر در

¹⁹ Social Security Tax

حدود ۴ برابر صنایع انرژی بر می‌باشد. چهار صنعت انرژی بر در حدود ۳۷ درصد از کل حق بیمه صنایع را بر عهده دارند (نمودار ۲۴). در این بخش از هزینه‌های مالیاتی نیز ملاحظه می‌شود که صنایع رانتی با سود بالا، کمترین تعهد را دارند.

نمودار (۲۴) - سهم رشته‌های صنعتی از کل پرداخت حق بیمه کارکنان کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (درصد، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

۹- مالیات ارزش افزوده

به رغم عمومیت مالیات ارزش افزوده^{۲۰}، همه کشورهای منطقه خاورمیانه و همسایه ایران (به جز ترکیه) و حتی کشورهایمانند آمریکا، کانادا، استرالیا، سنگاپور و مالزی هنوز آن را اخذ نمی‌کنند. نرخ مالیات ارزش افزوده در ترکیه ۱۸ درصد است و برای دارو، کتب، نشریات و منسوجات هشت درصد اخذ می‌شود. هدف نهایی مالیات ارزش افزوده که آن را در خانواده مالیات‌های غیرمستقیم همراه با مالیات کالاها و خدمات^{۲۱} قرار می‌دهد، اخذ مالیات از مصرف با توزیع آن در کل زنجیره تامین^{۲۲} است. بخش‌های تولیدی نگران این نوع مالیات هستند، زیرا نه تنها باید مالیات بدهند، بلکه وظیفه جمع‌آوری مالیات را نیز بر عهده داشته و آن را از دیدگاه ایجاد مشکل برای کسب و کار خود می‌بینند. آنها درگیر سه نوع هزینه جدید می‌شوند: (۱) هزینه پرداخت مالیات ارزش افزوده، (۲) هزینه انجام امور اداری پرداخت مالیات و (۳) اثرات هزینه‌ای بر روی نقدینگی و سرمایه در گردش. از سال ۱۳۸۷ که اخذ مالیات ارزش افزوده شروع شد تا سال ۱۳۹۱ رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه نکرد و به حدود ۵۰ هزار میلیارد ریال بالغ گردید. در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال قبل از آن، میزان مالیات ارزش افزوده تقریباً دو برابر شد. در سال ۱۳۹۵ (بودجه) نسبت به سال ۱۳۹۲، میزان مالیات ارزش افزوده با در حدود ۳ برابر افزایش به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد ریال خواهد گردید (نمودار ۲۵). در مجموع

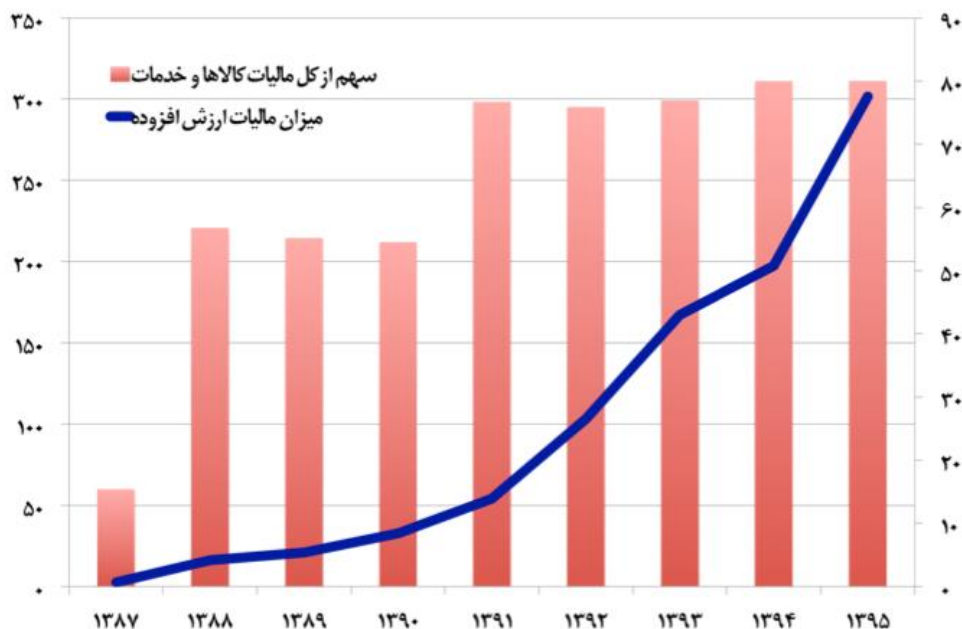
²⁰ VAT (Value Added Tax)

²¹ GST (Goods and Services Tax)

²² Supply Chain

میزان این نوع مالیات در طی دوره ۹۵-۱۳۹۲، ۶ برابر افزایش خواهد داشت. در شرایط رکود تورمی کنونی امکان افزایش مالیات ارزش افزوده به میزان ۵۳ درصد (۱۰ درصد از کل مالیات‌ها)، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴، تا حدی دور از انتظار است.

نمودار (۲۵) - روند افزایش مالیات ارزش افزوده و سهم آن از کل مالیات کالاها و خدمات



مرجع: مرکز آمار ایران (مقیاس سمت راست: سهم (درصد) - مقیاس سمت چپ: میزان (هزار میلیارد ریال))

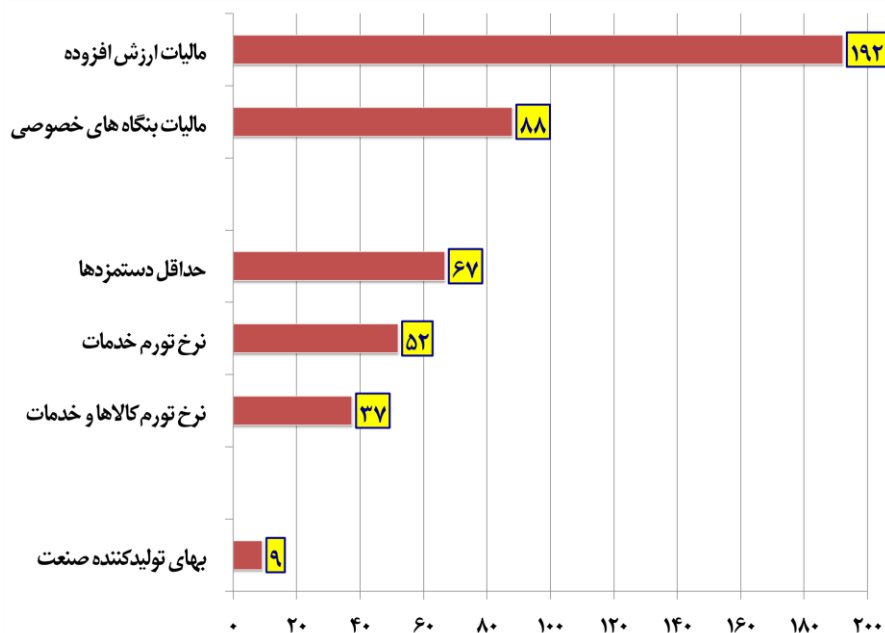
۱۰- کژکارکردی‌ها و معضلات نظام مالیات‌ستانی

در مقایسه با بخش‌های نامولد و غیررسمی، بخش‌های مولد و رسمی کشور (و به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی) درگیر بار مستمر و فزاینده مالیات‌ستانی شده‌اند. چگونگی اخذ مالیات‌ها و به خصوص نحوه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده با کژکارکردی‌ها و معضلات متعددی و به خصوص در رابطه با بخش‌های مولد روبرو بوده که به مواردی به شرح ذیل اشاره می‌شود،

(۱) در طی دوره سه ساله شهریور سال ۱۳۹۲ لغایت تیر سال ۱۳۹۵، شاخص عمومی بهای تولیدکننده فقط ۹ درصد بالا رفته است. در همین حال شاخص عمومی بهای کالاها و خدمات به میزان ۳۷ درصد و شاخص عمومی بهای خدمات به میزان ۵۲ درصد و شاخص دستمزد نیروی کار به میزان ۶۷ درصد افزایش را تجربه کرده است. به رغم افزایش هزینه‌های تولید در بازه‌ای تا میزان ۶۷ درصد و افزایش ناچیز بهای فروش تولیدات آنها به میزان ناچیز ۹ درصد در ۳ سال اخیر، مالیات بنگاه‌های خصوصی و مالیات ارزش افزوده به ترتیب ۸۸ و ۱۹۲ درصد افزایش را تجربه کرده است (نمودار ۲۶). به عبارت دیگر در شرایط رکود عمیق اقتصادی، به رغم افزایش هزینه‌های تولید و کاهش شدید حاشیه سود تولیدکنندگان، مالیات بنگاه‌ها نزدیک به ۲ برابر و مالیات ارزش

افزوده که بخش اعظم آن هم از بنگاه‌های تولیدی وصول می‌گردد ۳ برابر شده است. لازم به ذکر است که بیش از ۸۰ درصد مالیات بنگاه‌های خصوصی نیز مربوط به بنگاه‌های تولیدی می‌شود.

نمودار (۲۶) - میزان افزایش شاخص بهای تولیدکننده و هزینه‌های تولید و مالیات‌ها (۹۵-۱۳۹۲، درصد)



مرجع: بانک مرکزی ایران

(۲) نابرابری‌های منطقه‌ای در پرداخت مالیات. استان‌های صنعتی که دارای ساختار غنی صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی هستند، نسبت به استان‌های با ساختار اقتصادی کشاورزی و خدماتی مالیات به مراتب بیشتری (به نسبت جمعیت و درآمد) پرداخت می‌کنند.

(۳) عدم دریافت مالیات از بخش‌های نامولد سفته‌بازی و سوداگری با منافع کلان

(۴) عدم اخذ مالیات از بخش‌های عمومی و شبه‌دولتی که نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کنند. این امر منجر به تحریف رقابت اقتصادی و ایجاد فضای رقابت غیرعادلانه شده است.

(۵) وجود بخش‌های متعدد و متنوع اقتصادی زیرزمینی و غیر رسمی با کسب سود و منافع بالا و بدون پرداخت هر گونه مالیات

(۶) عدم دریافت یا میزان پایین اخذ مالیات‌های مرسوم دنیا از قبیل مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات‌های املاک، ثروت، ارث، زیست محیطی و موارد دیگر

(۷) معافیت مالیاتی صادراتی صنایع بالادستی انرژی بر (پتروشیمی، فولاد و سیمان)، با وجود برخورداری از رانت منابع (نفت، گاز، معادن و انرژی الکتریکی) کشور. باید در نظر داشت که واحدهای انرژی بر (به ویژه پتروشیمی-ها) بالاترین رانت میزان منابع را دریافت می‌کنند. میزان مالیات حقوق (دستمزد و تامین اجتماعی) این واحدها به علت کاربر نبودن (اشتغال‌زایی پایین) نیز کم است. بنابراین با توجه به حاشیه سود عمومی بالای این واحدها، ساز و کار موجود به صورتی شکل گرفته که به رغم کسب بالاترین منافع از منابع طبیعی و کمترین برگشت آن به

عموم، تحت عنوان صادرات کمترین مالیات را پردازند. با تجزیه و تحلیل داده‌های صنعتی برآورد می‌شود که بیش از ۷۰ درصد از حاشیه سود^{۲۳} کل واحدهای صنعتی کشور^{۲۴} مربوط به صنایع انرژی بر باشد. سه رشته صنعتی (به ترتیب) پتروشیمی، پالایشگاهی و فولاد در مجموع بیش از ۵۰ درصد حاشیه سود (ناخالص) واحدهای صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. در همین حال در حدود ۸۰ درصد از صادرات مستقیم واحدهای صنعتی کشور به این سه رشته صنعتی اختصاص دارد. صنعتی مانند پتروشیمی که بالاترین میزان رانت منابع را (هم به صورت مواد اولیه و هم به صورت انرژی مصرفی) دریافت می‌کند، دارای بیشترین سهم حاشیه سود به میزان ۲۳ درصد از کل صنعت کشور می‌باشد و نزدیک به نیمی از تولیدات آن صادر می‌شود. بنابراین نظر به معافیت مالیاتی صادرات و حجم عظیم منافع رانتی و سود، مشارکت صنایع انرژی بر و متکی به منابع در هزینه‌های اداره کشور بسیار پایین است.

(۸) برای تعیین نرخ خوراک واحدهای صنعتی بالادستی به شرایط حاکم بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس استناد می‌گردد. در این رابطه فراموش می‌شود که اولاً این کشورها ملاک کسب و کار برای اقتصاد ایران نیستند و در ثانی اگر مقرر است منابع و انرژی ارزان برای رقابت با این اقتصادها در اختیار پتروشیمی‌ها و دیگر صنایع بالادستی قرار گیرد، در جهت توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها بایستی ساز و کار حاکم بر فعالیت صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی این کشورها از قبیل مالیات صفر، تسهیلات ارزان قیمت و پرداخت یارانه‌های دیگر به بخش‌های صنعتی پایین‌دستی اشتغال‌زا، نیز باید تسری پیدا کند.

(۹) دریافت مالیات و مالیات ارزش افزوده از مواد اولیه تحویلی توسط صنایع بالادستی به صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی و در همین حال اختصاص ارز مبادله‌ای به واردات کالاهای مصرفی و از سوی دیگر تامین ارز لازم جهت واردات مواد اولیه به نرخ آزاد. بنابراین در این ساز و کار، عملاً به واردات کالاهای مصرفی (از محل مالیات تولیدکنندگان داخلی) یارانه تعلق می‌گیرد.

(۱۰) رکود شدید بازار فروش، زمان برگشت بسیار طولانی عواید فروش، توان پایین تسهیلات‌دهی بانک‌ها و موسسات مالی و از سوی دیگر نرخ بالای سود تسهیلات بانکی از جمله معضلاتی است که نقدینگی و حاشیه سود تولیدکنندگان را به شدت کاهش داده و در اغلب موارد منفی کرده است که در نتیجه توان پرداخت به موقع پرداخت مالیات و به خصوص مالیات ارزش افزوده را از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط سلب کرده است. در شرایط رکود اقتصادی کنونی خرید مواد اولیه نقدی‌تر و فروش تولیدات نسبی‌تر شده و آن چه در دست صاحبان واحدهای تولیدی باقی می‌ماند تعهدات تسویه مدت‌دار است که معمولاً پرداخت بخشی از آن به تعویق افتاده و بخشی هم هیچ‌گاه تسویه نمی‌شود. در بسیاری از زنجیره‌های تامین تولیدات (به خصوص با طول بلند) وصول مطالبات فروش تا بیش از یک سال به طول می‌انجامد. با این حال مالیات ارزش افزوده باید حداکثر ظرف مدت سه ماه پرداخت شود که خود مزید علت بر کمبود شدید نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی شده است.

²³ Gross Profit Margin

²⁴ شامل واحدهای میکرو صنعتی، خانگی و روستایی نمی‌باشد.

(۱۱) ماهیت و نفس اخذ مالیات ارزش افزوده، اخذ مالیات بر مصرف است که در مراحل زنجیره تامین (از مواد اولیه تا خرده‌فروشی) توزیع می‌گردد، اما بخش مهم آن در مراحل تجاری (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) وصول می‌شود. گسترش شبکه خرده‌فروشی مدرن در اقتصادهای توسعه یافته و حتی بسیاری از کشورهای منطقه موجب شده نظر به متشکل بودن و سازمان‌یافتگی آن امکان اخذ مالیات ارزش افزوده در این بخش از زنجیره تامین میسر شود. سهم بخش خرده‌فروشی مدرن و متشکل در آمریکا ۸۵ درصد و در کشورهای امارات (۵۸ درصد)، مالزی (۵۵ درصد)، عربستان (۳۷ درصد) و چین (۲۰ درصد) است که در ایران میزان ناچیز ۵ درصد را شامل می‌شود. لذا با توجه به عدم پرداخت مالیات ارزش افزوده توسط بخش‌های توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) کشور، پرداخت بخش اعظم مالیات ارزش افزوده کشور به عهده بخش تولید افتاده است. مطالعات نشان می‌دهد بیش از پنجاه درصد (بسته به نوع کالا) از کل حجم مالیات ارزش افزوده قابل حصول کشور صرفاً به دلیل وجود بخش‌های عمده‌فروشی غیر رسمی و توزیع خرده‌فروشی سنتی و نامتشکل^{۲۵}، غیر قابل وصول است. حجم ناچیز اخذ مالیات ارزش افزوده از بخش‌های تجاری و غیررسمی ضمن آن که منجر به انتقال فشار وصول مالیات به بخش‌های تولیدی و رسمی شده، فضای کسب و کار را غیرعادلانه کرده و موجب حرکت سرمایه‌ها و منابع انسانی از این بخش‌ها به سمت بخش‌های سوداگری (واردات و قاچاق) و غیر رسمی می‌شود.

(۱۲) بخش توزیع کشور (بازار عمده‌فروشی کشور و بالاخص بازار سنتی)، روابط تجاری رسمی و قانونی را پذیرا نبوده و اولین خواسته‌اش از همکاری با تولیدکنندگان، در خفا نگه داشتن فعالیت‌های تجاری (در ارتباط با مسائل مالیاتی) است. بنابراین تولیدکننده نهایی زنجیره عرضه چون موظف به صدور صورت حساب فروش قانونی و درج مبلغ ارزش افزوده در آن است، معمولاً باید سهم مالیات بخش توزیع را نیز بپردازد. بخش مهمی از تامین مواد اولیه ورودی واحدهای تولیدی توسط توزیع‌کنندگان یا واسطه‌گرانی انجام می‌شود که آنها نیز فعالیت رسمی نداشته و از ارائه هرگونه صورت حساب فروش قابل قبول خودداری می‌کنند، لذا تولیدکننده از کسر ارزش افزوده ورودی از ارزش افزوده خروجی نیز محروم است. در این شرایط کالاهای وارداتی نسبت به تولیدات داخلی (و به خصوص قاچاق) از مزیت رقابتی عدم پرداخت مالیات (در کشورهای مبدا و مقصد) برخوردار می‌شود. کالاهای مصرفی وارداتی که از طریق مجاری رسمی وارد می‌شوند با انجام تخلفاتی از قبیل کم‌اظهاری و بداظهاری و عدم اظهار در گمرک‌ها، موضوع پرداخت بخش کوچکی از حقوق و عوارض گمرکی (در حدود یک-چهارم^{۲۶})، قرار می‌گیرند.

(۱۳) شرکت‌های رسمی که (شخصیت‌های حقوقی) مالیات‌های عادی را می‌پردازند، رسیدگی دفاتر داشته و ملزم به پرداخت مالیات ارزش افزوده نیز هستند، اما اشخاص حقیقی علی‌الراس و توافقی عمل نموده و معمولاً مالیات و به خصوص مالیات ارزش افزوده را نمی‌پردازند که خود عاملی در جهت رشد فعالیت‌های غیر رسمی و کتمان و گریز مالیاتی است.

²⁵ Fragmented

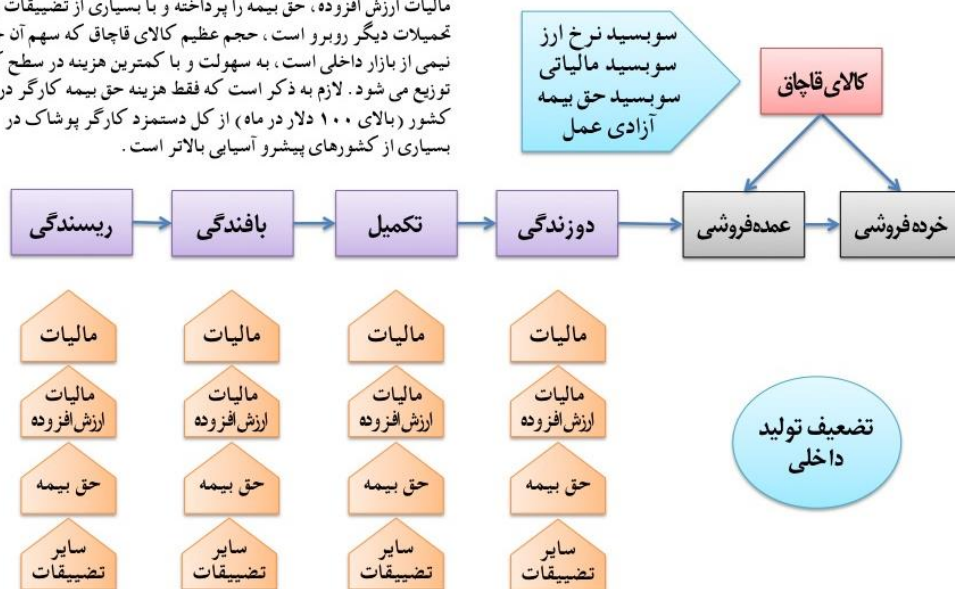
^{۲۶} در این زمینه مطالعات متنوعی انجام شده که بعضی منتشر گردیده است. (مراجع شماره ۱۸ لغایت ۲۵)

(۱۴) در صنایعی مانند نساجی و پوشاک که دارای زنجیره تامین طولانی هستند (به عنوان مثال تولید الیاف-ریسندگی-بافندگی-تکمیل-عمده‌فروشی-تولیدپوشاک-عمده‌فروشی-خرده‌فروشی)، تولیدات آنها در مراحل مختلف تولید درگیر پرداخت مالیات و مالیات ارزش افزوده می‌شود. در این صنایع که تحت نفوذ شدید قاچاق قرار دارند، کالای خارجی با هزینه پایین وارد کشور شده و بدون پرداخت هر گونه مالیات و عوارض به فروشگاه‌های خرده‌فروشی راه پیدا می‌کند و عملاً هیچ گونه مالیات و مالیات ارزش افزوده به آن تعلق نمی‌گیرد. در مطالعات شرکت تحقیقاتی صنایع نساجی حاکی از آن است که در شرایط مشابه، فقط به علت اخذ مالیات ارزش افزوده پوشاک داخلی بین ده تا بیست درصد گران‌تر از پوشاک خارجی به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد (شکل ۱).

(۱۵) عنوان می‌شود که تنها از بخش‌های تولیدی سودآور مالیات دریافت شده و از هیچ یک از شرکت‌های تولیدی زیان‌ده مالیات اخذ نمی‌شود و از طرفی افزایش درآمدهای مالیاتی بیشتر مربوط به شناسایی ظرفیت‌های ناشناخته در اقتصاد کشور است. نه تنها سازمان‌های مالیاتی کشور از واحدهای زیان‌ده به هر طریق ممکن مالیات اخذ می‌کنند که بخش مهمی از آن چه به عنوان ظرفیت‌های ناشناخته جدید در اقتصاد (آن هم در شرایط رکود تورمی کنونی) از آن اسم برده می‌شود، در واقع شامل اخذ مالیات و مالیات ارزش افزوده بیشتر از واحدهای تولیدی است.

شکل (۱) - روند پرداخت مالیات در زنجیره تامین (نساجی) و عدم وصول آن از قاچاق

در شرایطی که تولیدکننده داخلی در هر مرحله از تولید باید مالیات، مالیات ارزش افزوده، حق بیمه را پرداخته و با بسیاری از تزییقات و تحمیلات دیگر روبرو است، حجم عظیم کالای قاچاق که سهم آن حداقل نیمی از بازار داخلی است، به سهولت و با کمترین هزینه در سطح کشور توزیع می‌شود. لازم به ذکر است که فقط هزینه حق بیمه کارگر در کشور (بالای ۱۰۰ دلار در ماه) از کل دستمزد کارگر پوشاک در بسیاری از کشورهای پیشرو آسیایی بالاتر است.



مرجع: مولف

(۱۶) بر طبق اظهار نظر مسئولین مالیاتی، فقط ۴۰ درصد از ظرفیت اقتصاد کشور مالیات پرداخت می‌کند و بقیه فعالان اقتصادی هنوز به تور مالیاتی دولت نیفتاده‌اند. فرار مالیاتی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از اقتصاد کشور

برآورد شده و حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی از معالیات معاف است. البته رقم فرار مالیاتی تا ۴۰ درصد نیز گزارش شده است که با واقعیت‌ها نزدیک‌تر به نظر می‌آید. لذا به علت ضعف در اخذ مالیات از بخش‌های پنهان اقتصاد، فشار بار مالیاتی آنها به بخش رسمی مولد منتقل می‌شود.

(۱۷) دولت و مجلس در سال ۱۳۹۲ در جهت تصویب ماده مالیات بر عایدی سرمایه بخش مسکن که گامی هر چند ناچیز در شروع اخذ مالیات از عایدی بر سرمایه (شامل سودهای بادآورده بخش‌های سوداگری و سرمایه‌گذاری غیر مولد) است، اهمال کردند و مانع شدند صاحبان ثروتی که همواره درآمدهای بادآورده و بی‌زحمت را کسب نموده‌اند، اندکی درگیر مسئولیت‌های اجتماعی و تامین هزینه‌های اداره کشور شوند. شایان ذکر است که با کاهش تدریجی درآمد بخش‌های مولد، بخش عمده منافع و سودهای بادآورده از سوداگری در زمین و مسکن و تجارت حاصل شده است. هم اکنون سهم مالیات ثروت کمتر از ۳ درصد کل مالیات‌ها می‌باشد. در همین حال مشاهده می‌گردد که از مابه‌التفاوت ارزش موجودی مواد اولیه و کالای در حال ساخت یک کارگاه تولیدی که نظر به تورم دچار افزایش قیمت شده، مالیات گرفته می‌شود.

(۱۸) اصناف کشور کماکان مالیات به مراتب کمتری در مقایسه با بخش‌های تولیدی پرداخت می‌کنند. با وجود در حدود ۳ میلیون واحد صنفی (۲ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد رسمی)، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، سهم مشاغل ۴٫۲ درصد از کل مالیات کشور در نظر گرفته شده است. بر اساس مالیات در نظر گرفته شده مشاغل در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، از هر واحد صنفی به صورت متوسط در حدود ۱۴ میلیون ریال (ماهانه ۱۲۰ هزار تومان) مالیات اخذ خواهد شد.

(۱۹) عدم دریافت مالیات متناسب با میزان درآمد از بسیاری از بخش‌های خدماتی با درآمدهای بالا، از قبیل بخش درمان (پزشکان، دندانپزشکان، داروسازان و امثالهم)

(۲۰) مشکلات اجرایی خود سازمان‌های مالیاتی و ادارات دولتی هم مزید بر علت شده است، که به پاره‌ای از آنها اجمالاً اشاره می‌شود،

- در رابطه با نحوه ارائه صورت حساب فروش (حتی از سوی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی^{۲۷}) مشکلات عدیده‌ای برای تولیدکنندگان ایجاد می‌شود که به هیچ عنوان به آنها ارتباطی ندارد.

- صدور برگ تشخیص مالیات بر اساس صورت حساب‌های (صوری) ارائه شده به بانک‌ها جهت تمدید یا اخذ تسهیلات بانکی. ضوابط حاکم بر بانک‌ها علت ارائه صورت حساب است که آن هم نظر به دریافت سود بانکی بیشتر می‌باشد.

- عدم قبول اعتبار مالیاتی بنگاه‌های طرف معامله به علت قرار گرفتن در لیست سیاه (در هنگام رسیدگی به پرونده مالیاتی)، در حالی که در زمان معامله همه موارد مطابق با قوانین مالیاتی صورت گرفته است.

- عدم قبول جرایم دیرکرد تسهیلات معوق بانکی در شمول هزینه‌های بنگاه‌ها

- رد دفاتر قانونی با اعلام ایرادات و اشکالات جزئی

- کنترل حساب‌های بانکی (شخصی) مالکین کارگاه‌های کوچک صنعتی

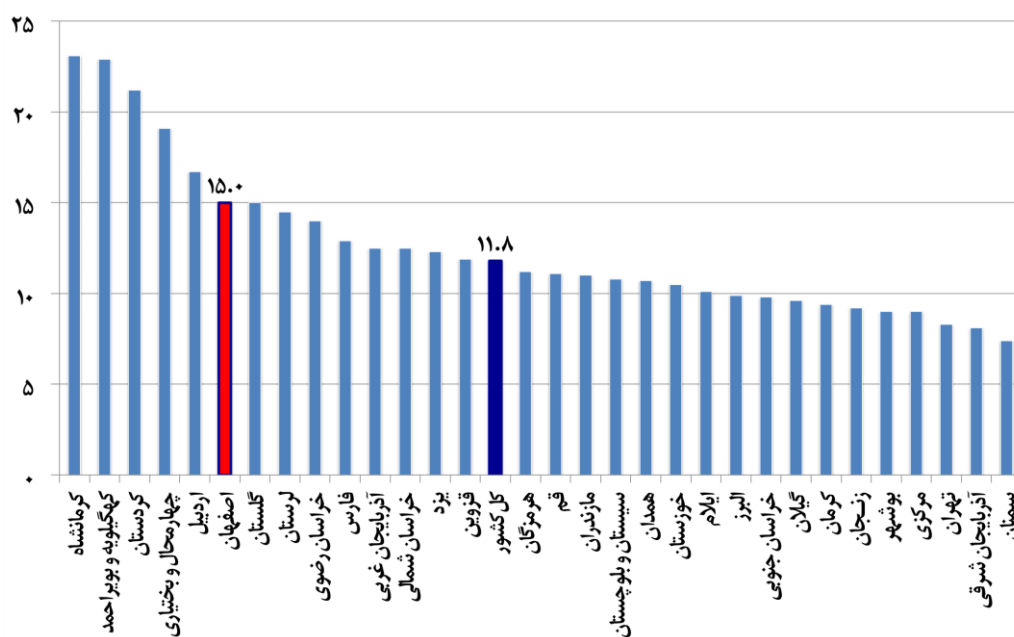
^{۲۷} به عنوان مثال بدهی مالیات ارزش افزوده سوخت شرکت‌های تولیدکننده آجر

۱۱- اقتصاد و صنعت استان اصفهان

۱۱-۱- اشتغال و جمعیت

استان صنعتی اصفهان با جمعیت ۵,۱ میلیون نفر (پس از تهران و خراسان رضوی)، و مساحت ۱۲۹۰۰۰ کیلومتر مربع به ترتیب سهم ۶,۴ درصدی و ۶,۶ درصدی از کل کشور را به خود اختصاص داده است. این استان در مجموع از مواهب طبیعی مانند منابع نفت و گاز، معادن و آب برخوردار نمی‌باشد. کمبود آب، مهاجرت گسترده به شهرها و نسبت بالای شهرنشینی ۸۷ درصدی با چهارمین رتبه استانی شهرنشینی (پس از به ترتیب قم، تهران و البرز)، را در پی داشته است. مرکز استان (شهرستان اصفهان) با جمعیت ۱,۸ میلیون نفر، سومین شهر بزرگ کشور (پس از تهران و مشهد) محسوب می‌شود. استان اصفهان به رغم سومین جمعیت شاغل کشور با میزان ۱,۵ میلیون نفر از نرخ بالای بیکاری ۱۵ درصدی با رتبه ششم کشوری رنج می‌برد (نمودار ۲۷). در همین حال نسبت اشتغال^{۲۸} پایین ۳۶ درصدی نشان می‌دهد که ۷۴ درصد از کل جمعیت در سن کار استان فاقد شغل (حتی با حداقل استانداردهای اندازه‌گیری نیروی کار از قبیل کار بدون دریافت دستمزد یا با یک ساعت کار در هفته) هستند.

نمودار (۲۷) - نرخ بیکاری استان‌ها (۱۳۹۴)



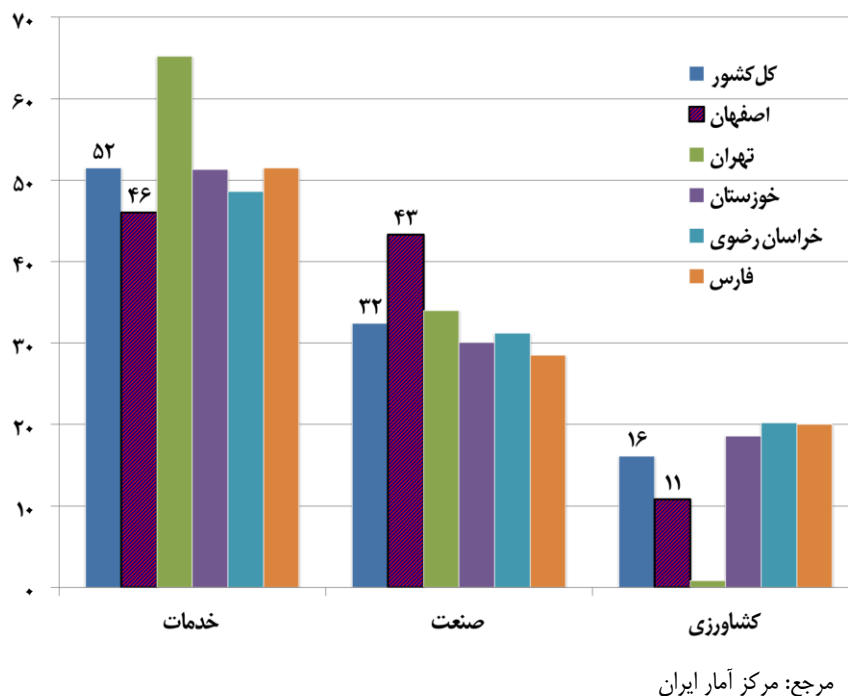
مرجع: مرکز آمار ایران

کمبود و نبود مواهب طبیعی برای معیشت مردم و به تبع آن نبود مزیت‌هایی از قبیل موقعیت بندری و بازرگانی خارجی، دسترسی به منابع آب کافی، وجود جنگل و مرتع و گردشگری طبیعت و مذهبی، موجب شده تا فعالیت مردم سخت‌کوش استان بر روی بخش تولید متمرکز گردد. لذا ملاحظه می‌شود در شرایطی که ۳۲

^{۲۸} نسبت اشتغال عبارت است از تعداد شاغلین به جمعیت ۱۵ تا ۶۴ کشور.

درصد از اشتغال کشور مربوط به بخش صنعت می‌باشد، استان اصفهان با سهم ۴۳ درصدی بخش صنعت از کل اشتغال، دارای رتبه اول در بین استان‌های بزرگ است (نمودار ۲۸).

نمودار (۲۸) - توزیع اشتغال در استان اصفهان و کل کشور (درصد از کل اشتغال، ۱۳۹۴)



جدول (۲) - شاخص‌های جمعیت و اشتغال استان اصفهان

ردیف	شاخص	سال	مقدار	واحد	سهم (%)	رتبه
۱	جمعیت	۱۳۹۵	۵,۱۰۰,۰۰۰	نفر	۶/۴	۳
۲	مساحت	۱۳۹۵	۲۰۷,۰۰۰	کیلومتر مربع	۶/۶	۶
۳	تراکم جمعیت	۱۳۹۵	۴۸	نفر در متر مربع	-	۲۱
۴	شهرنشینی	۱۳۹۵	۸۷	درصد	-	۴
۵	میزان کل اشتغال	۱۳۹۳	۱,۴۸۰,۰۰۰	نفر	-	۳
۶	نسبت اشتغال	۱۳۹۴	۳۶/۲	درصد	-	۱۵
۷	نرخ بیکاری	۱۳۹۴	۱۵	درصد	-	۶
۸	سهم اشتغال کشاورزی	۱۳۹۴	۱۰/۸	درصد	-	۲۷
۹	سهم اشتغال صنعت	۱۳۹۴	۴۳/۲	درصد	-	۳
۱۰	سهم اشتغال خدمات	۱۳۹۴	۴۶	درصد	-	۲۲
۱۱	بهره وری نیروی کار (کل)	۱۳۹۲	۴۸۷	میلیون ریال به نفر	-	۹
۱۲	بهره وری نیروی کار (بدون رانت منابع)	۱۳۹۲	۳۲۵	میلیون ریال به نفر	-	۹

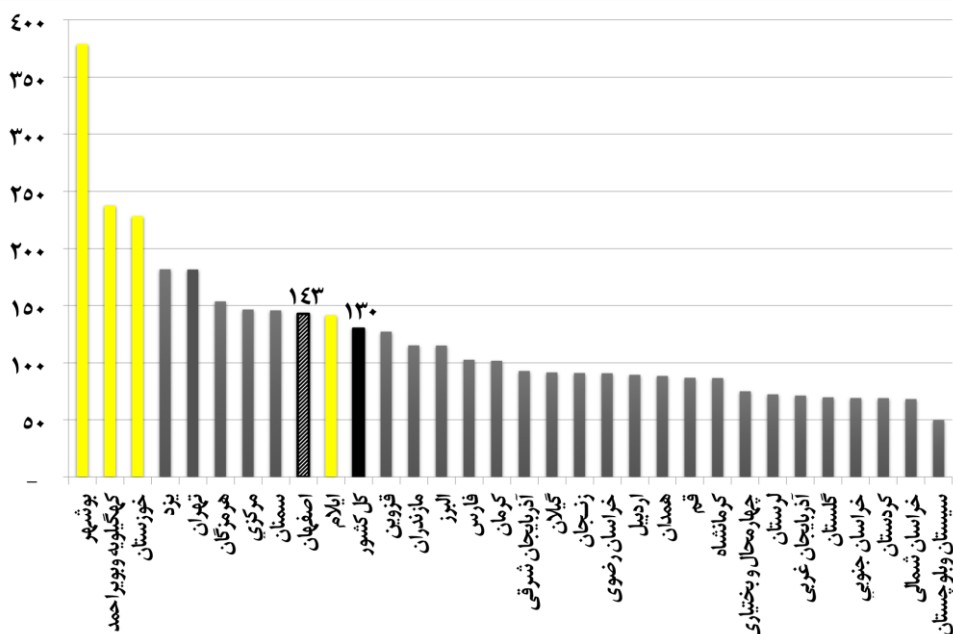
استان اصفهان با سهم ۱۰,۸ درصدی بخش کشاورزی از کل اشتغال، دارای رتبه ۲۷ کشوری می‌باشد که نشان می‌دهد در مقایسه با دیگر نقاط کشور، در این استان بخش کشاورزی از نقش و سهم به مراتب کمتری برخوردار است.

با وجود سهم ۶,۴ درصدی استان اصفهان از جمعیت کشور، برآورد می‌شود سهم این استان از کل اشتغال صنعت-ساخت کشور نزدیک به ۱۲ درصد (پس از تهران) باشد. سهم بالای صنعت از اشتغال استان که با ضریب بالای اشتغال جانبی و القایی توأم هست نشان‌گر آن می‌باشد که اشتغال و معیشت بخش اعظم جمعیت استان اصفهان به رونق بخش صنعت بستگی تامی دارد.

۲-۱۱- اقتصاد استان اصفهان

استان اصفهان با تولید ناخالص ۷۱۰ هزار میلیارد ریال (۷,۱ درصد از کل کشور) در سال ۱۳۹۲، رتبه سوم اقتصاد استانی (پس از تهران و خوزستان) را دارا می‌باشد و در همین حال دارای نهمین رتبه استانی درآمد سرانه کل اقتصادی^{۲۹} و رتبه ششم درآمد سرانه (بدون استان‌های متکی به رانت منابع نفت و گاز بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان) و با نرخ درآمد سرانه ۱۰ درصد بالای کل کشور است (نمودار ۲۹). درآمد سرانه اقتصادی بخش صنعت استان اصفهان دارای رتبه ۳، و بخش‌های خدمات و کشاورزی به ترتیب دارای رتبه‌های ۶ و ۲۸ در بین ۳۱ استان کشور هستند.

نمودار (۲۹) - درآمد سرانه اقتصادی استان‌ها (میلیون ریال به نفر ، ۱۳۹۲)



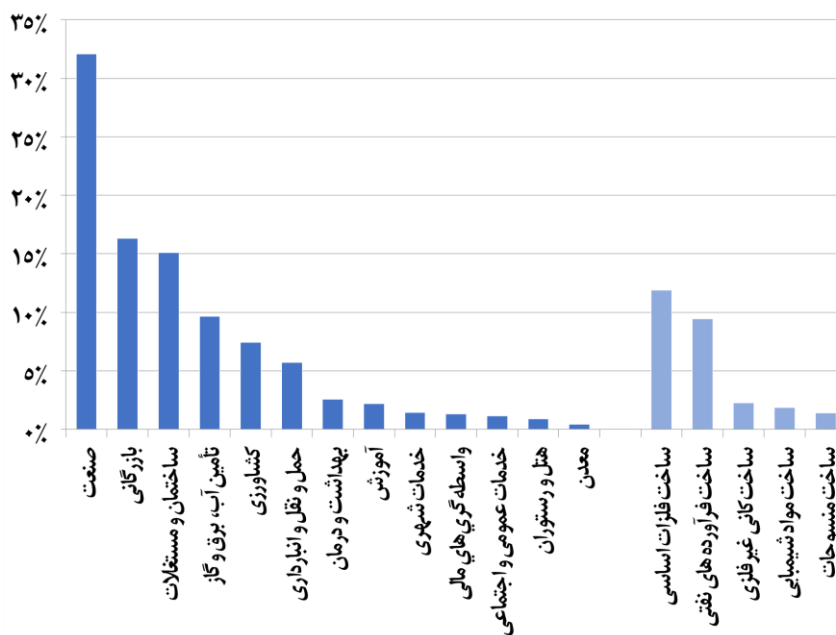
مرجع: مرکز آمار ایران

²⁹ GDP per Capita

از مجموع درآمد اقتصادی استان اصفهان ۳۲ درصد مربوط به بخش صنعت می‌باشد. این استان با مقام نخست و سهم ۱۵,۶ درصدی از کل درآمد صنعتی کشور، صنعتی‌ترین استان محسوب می‌شود. بخش‌های اقتصادی مهم بعدی «بازرگانی و اصناف» و «ساختمان و مستغلات» با سهم‌های به ترتیب ۱۶,۳ و ۱۵,۱ درصد به شمار می‌روند. بخش کشاورزی با سهم ۷,۴ از کل استان (و ۴,۳ از کل کشور)، از اهمیت کمتری حتی نسبت به تامین آب، برق و گاز برخوردار است. بخش‌های آموزش، بهداشت و درمان و حمل و نقل (به خصوص ریلی) نیز اهمیت خاص خود را دارند (نمودارهای ۳۰ و ۳۱).

درآمد سرانه بخش تولید صنعتی استان اصفهان ۴۶ میلیون ریال به نفر در برابر مقدار ۱۹ میلیون ریال کل کشور است که دارای رتبه سوم پس از استان‌های بوشهر (۱۰۰ میلیون ریال) و مرکزی (۵۰ میلیون ریال) می‌باشد. رتبه بالاتر استان‌های بوشهر و مرکزی به ترتیب نظر به واحدهای پتروشیمی و پالایشگاهی و از سویی جمعیت پایین‌تر آنها حاصل شده است.

نمودار (۳۰) - سهم بخش‌های اقتصادی از کل درآمد استان اصفهان (درصد، ۱۳۹۲)



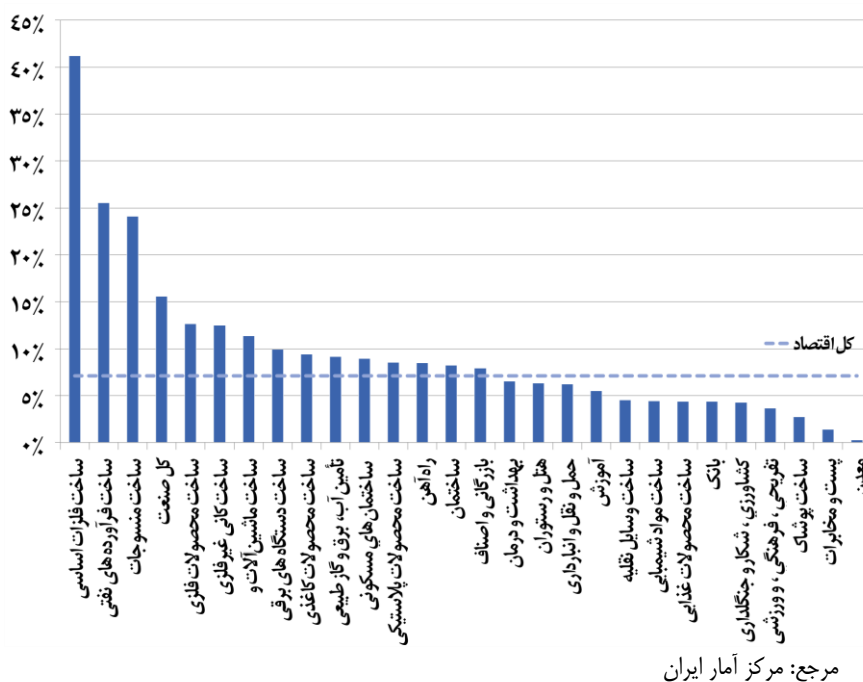
مرجع: مرکز آمار ایران

اصفهان با رتبه ششم استانی (پس از به ترتیب تهران، البرز، یزد، هرمزگان و سمنان) از درآمد سرانه بخش خدمات ۶۴ میلیون ریال به نفر برخوردار است که معادل با متوسط کشور می‌باشد. فعالیت‌های اقتصادی «عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاها» با سهم ۳۷ درصدی از کل بخش خدمات استان اصفهان سهم بالاتری نسبت به کل کشور با میزان ۳۰ درصد دارند. در بخش خدمات، فعالیت‌های مهم بعدی «مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار» با سهم ۲۳ درصد (کل کشور ۲۴,۵ درصد) و «حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات» با سهم ۱۳ درصد (کل کشور: ۱۶ درصد) به شمار می‌روند.

استان اصفهان از ششمین رتبه درآمد سرانه بخش بازرگانی و اصناف (عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر

وسایل نقلیه و کالاها، به میزان ۲۳ میلیون ریال به نفر در مقایسه با متوسط کشور به به میزان ۱۹ میلیون ریال برخوردار می‌باشد. هر چند استان اصفهان با دارا بودن ۱۷۴ هزار واحد صنفی رسمی (۷/۶ درصد کشور) دارای رتبه دوم تعداد واحد صنفی است، اما از سوی دیگر دارای پایین‌ترین نسبت واحدهای توزیعی به کل واحدهای صنفی در بین استان‌ها می‌باشد که نشان می‌دهد حتی در بخش صنفی هم واحدهای تولیدی و خدماتی بر بخش توزیع غالب هستند.

نمودار (۳۱) - سهم استان اصفهان از درآمد بخش‌های اقتصادی کشور (درصد، ۱۳۹۲)



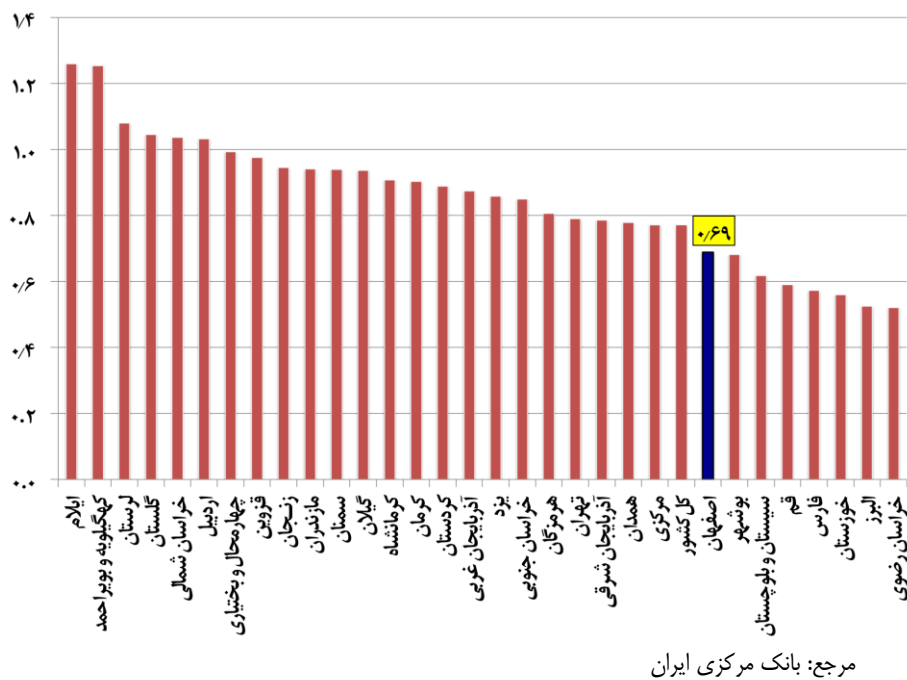
در سال ۱۳۹۲ ارزش تولید ساختمان در استان اصفهان ۹۲،۰۰۰ میلیارد ریال بود که پس از تهران و البرز دارای سومین رتبه استانی ارزش سرانه تولید ساختمان است.

در حدود ۹۰ درصد از کل معاملات بورس اوراق بهادار در تهران یا به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.

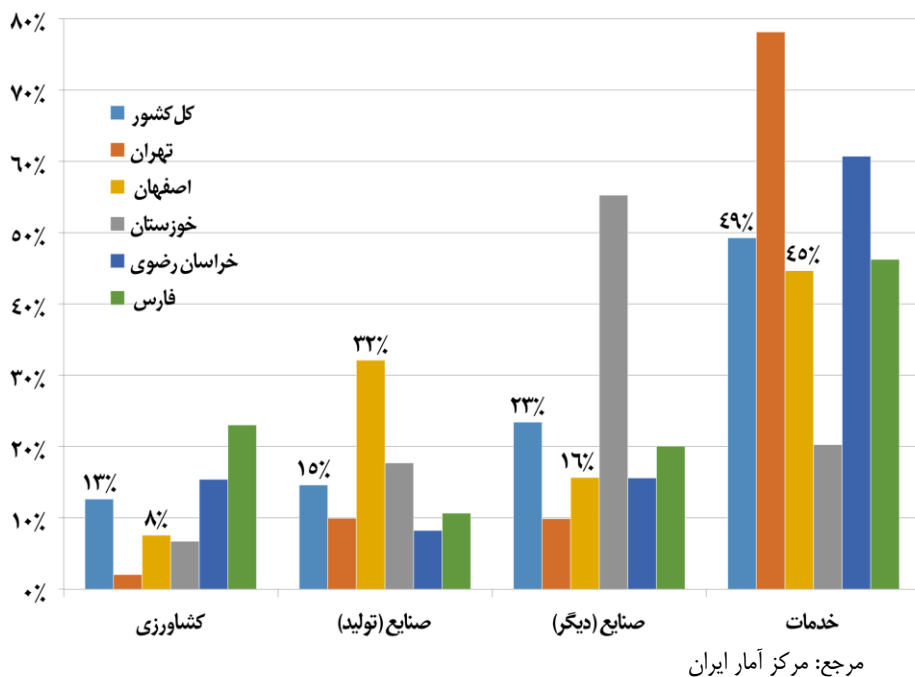
پس از تهران، استان اصفهان با سهم ۱،۷ درصد از کل معاملات بورس دارای رتبه دوم در سطح کشور است. از کل درآمد فعالیت‌های خدمات واسطه‌گری‌های مالی (بانک، بیمه و فعالیت‌های جنبی)، ۶۴ درصد آن مربوط به تهران است و پس از تهران استان اصفهان با سهم ۴،۳ درصد از کل کشور و ۱۱،۸ درصد از کل ۳۰ استان قرار دارد. در حدود ۶۰ درصد حجم کل سپرده‌ها و تسهیلات بانکی کشور در بانک‌ها و موسسات مالی استان تهران متمرکز شده است. پس از تهران بزرگترین میزان سپرده‌های بانکی متعلق به استان اصفهان با سهم ۵،۴ درصد از کل کشور و ۱۳،۱ درصد از کل ۳۰ استان (بدون تهران) می‌باشد. در شهریور ماه سال ۱۳۹۵، این استان دارای بالاترین میزان سرانه سپرده‌های بانکی به میزان ۱۲۳ میلیون ریال به ازای هر نفر جمعیت بود (متوسط ۳۰ استان: ۷۲ میلیون ریال). در همین حال استان اصفهان دارای رتبه ۲۴ کشوری نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانکی به میزان ۰،۶۹ می‌باشد، یعنی این که به ازای هر ۱۰۰ ریال سپرده‌های مردم اصفهان در بانک‌ها

فقط ۶۹ ریال تسهیلات در سطح استان پرداخت شده است (نمودار ۳۲). با توجه به این که این نسبت در استان-های صنعتی کشور بین ۱۲ تا ۴۲ درصد بیش از اصفهان است و بطور کلی در اقتصادهای صنعتی سطح بالایی از تامین مالی صنعت باید انجام شود، لذا این موضوع نشان‌دهنده وضعیت نامناسب تامین مالی صنایع در استان صنعتی اصفهان می‌باشد.

نمودار (۳۲) - نسبت تسهیلات به سپرده در استان‌ها (شهریور ۱۳۹۵)



نمودار (۳۳) - سهم بخش‌ها از کل اقتصاد استان اصفهان و کشور (درصد ، ۱۳۹۲)



سهم صنایع تولیدی از کل اقتصاد کشور ۱۵ درصد است که این شاخص برای استان اصفهان ۳۲ درصد می-باشد. بخش‌های دیگر اقتصادی (شامل معدن، ساختمان و تامین آب، برق و گاز) که شامل مجموعه فعالیت‌های گروه صنایع و معادن محسوب می‌شوند دارای سهم ۲۳ درصد از اقتصاد استان در مقایسه با ۱۶ درصد کل کشور هستند. بخش‌های کشاورزی دارای سهم ۸ درصد (کل کشور: ۱۳ درصد) و خدمات دارای سهم ۴۵ درصد (کل کشور ۴۹ درصد) از اقتصاد استان اصفهان هستند (نمودار ۳۳).

جدول (۳) - شاخص‌های اقتصادی استان اصفهان

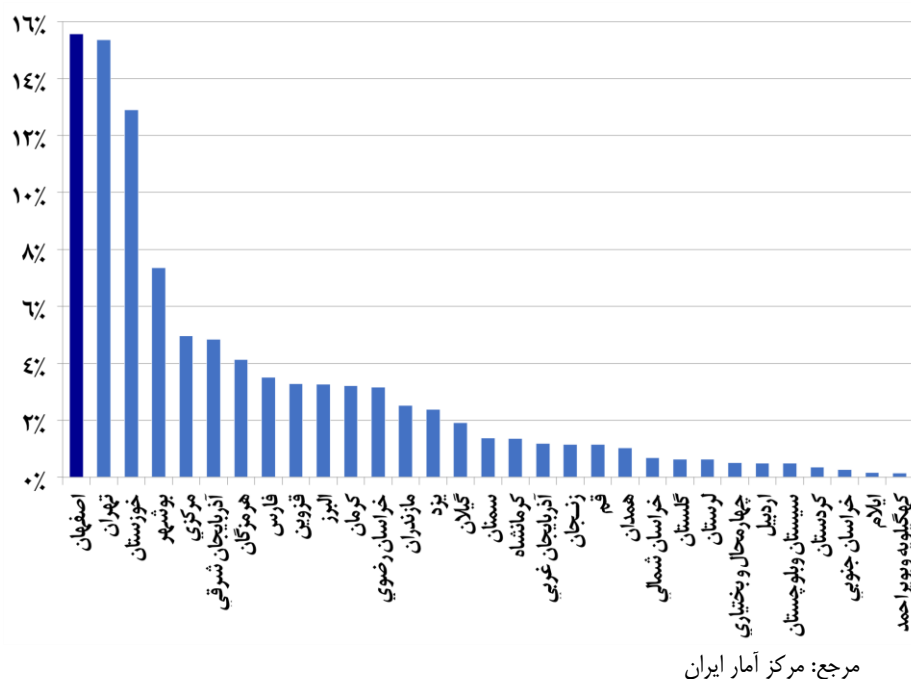
ردیف	شاخص	سال	مقدار	واحد	سهم (%)	رتبه
۱	درآمد اقتصادی (تولید ناخالص)	۱۳۹۲	۷۰۹	هزار میلیارد ریال	۷/۱	۳
۲	سرانه درآمد اقتصادی	۱۳۹۲	۱۴۳	میلیون ریال	-	۹
۳	سرانه درآمد اقتصادی کشاورزی	۱۳۹۲	۱۱	میلیون ریال	-	۲۸
۴	سرانه درآمد اقتصادی تولید صنعتی	۱۳۹۲	۴۶	میلیون ریال	-	۳
۵	سرانه درآمد اقتصادی خدمات	۱۳۹۲	۶۹	میلیون ریال	-	۶
۶	سرانه درآمد اقتصادی بازرگانی (اصناف)	۱۳۹۲	۲۳	میلیون ریال	-	۶
۷	سرانه درآمد اقتصادی بخش بانکی	۱۳۹۲	۱	میلیون ریال	-	۳
۸	سرانه سپرده های بانکی	۱۳۹۵	۱۲۳	میلیون ریال	۵/۴	۲
۹	سرانه تسهیلات بانکی	۱۳۹۵	۸۵	میلیون ریال	۴/۸	۳
۱۰	معاملات بورس اوراق بهادار	۱۳۹۳	۱/۷۳	میلیارد ریال	-	۲
۱۱	سهم بازرگانی (اصناف) از درآمد استان	۱۳۹۲	۱۶/۳	درصد	-	-
۱۲	تعداد واحدهای صنفی	۱۳۹۵	۱۷۴,۰۰۰	باب	۷/۶	۲

۱۱-۳- صنعت استان اصفهان

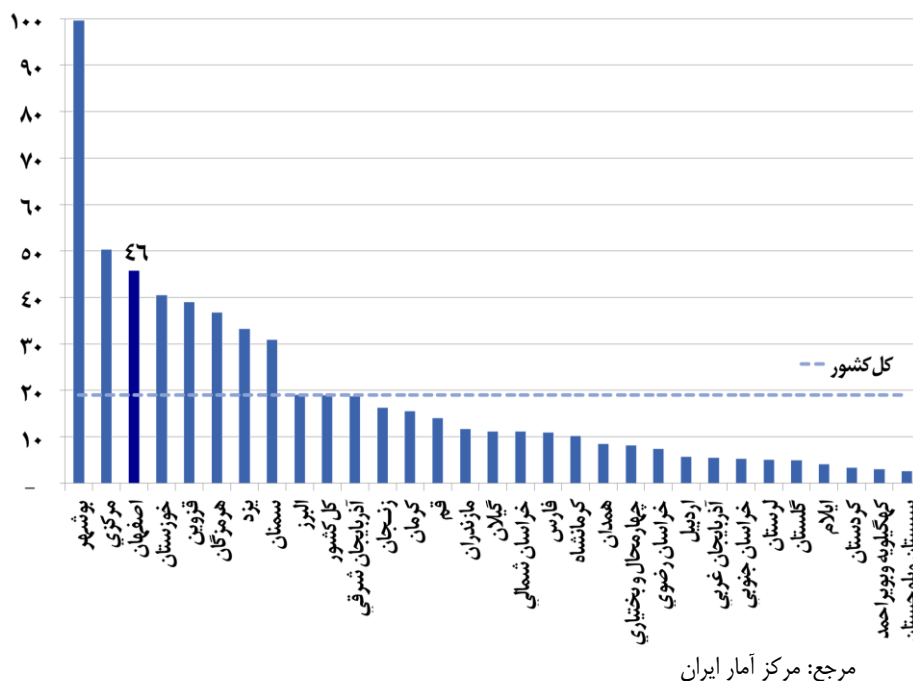
در سال ۱۳۹۲ درآمد اقتصادی صنعتی (ارزش افزوده تولیدات صنایع) استان اصفهان به ۲۲۷ هزار میلیارد ریال با ارزش تولیدات ۵۹۰ هزار میلیارد ریال بالغ گردید و این استان با سهم ۱۵,۶ درصد از کل کشور، مقام اول کشوری را به خود اختصاص داد (نمودار ۳۴). ارزش تولیدات و درآمد اقتصادی صنعتی اصفهان در سال ۱۳۹۰ (پیش از تحریم‌ها) به ترتیب ۳۰ و ۱۲ میلیارد دلار محاسبه می‌شود که برآورد میزان کنونی آن به ترتیب در حدود ۲۰ و ۸ میلیارد دلار است.

به رغم رتبه اول کشوری استان اصفهان در بخش صنعت، در طی دوره ۹۲-۱۳۸۰ رشد اقتصادی بخش صنعت در استان‌های (به ترتیب بوشهر، هرمزگان، سمنان، کرمانشاه و یزد) از اصفهان پیش گرفت. هر چند رشد بالاتر اغلب استان‌های فوق‌الذکر ناشی از توسعه صنایع متکی به منابع نفت و گاز و معدنی می‌باشد (رشد صنعتی بوشهر ۴,۴ برابر استان اصفهان است)، اما از سوی دیگر توجه کمتر مسئولین به بخش صنعت، فضای فعالیت صنعتی و کاهش انگیزه صنعت‌گران و سرمایه‌گذاران، در رابطه با این موضوع به شدت تاثیر گذار بوده است.

نمودار (۳۴) - سهم استان‌ها از درآمد اقتصادی بخش صنعت کشور (درصد، ۱۳۹۲)



نمودار (۳۵) - درآمد سرانه بخش صنعت استان‌ها (میلیون ریال به نفر، ۱۳۹۲)

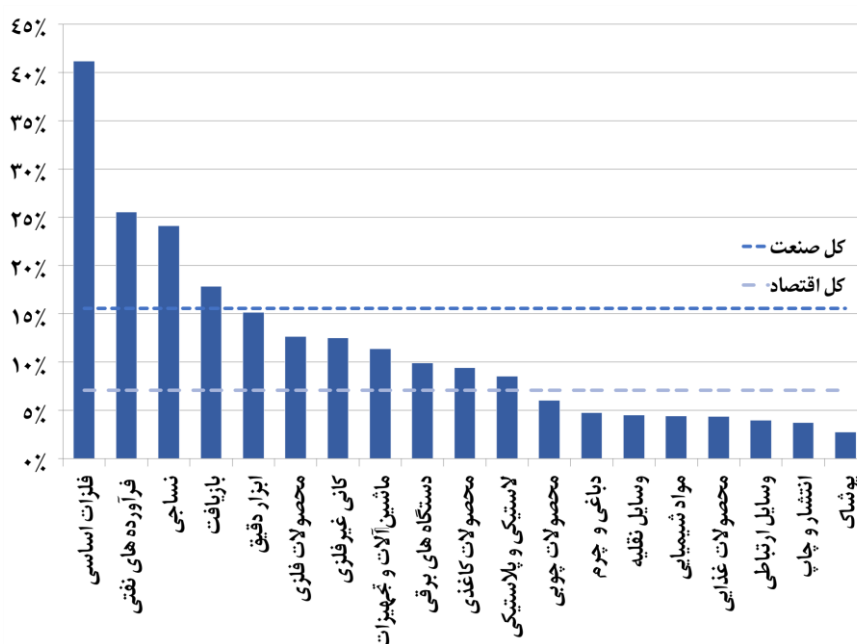


در بین ۲۳ رشته صنعتی، استان اصفهان در ۴ رشته فلزات اساسی، پالایشگاهی، نساجی و بازیافت از سهم بالای کل صنعت خود برخوردار می‌باشد (نمودار ۳۶). با وجود سهم ۴۱ درصدی اصفهان از تولید فلزات اساسی، ملاحظه می‌شود که سهم صنایع ساخت محصولات فلزی و ماشین‌آلات و تجهیزات به ترتیب ۱۲٫۷ و ۱۱٫۴ درصد است که مبین عدم تناسب در ایجاد صنایع پایین‌دستی زنجیره‌های صنعتی بخش فلزات می‌باشد. با توجه به

سهم پایین ۴,۵ درصدی هر یک از صنایع «خودرو و وسایل نقلیه»، «شیمیایی و پتروشیمی» و «محصولات غذایی و آشامیدنی» از کل درآمد صنعتی استان اصفهان، این صنایع وزن مهمی در صنعت استان در مقایسه با کشور ندارند. لازم به ذکر است که سهم صنایع «شیمیایی و پتروشیمی» و «محصولات غذایی و آشامیدنی» از کل درآمد صنعتی کشور به ترتیب ۲۰,۲ و ۱۴,۵ درصد می‌باشد.

ترکیب اشتغال تولید-ساخت استان اصفهان دارای ساختار غنی و متنوع صنایع بزرگ مادر (پالایشگاهی، فولاد و پتروشیمی)، صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی و اصناف تولیدی و صنایع دستی (با اشتغالزایی بالا) می‌باشد که در هیچ یک از استان‌های کشور چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود.

نمودار (۳۶) - سهم استان اصفهان از درآمد رشته‌های صنعتی کشور (درصد، ۱۳۹۲)



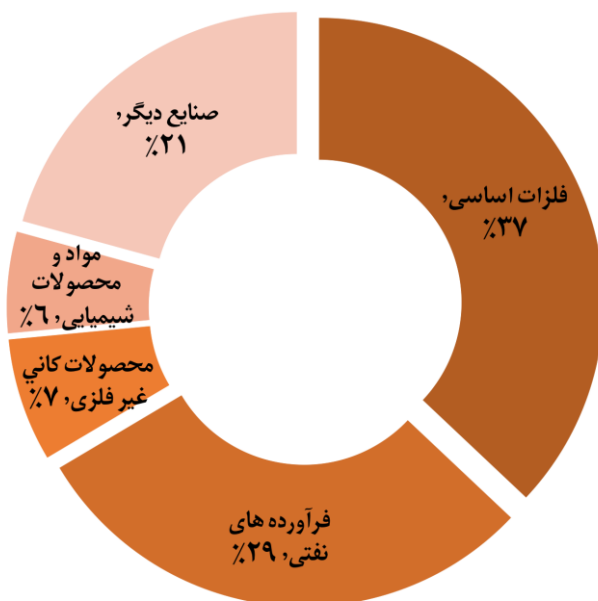
مرجع: مرکز آمار ایران

با وجود این که صنایع بزرگ فلزات اساسی و پالایشگاهی ۶۳ درصد از درآمد صنعتی استان اصفهان را بر عهده دارند (نمودار ۳۷)، اما با میزان اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در حدود ۴۰ هزار نفر، کمتر از ۱۰ درصد از اشتغال ۴۰۰ هزار نفری بخش تولید-ساخت استان را ایجاد کرده‌اند. بنابراین لزوم توسعه زنجیره صنایع پایین-دستی (به خصوص ماشین‌آلات و فلزی) با توجه به ایجاد ارزش افزوده و اشتغال بالا امری ضروری خواهد بود. در طی دهه هشتاد صنایع متکی به منابع نفت و گاز و انرژی، شامل پتروشیمی، فولاد و کانی غیرفلزی به صورت بی‌رویه و بدون توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع و وجود نیروی کار ماهر در مناطق جنوب‌غربی و همچنین استان‌هایی از قبیل خراسان و یزد، به میزان زیادی توسعه یافتند.

نقش بسیار کلیدی صنایع پتروشیمی در رشد صنعتی دهه هشتاد و به خصوص در استان‌هایی مانند بوشهر، موجب شد به رغم این که درآمد سرانه صنعتی این استان در سال ۱۳۸۰ کمتر از نصف استان اصفهان بود، در سال ۱۳۹۲ به بیش از دو برابر با رتبه اول کشوری برسد (نمودار ۳۵). روند نزولی سهم استان اصفهان از صنایع

بزرگ و انرژی بر «فلزات اساسی، پالایشگاهی، پتروشیمی و کانی غیرفلزی» در طی دهه گذشته و سهم پایین صنایع شیمیایی و پتروشیمی از درآمد اقتصادی بخش صنعت استان با میزان کمتر از ۶ درصد در مقایسه با سهم ۲۰ درصدی کل کشور موید این موضوع می‌باشد که با توجه به روند کلی توسعه صنعتی مبتنی بر بخش‌های متکی به منابع (رانت انرژی)، استان اصفهان در زمینه صنعت تا حدی عقب افتاده است.

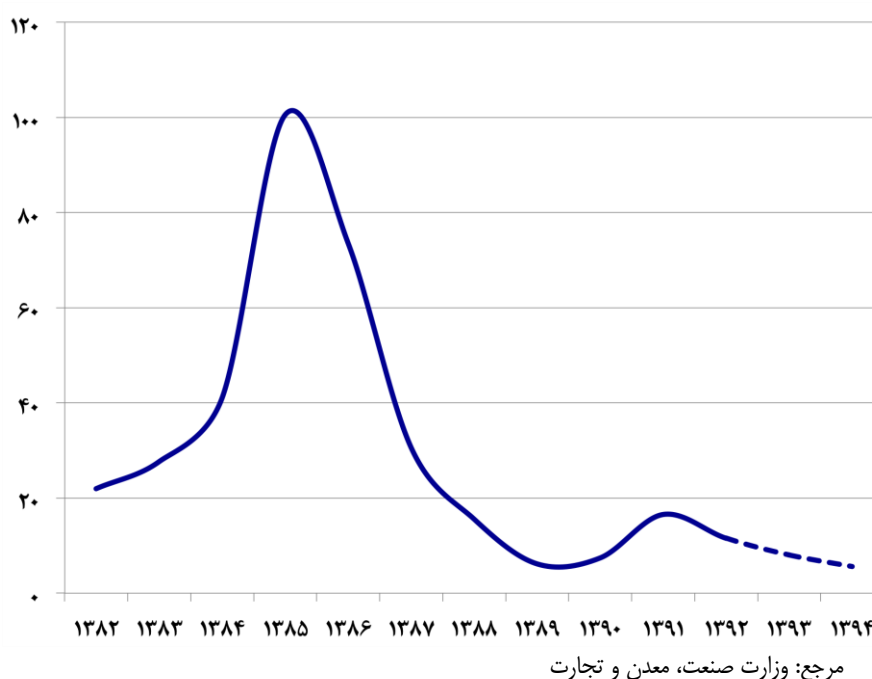
نمودار (۳۷) - سهم استان اصفهان از درآمد رشته‌های صنعتی کشور (درصد، ۱۳۹۲)



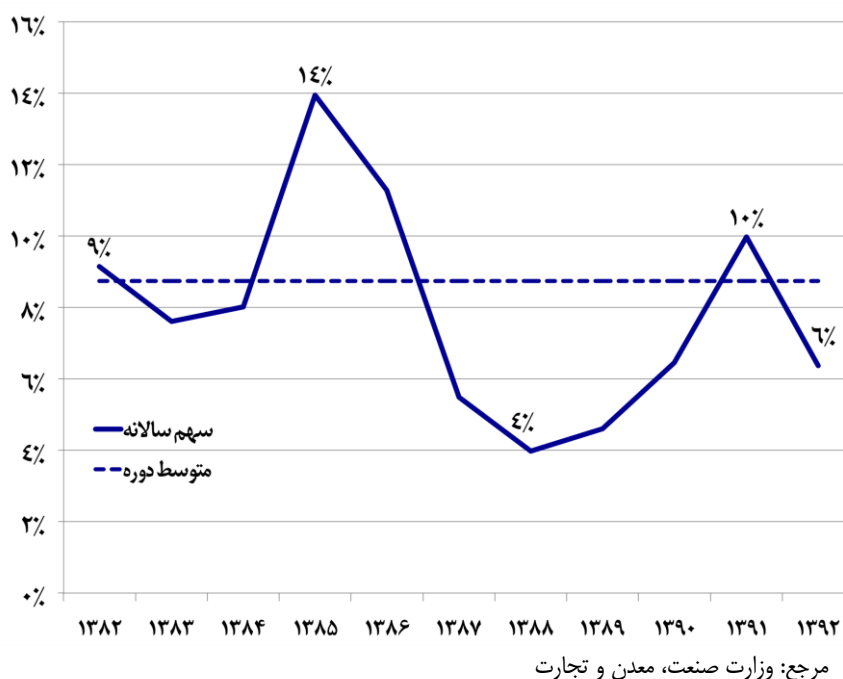
مرجع: مرکز آمار ایران

در کارگاه‌های صنعتی (با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر) استان اصفهان در حدود ۱۵۰ هزار نفر شاغل هستند که با سهم ۱۲,۲ درصدی از کل کشور، اصفهان رتبه دوم کشوری بعد از تهران را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۲ این کارگاه‌های صنعتی ۱۰,۶ درصد از کل سرمایه‌گذاری کل کشور با رتبه سوم استانی را دارا هستند. در این سال سرانه سرمایه‌گذاری صنعتی در این واحدها ۷۴ میلیون ریال در مقایسه با کل کشور به میزان ۸۵ میلیون ریال (با مقام ۱۳ کشوری) گزارش شده است. نسبت پایین سرمایه‌گذاری به اشتغال نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در صنایع استان به سمت واحدهای کمتر سرمایه‌بر و اشتغال‌زا گرایش یافته است. سیاست‌گذاری‌های دولت در جهت تشویق سرمایه‌گذاری در صنعت و تامین منابع مالی لازم (از طریق صندوق ذخیره ارزی) و همچنین فضای مساعد داخلی و خارجی منجر به رشد سرمایه‌گذاری صنعتی در استان اصفهان در نیمه اول دهه هشتاد گردید (نمودار ۳۸). هر چند سهم استان اصفهان از سرمایه‌گذاری از ۹,۲ درصد کل کشور در سال ۱۳۸۲ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۵ صعود داشت، اما با روند نزولی تندی به ۴ درصد در سال ۱۳۸۸ سقوط کرد (نمودار ۳۹). در مجموع از نیمه دوم دهه هشتاد به بعد روند سرمایه‌گذاری صنعتی هم در میزان و هم نسبت به کل کشور دچار تنزل شدیدی شده است و به رغم عواملی از قبیل تامین تسهیلات بنگاه‌های زودبازده هرگز نتوانست رونق نیمه اول دهه هشتاد را تجربه کند.

نمودار (۳۸) - روند سرمایه‌گذاری صنعتی در استان اصفهان (هزار میلیارد ریال، قیمت ثابت سال ۱۳۹۴)



نمودار (۳۹) - سهم استان اصفهان از سرمایه‌گذاری صنعتی کشور (درصد، قیمت ثابت سال ۱۳۹۴)



میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در سال ۱۳۸۵ در حدود ۳۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری صنعتی ده سال گذشته استان اصفهان را شامل می‌شود. بر طبق داده‌های سرمایه‌گذاری ثابت پروانه‌های بهره‌برداری صادره توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۵ به قیمت‌های جاری به ۳۱،۶۵۰ میلیارد ریال بالغ گردید (معادل با بیش از ۳ میلیارد دلار یا ۱۰۰،۰۰۰ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۴). مجموع سرمایه‌گذاری صنعت استان در دوره ۹۲-۱۳۸۲ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۴، ۳۵۰،۰۰۰

میلیارد ریال (۸,۷ درصد از کل کشور) برآورد می‌شود که با ایجاد ۶,۰۰۰ واحد صنعتی (۹ درصد از کل) منجر به ایجاد ۱۲۰,۰۰۰ شغل (۹,۸ درصد از کل) گردید. مقایسه سهم ۱۵,۶ درصدی از کل درآمد بخش صنعت و سهم ۱۲ درصدی از کل اشتغال صنعتی استان اصفهان با وضعیت سرمایه‌گذاری صنعتی سال‌های اخیر، به وضوح نشان‌دهنده پس‌رفت صنعت استان نسبت به کشور است.

جدول (۴) - شاخص‌های صنعتی استان اصفهان

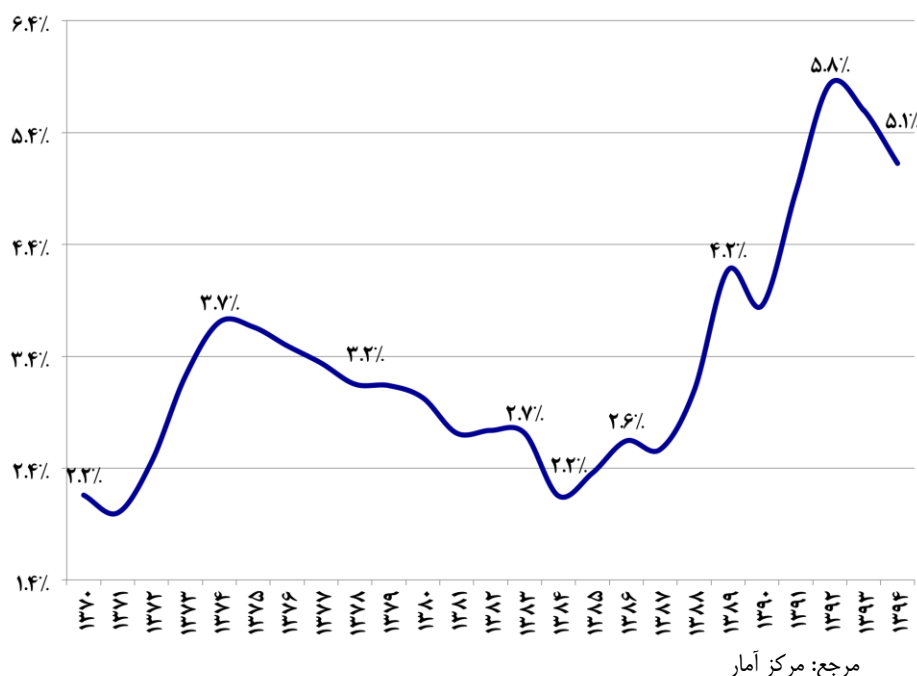
ردیف	شاخص	سال	مقدار	واحد	سهم (%)	رتبه
۱	درآمد اقتصادی بخش صنعت	۱۳۹۲	۲۲۷,۰۰۰	میلیارد ریال	۱۵/۶	۱
۲	درآمد سرانه بخش صنعت	۱۳۹۲	۴۶	میلیون ریال	-	۳
۳	ارزش تولیدات صنعتی	۱۳۹۲	۵۹۰,۰۰۰	میلیارد ریال	۱۲/۸	۲
۴	سهم صنعت از درآمد اقتصادی استان	۱۳۹۲	۳۲	درصد	-	۲
۵	سهم از درآمد اقتصادی معدن کشور	۱۳۹۲	۳	درصد	-	۴
۶	نسبت ارزش افزوده صنعت	۱۳۹۲	۳۹	درصد	-	۳
۷	سهم صنایع انرژی بر از کل صنعت	۱۳۹۲	۷۹	درصد	-	۵
۸	درآمد اقتصادی صنایع فلزات اساسی	۱۳۹۲	۸۴,۰۰۰	میلیارد ریال	۴۱	۱
۹	درآمد اقتصادی صنایع نفتی و پالایشگاهی	۱۳۹۲	۶۷,۰۰۰	میلیارد ریال	۲۶	۱
۱۰	تعداد کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن به بالا	۱۳۹۲	۱۰,۷۲۵	کارگاه	۱۱/۷	۲
۱۱	سرمایه‌گذاری کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن به بالا	۱۳۹۲	۱۱,۵۰۰	میلیارد ریال	۱۰/۶	۳
۱۲	اشتغال کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن به بالا	۱۳۹۲	۱۵۶,۰۰۰	نفر	۱۲/۲	۲

۱۲- مالیات‌ها در استان اصفهان

استان اصفهان در طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ دارای سهم بین ۲,۲ تا ۳,۷ درصد از کل مالیات وصولی در سطح کشور بود. این سهم از ۲,۲ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴,۲ درصد در سال ۱۳۸۹ و ۵,۸ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافت. هر چند که در سال ۱۳۹۴ سهم استان اصفهان از کل مالیات کشور با کمی تنزل به ۵,۱ درصد کاهش یافت، اما در صورتی که میزان درآمد ۶۲,۰۰۰ میلیاردی سال ۱۳۹۵ استان اصفهان بخواهد محقق شود بایستی میزان مالیات وصولی این استان به ۵۸,۰۰۰ میلیارد ریال برسد که در این صورت سهم استان اصفهان از کل مالیات کشور به حدود ۶ درصد خواهد رسید (نمودارهای ۴۰ و ۴۱). میزان مالیات وصولی از استان اصفهان در شش ماهه اول سال ۱۳۹۵ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۴، ۴۷ درصد رشد داشته که اگر در شش ماهه دوم هم تداوم پیدا کند، سهم استان اصفهان از کل مالیات کشور قطعاً به بیش از ۶ درصد خواهد رسید. باید توجه داشت که نظر به سهم نزدیک به ۵۰ درصدی استان تهران از وصول مالیات‌ها و از سویی مالیات واردات که در حساب استان‌ها منظور نمی‌شود، سهم در حدود ۶ درصدی استان اصفهان از کل کشور به مفهوم

بیش از ۲ برابر آن از کل مالیات ۳۰ استان کشور (به جز تهران) است، چنان چه در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کشور سهم استان اصفهان از کل درآمد ۳۰ استان کشور با تهران ۸ درصد و به جز تهران ۱۵,۶ درصد می‌باشد. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، سهم ۱۵,۶ درصدی از کل درآمد ۳۰ استان کشور (به جز تهران) در شرایطی برای استان اصفهان در نظر گرفته شده که سهم جمعیت و درآمد اقتصادی این استان به ترتیب ۶,۸ و ۹,۲ درصد از کل ۳۰ استان است. به مفهومی دیگر درآمد وصولی دولت از استان اصفهان به نسبت جمعیت و درآمد اقتصادی به ترتیب ۱۰,۶ و ۷۰ درصد بیش از متوسط کشوری می‌باشد. این ارقام هنگامی بیشتر معنی پیدا می‌کند که سهم ۹۵ درصدی مالیات (با رتبه اول استانی) از کل درآمد استانی اصفهان در مقایسه با متوسط سهم ۸۵ درصدی کشور نیز در نظر گرفته شود.

نمودار (۴۰) - سهم (مستقیم) استان اصفهان از کل مالیات کشور (درصد)



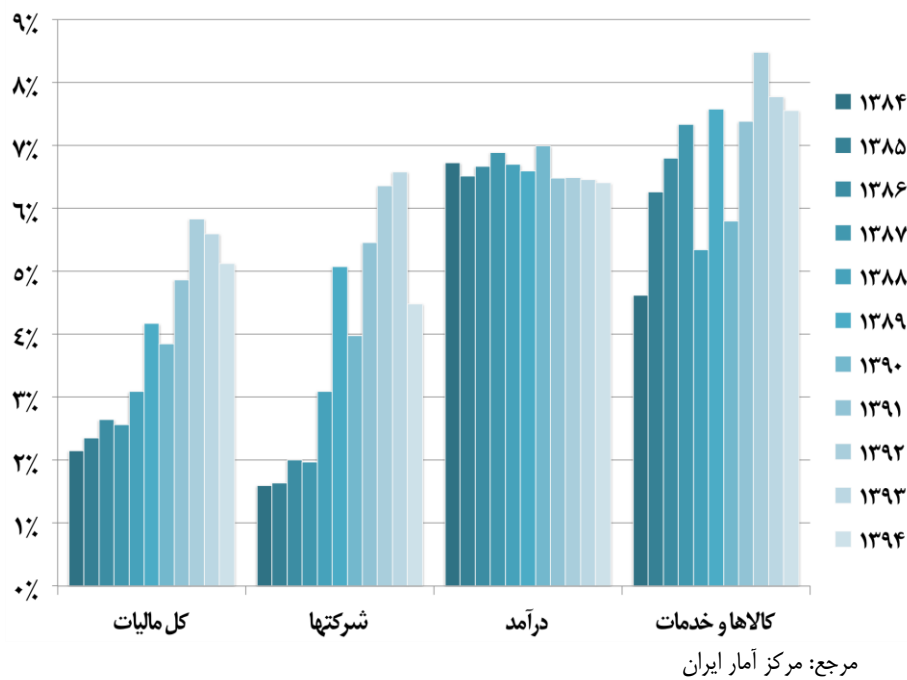
روند مالیات‌ستانی در استان اصفهان گویای این واقعیت است، در شرایطی که در دوره بیست‌ساله ۹۳-۱۳۸۴ میزان مالیات وصولی از بنگاه‌ها ۱۱۷ برابر شده، مالیات درآمد (حقوق، مشاغل و اصناف) فقط ۵۱ برابر و مالیات ثروت ۵۴ برابر شده است.

در دوره ده‌ساله ۹۳-۱۳۸۴ میزان مالیات کالاها و خدمات (عمدتاً ارزش افزوده) ۲۵ برابر، بنگاه‌ها ۱۵,۳ برابر، و مالیات درآمد ۵,۹ برابر افزایش یافته است. در این دوره در کل کشور میزان مالیات وصولی از بنگاه‌ها ۲,۷ برابر و مالیات کالاها و خدمات ۱۴,۹ برابر شده است.

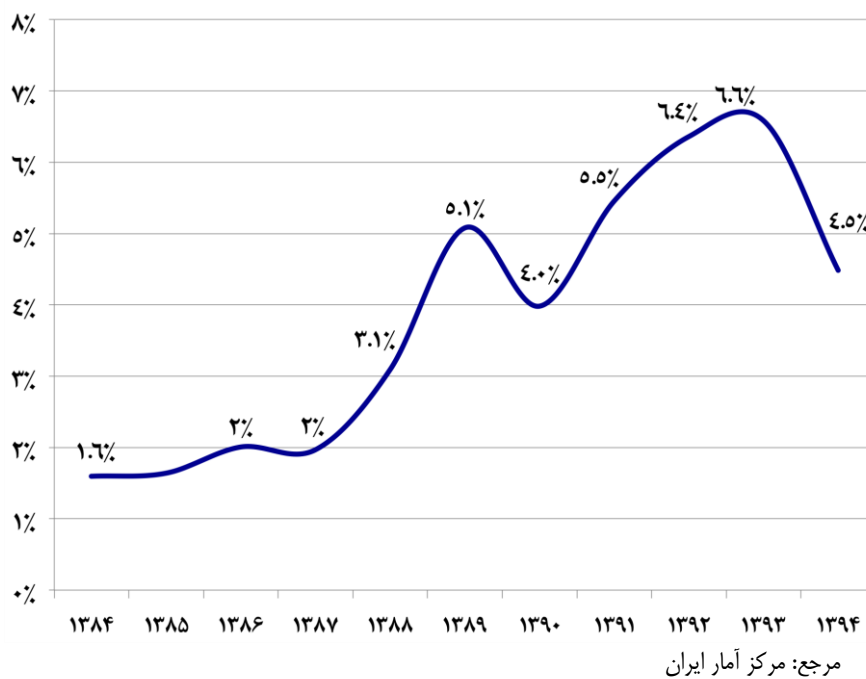
بررسی چگونگی توزیع وصول مالیات در استان اصفهان، نشان می‌دهد که روند مستمر و فزاینده انتقال افزایش بار مالیاتی استان به بنگاه‌های تولیدی از سال ۱۳۸۷ آغاز گردید که از سوی دیگر توأم با کاهش سهم مالیات درآمد (حقوق و مشاغل) بوده است. در سال ۱۳۸۷ سهم بنگاه‌های استان اصفهان از کل مالیات بنگاه‌ها

در کشور ۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۹ به ۵,۱ درصد و در سال ۱۳۹۳ به ۶,۶ درصد افزایش یافت (نمودار ۴۲). این سهم در سال ۱۳۹۴ به ۴,۵ درصد تنزل یافت که به علت کاهش ۸۰ درصدی میزان مالیات بنگاه‌های بزرگ استان در این سال بود. سهم مالیات درآمد از کل مالیات استان تا قبل از سال ۱۳۸۸ بالای ۳۵ درصد بود که در سال ۱۳۹۴ به ۱۹ درصد تنزل یافت (نمودار ۴۳).

نمودار (۴۱) - سهم استان اصفهان از کل اقلام مالیاتی کشور

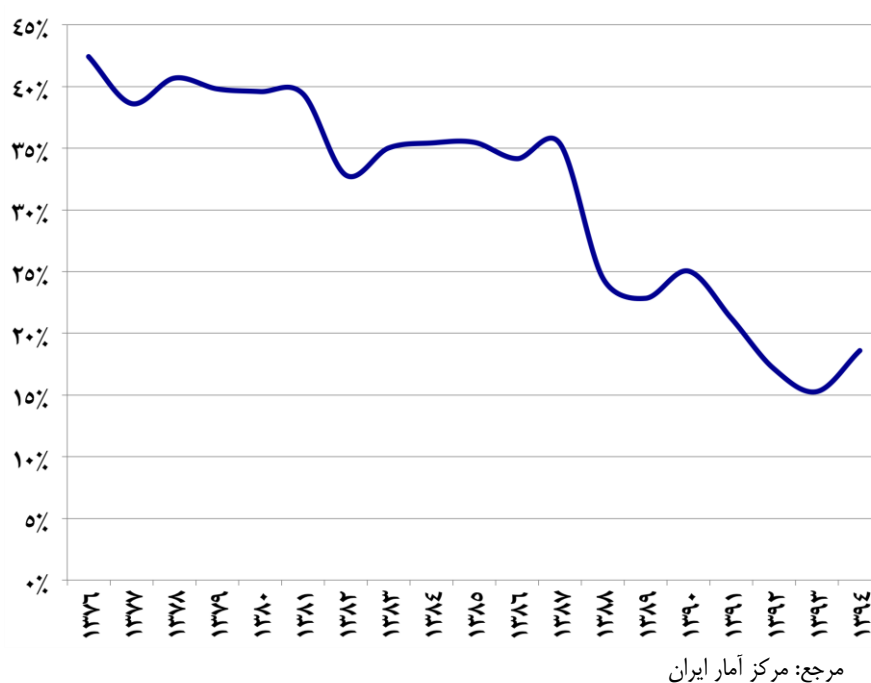


نمودار (۴۲) - سهم مالیات شرکتها در اصفهان از کل مالیات شرکتها در کشور (درصد)



ترکیب اقلام مالیاتی نشان می‌دهد در مقایسه با کل کشور که مجموع مالیات بنگاه‌ها و ارزش افزوده در حدود ۶۰٪ از کل مالیات‌ها را تشکیل می‌دهد، در استان اصفهان این مقدار ۸۰ درصد است (نمودار ۴۴). نظر به سهم پایین مالیات ارزش افزوده بخش توزیع و و بنگاه‌های خدماتی از این نوع مالیات در استان اصفهان، بنابراین بیش از ۷۰ درصد از مالیات استان از بنگاه‌های صنعتی اخذ می‌گردد. با وجود ۱۷۴ هزار واحد صنفی رسمی که با واحدهای غیررسمی تعداد آنها به بیش از ۲۰۰ هزار واحد صنفی می‌رسد، بخش مشاغل (اصناف) فقط در حدود ۵ درصد از پرداخت مالیات استان را بر عهده دارد. با توجه به درآمد اقتصادی بخش‌های پر درآمد و پر منفعتی از قبیل اجاره مستغلات و بسیاری فعالیت‌های اقتصادی رسمی و غیررسمی سودآور، مشخص می‌شود که بخش‌های سودآور اقتصادی استان اصفهان (به صورت نسبی) از پرداخت مالیات معاف هستند.

نمودار (۴۳) - سهم مالیات درآمد از کل مالیات استان اصفهان (درصد)



هر چند اظهار می‌شود که بخش مهمی از افزایش سهم مالیاتی استان اصفهان به شمول مالیات بنگاه‌های صنعتی بزرگ استان (عمدتاً فولاد مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان) بر می‌گردد، اما از سال ۱۳۹۳ به بعد سود و به تبع آن مالیات پرداختی این بنگاه‌ها کاهش شدیدی داشته است.

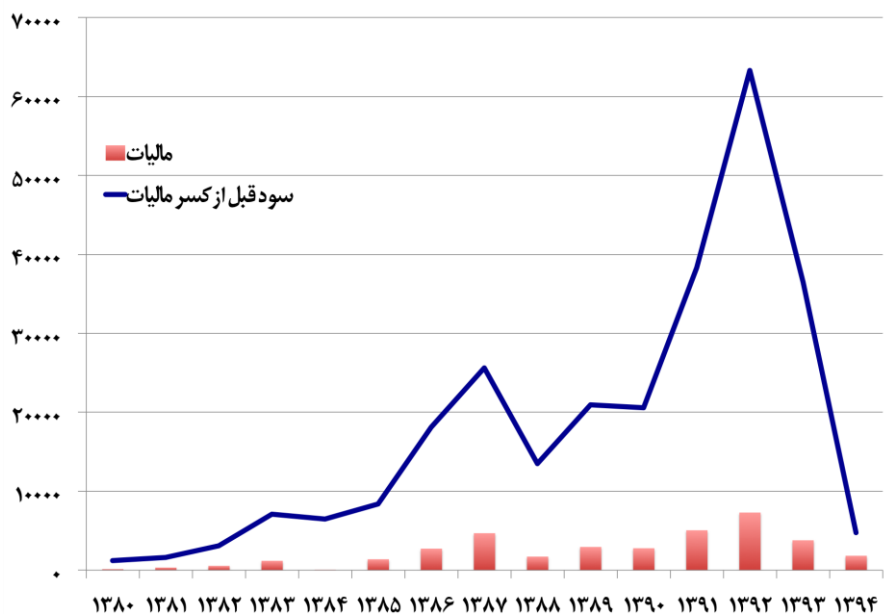
بر طبق اطلاعات و صورت‌های مالی حسابرسی شده و مصوب پنج بنگاه بزرگ صنعتی استان اصفهان (فولاد مبارکه، ذوب‌آهن، پالایشگاه، پتروشیمی و سیمان اصفهان)، سود قبل از کسر مالیات این بنگاه‌ها در سال ۱۳۸۸، ۱۳،۴۹۳ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۹۱ به ۳۸،۳۲۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۲ به ۶۳،۳۱۸ میلیارد ریال افزایش یافت. در سال ۱۳۹۳ سود این پنج بنگاه به ۳۶،۵۷۲ میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۴ به ۴،۷۳۸ میلیارد ریال تنزل یافت. ملاحظه می‌شود که سود قبل از کسر مالیات این بنگاه‌های در طی دو سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ با ۹۳ درصد کاهش از ۶۳،۳۱۸ میلیارد ریال به میزان ناچیز ۴،۷۳۸ میلیارد ریال سقوط کرد (نمودار ۴۵). در سال

۱۳۹۴ دو بنگاه بزرگ صنعتی پالایشگاه و پتروشیمی اصفهان دچار زیان شدند که زیان پالایشگاه اصفهان ۱۱،۲۰۰ میلیارد ریال اعلام گردید. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۹۴، پنج بنگاه بزرگ صنعتی اصفهان ۸۴ درصد از سود و ۹۷ درصد از مالیات بر سود ۱۸ بنگاه بزرگ بورسی اصفهان را به خود اختصاص دادند.

نمودار (۴۴) - سهم ارقام مالیاتی از کل درآمد مالیاتی استان اصفهان و ایران (درصد، ۱۳۹۲)



نمودار (۴۵) - میزان سود و مالیات پنج بنگاه بزرگ استان اصفهان (میلیارد ریال)

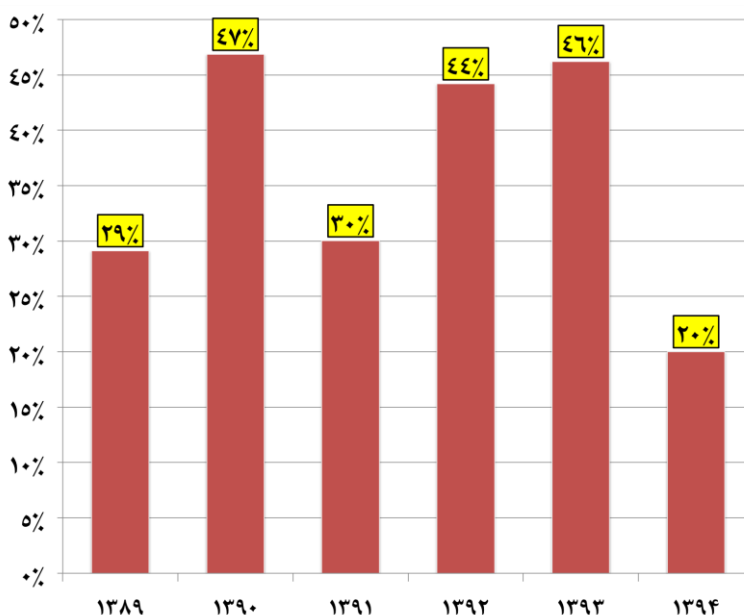


مرجع: بورس اوراق بهادار (پنج بنگاه: فولاد مبارکه، ذوب آهن، پالایشگاه، پتروشیمی و سیمان اصفهان)

با توجه به کاهش شدید سود، مالیات پرداختی بنگاه‌های بزرگ استان اصفهان نیز به شدت کاهش یافته است، به صورتی که مالیات پرداختی آنها در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۲ به حدود یک-پنجم رسید. در همین حال افزایش در حدود ۶۰ درصدی مالیات بنگاه‌ها در استان حاکی از آن است که مالیات بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط اصفهان باید به شدت افزایش یافته باشد (نمودار ۴۶).

موضوع قابل تعمق این است که بنگاه‌های بزرگ صنعتی (شبه‌خصوصی) استان اصفهان که بیش از ۶۰ درصد درآمد صنعتی استان را به خود اختصاص داده‌اند در بهترین شرایط کمتر از ۵۰ درصد و هم اکنون در حدود ۲۰ درصد مالیات بنگاه‌ها را پرداخت می‌کنند، بنابراین بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی واقعی استان که کمتر از ۴۰ درصد درآمد اقتصادی را کسب می‌کنند، سهم به مراتب بیشتری را باید پرداخت کنند. در شرایط کنونی باید توجه داشت هنگامی که بنگاه‌های بزرگ استان اصفهان که بخش اصلی درآمد صنعتی استان را بر عهده دارند دچار کاهش شدید سود یا زیان می‌گردند، بنگاه‌های کوچک و متوسط استان نیز قطعاً دچار وضعیت نامساعدتری هستند. رشد مالیات بنگاه‌ها در دو سال اخیر نشان می‌دهد که متأسفانه بدون توجه به عواقب نامطلوب آن، بخش مهمی از بار مالیاتی بنگاه‌های بزرگ استان به بنگاه‌های کوچک و متوسط که اصولاً دچار وضعیت نامساعدتری شده‌اند، انتقال یافته است.

نمودار (۴۶) - سهم پنج بنگاه بزرگ از مالیات بنگاه‌های استان اصفهان (درصد)

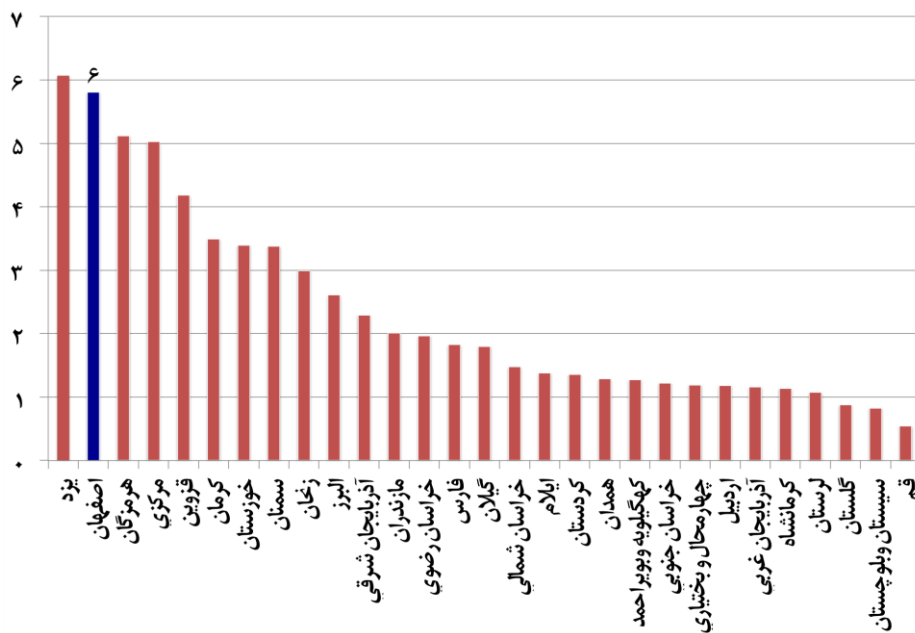


مرجع: بورس اوراق بهادار (پنج بنگاه: فولاد مبارکه، ذوب آهن، پالایشگاه، پتروشیمی و سیمان اصفهان)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که استان اصفهان یکی از بالاترین سرانه‌های پرداخت مالیات (هم جمعیت و هم نیروی کار) با رتبه دوم کشوری را دارا می‌باشد که با توجه به سهم بالای صنعت از نیروی کار استان و معافیت بخش کشاورزی و سهم ناچیز بخش خدمات، واضح است که این بار هزینه‌ای به بخش صنعت و در نهایت به نیروی کار صنعتی منتقل می‌گردد (نمودارهای ۴۷ و ۴۸). برآوردها حاکی از این است که بر اساس بودجه مصوب استان، در سال جاری سرانه مالیاتی استان (به ازای نیروی کار) به نزدیک ۴۰ میلیون ریال بالغ خواهد شد.

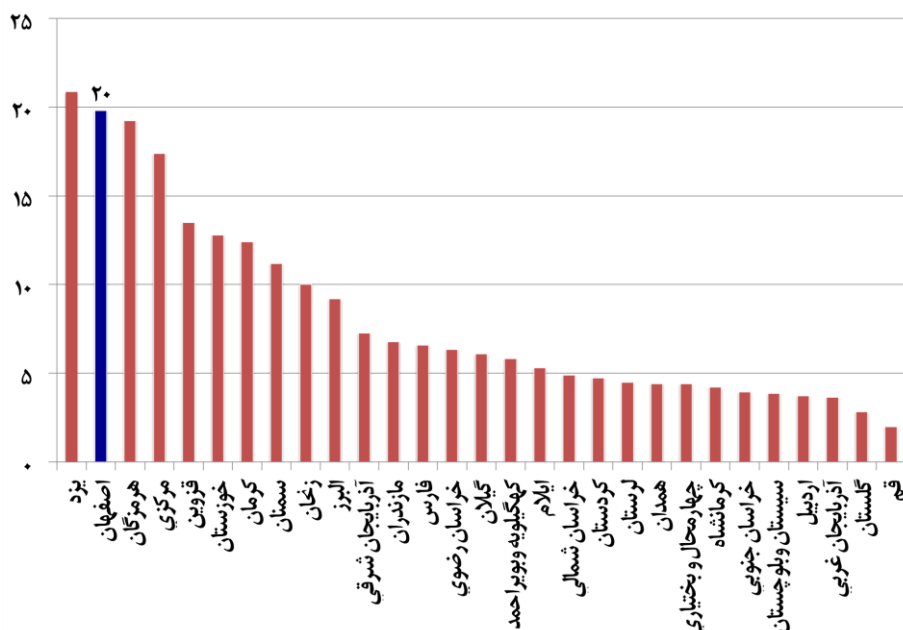
البته در صورتی که فقط نیروی کار شاغل در بخش صنعت در نظر گرفته شود، سرانه مالیات نیروی کار در این بخش بیش از ۱۰۰ میلیون ریال می‌باشد که جهت مالیات حقوق و بیمه تامین اجتماعی کارکنان باید حداقل ۲۵۰ میلیون ریال به این مبلغ افزوده شود. به عبارتی متوسط سرانه مالیات (مستقیم و غیرمستقیم) نیروی کار در بنگاه‌های صنعتی استان اصفهان در حول و حوش حداقل حقوق قانونی کارکنان (بدون مزایا) است.

نمودار (۴۷) - سرانه پرداخت مالیات استان‌ها (میلیون ریال به نفر ، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

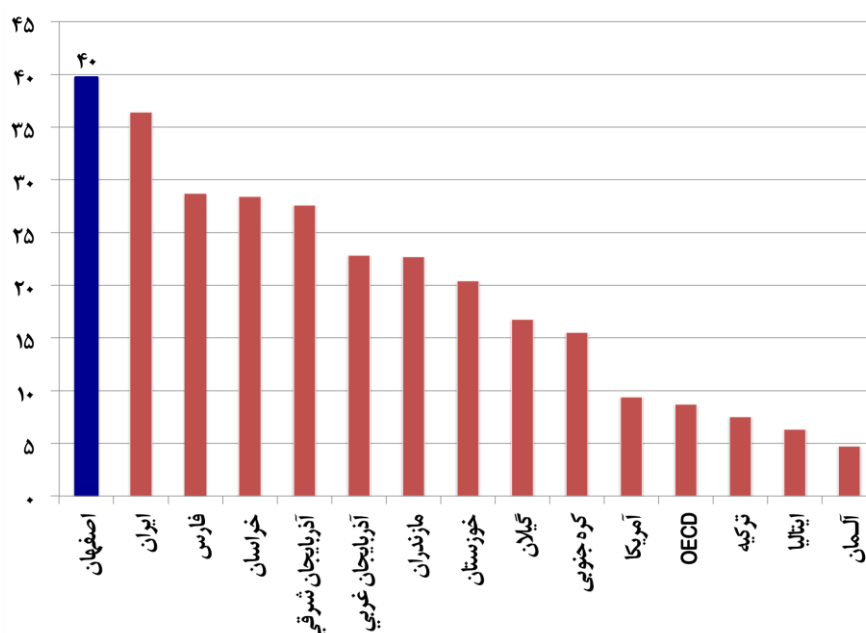
نمودار (۴۸) - سرانه پرداخت مالیات نیروی کار استان‌ها (میلیون ریال به نفر ، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

برآیند نامطلوب و یکی از نتایج اصلی این روند این است که نظر به افزایش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم نیروی کار، سرمایه‌گذاری و اشتغال صنعتی (به خصوص در صنایع اشتغال‌زای کوچک و متوسط پایین‌دستی) کاهش معنی‌داری خواهد یافت، هر چند که در بخش صنایع بزرگ، نظر به وجود رانت منابع (مواد اولیه و انرژی) و سهم پایین نیروی کار از قیمت تمام شده و به تبع آن نسبت پایین سرانه مالیات نیروی کار در این بخش، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر جای نمی‌گذارد. در شرایط کنونی صرف‌نظر از دو بنگاه بزرگ صنعتی (شبه-خصوصی)، فعالیت سازمان مالیاتی استان اصفهان بر روی اخذ مالیات از بنگاه‌های کوچک و متوسط خصوصی واقعی متمرکز شده است، همانطور که در سطح استان (بر پایه داده‌های رسمی و بررسی‌های میدانی) ملاحظه می‌شود، در سال‌های اخیر روند سرمایه‌گذاری صنعتی شیب تند نزولی در پیش گرفته است و مهاجرت سرمایه‌ها از استان و رشد فعالیت‌های نامولد روند مستمر فزاینده‌ای دارد.

نمودار (۴۹) - سهم مالیات بنگاه‌ها از کل مالیات استان‌ها و کشورهای منتخب (درصد، ۱۳۹۲)

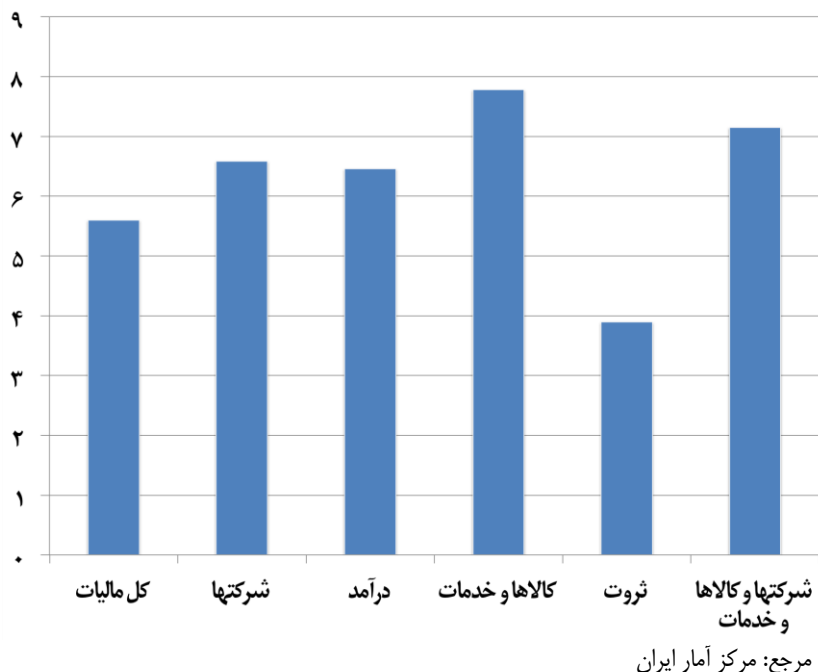


مرجع: مرکز آمار ایران و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

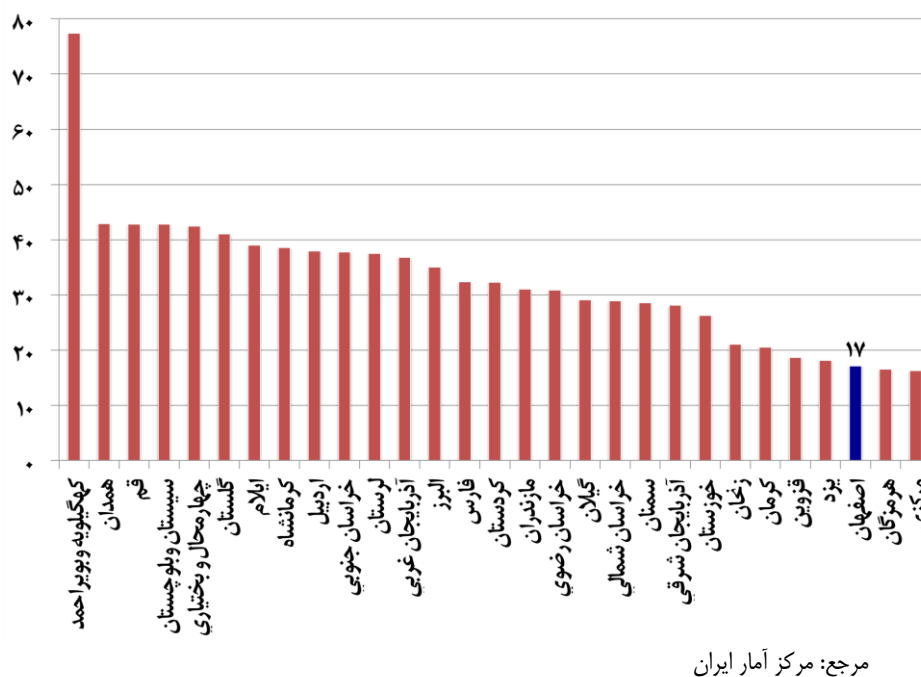
سهم مالیات بنگاه‌ها (عمدتاً صنعتی و معدنی) از کل مالیات استان اصفهان به صورت مستقیم ۴۰ درصد (و با در نظر داشتن مالیات ارزش افزوده در حدود ۷۵ درصد) است که یکی از بالاترین نسبت‌ها در سطح کشور محسوب شده و از همه استان‌های بزرگ کشور بیشتر می‌باشد و حتی در سطح جهان هم سابقه‌ای برای آن وجود ندارد. قابل توجه است که سهم مالیات بنگاه‌ها از کل مالیات کشورهای آمریکا، ترکیه و ایتالیا و مجموع کشورهای عضو جامعه همکاری و توسعه اقتصادی (که شامل همه کشورهای توسعه یافته می‌گردد)، کمتر از ۱۰ درصد و آلمان کمتر از ۵ درصد می‌باشد (نمودار ۴۹). در طی دوره ۹۳-۱۳۸۴ در شرایطی که میزان مالیات بنگاه‌ها در کل کشور ۳,۷ برابر شد، این میزان برای استان اصفهان ۱۵,۳ برابر بود و به عبارتی در این دوره نرخ نسبت افزایش مالیات بنگاه‌ها در استان اصفهان ۴ برابر کل کشور است. هر چند که تا سال ۱۳۹۳ بخش مهمی

از رشد مالیاتی مربوط به بنگاه‌های بزرگ صنعتی می‌گردد، اما تداوم این نرخ رشد بالا در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ عمدتاً بر مبنای اخذ مالیات‌های بیشتر از بنگاه‌های کوچک و متوسط استان می‌باشد.

نمودار (۵۰) - سهم بخش‌های اقتصادی استان اصفهان از مالیات کشوری آن بخش‌ها (درصد، ۱۳۹۳)



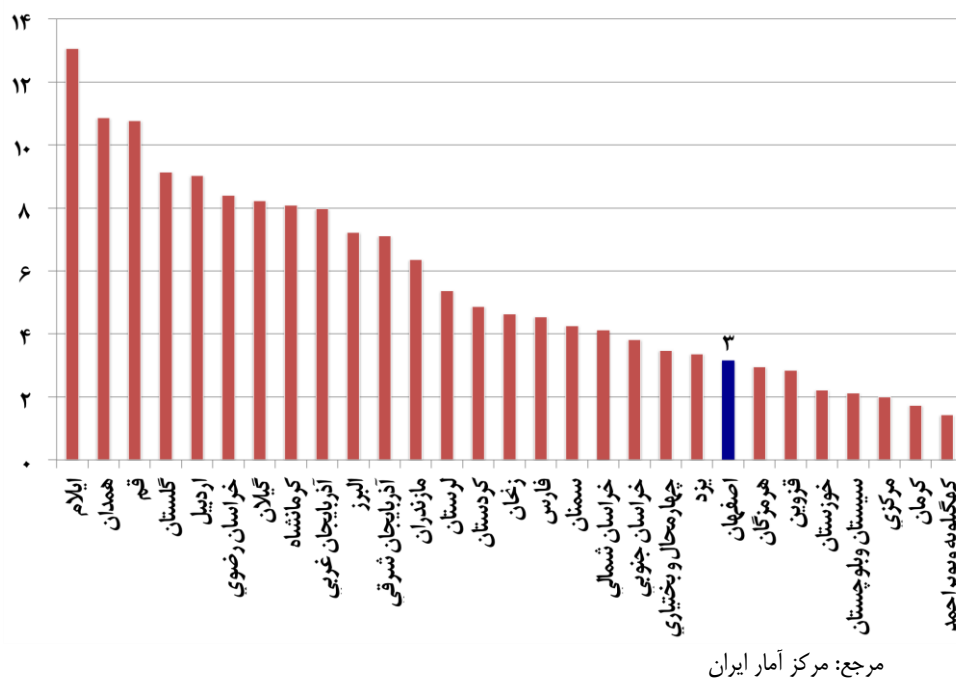
نمودار (۵۱) - سهم مالیات درآمد از کل مالیات استان‌ها (درصد، ۱۳۹۲)



در شرایطی که یکی از بالاترین نسبت‌های مالیات بنگاه‌ها (در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی) در استان اصفهان اخذ می‌شود، سهم مالیات درآمد از کل مالیات استان اصفهان ۱۵ درصد (با رتبه ۲۹ در بین ۳۱ استان) و

از سوی دیگر سهم مالیات ثروت کمتر از ۳ درصد (در حدود نصف کشور) با رتبه ۲۴ است (نمودارهای ۵۰، ۵۱ و ۵۲). میزان مالیات وصولی از هر واحد صنفی استان اصفهان کمتر از ۱۰ میلیون ریال در سال ۱۳۹۵ برآورد می‌شود که پایین‌تر از متوسط کشوری است.

نمودار (۵۲) - سهم مالیات ثروت از کل مالیات استان‌ها (درصد، ۱۳۹۲)

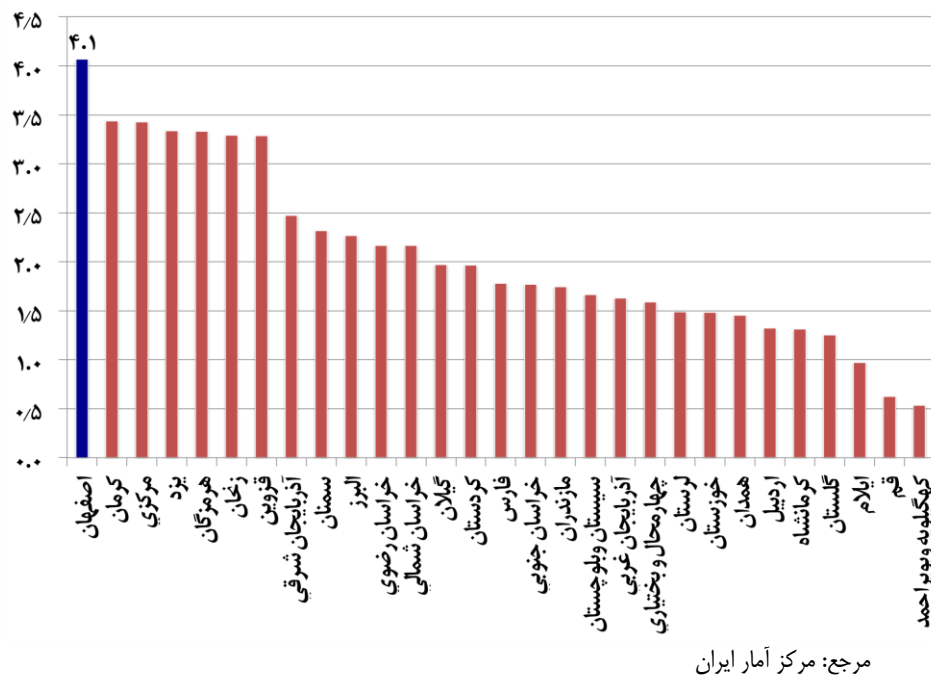


مهم‌ترین و ملاک اصلی در تعیین مالیات مناطق جغرافیایی و فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهان، میزان درآمد اقتصادی است و در همین راستا سهم مالیاتی مناطق و استان‌های کشور باید با توجه به به درآمد (تولید ناخالص) یا ارزش کالاها و خدمات تولید شده تعیین شود.

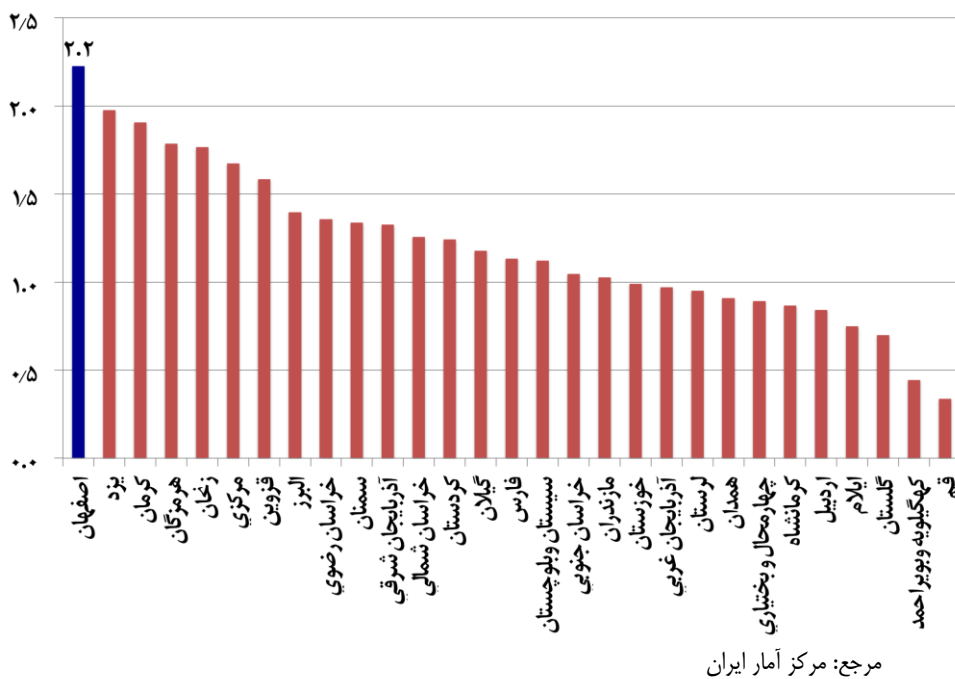
از نقطه نظر نسبت مالیات به درآمد (تولید ناخالص)، استان اصفهان با شاخص ۴,۱ دارای اولین رتبه کشوری است (نمودار ۵۳). شش استان بعد از اصفهان (شامل کرمان، مرکزی، یزد، هرمزگان، زنجان و قزوین) با شاخص در حدود ۳,۴ فاصله قابل توجهی با اصفهان دارند. شاخص استان‌های به نسبت توسعه‌یافته از قبیل آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و گیلان به ترتیب ۲,۵، ۲,۲ و ۲ است. بیش از نیمی از استان‌های کشور که در بین آنها استان‌های برخوردار نیز وجود دارند، دارای نسبت مالیات به درآمد کمتر از نصف میزان اصفهان هستند. همان‌طور که در بخش درآمد سرانه استان‌ها ذکر شد، اصفهان از رتبه نهم درآمد سرانه برخوردار است. چنان‌چه نسبت مالیات به ارزش تولیدات/خدمات در نظر گرفته شود، باز هم اصفهان دارای رتبه اول می‌باشد (نمودار ۵۴). در این زمینه نیز نسبت مالیات به ارزش تولیدات/خدمات استان اصفهان بیش از دو برابر نیمی از استان‌های کشور است.

موضوع بسیار مهم دیگر سهم مالیات از کل درآمد دولت از استان‌ها است که در این زمینه هم اصفهان دارای رتبه اول کشوری با سهم بالای ۹۵ درصد در مقایسه با کل کشور با میزان ۸۷ درصد است (نمودار ۵۵).

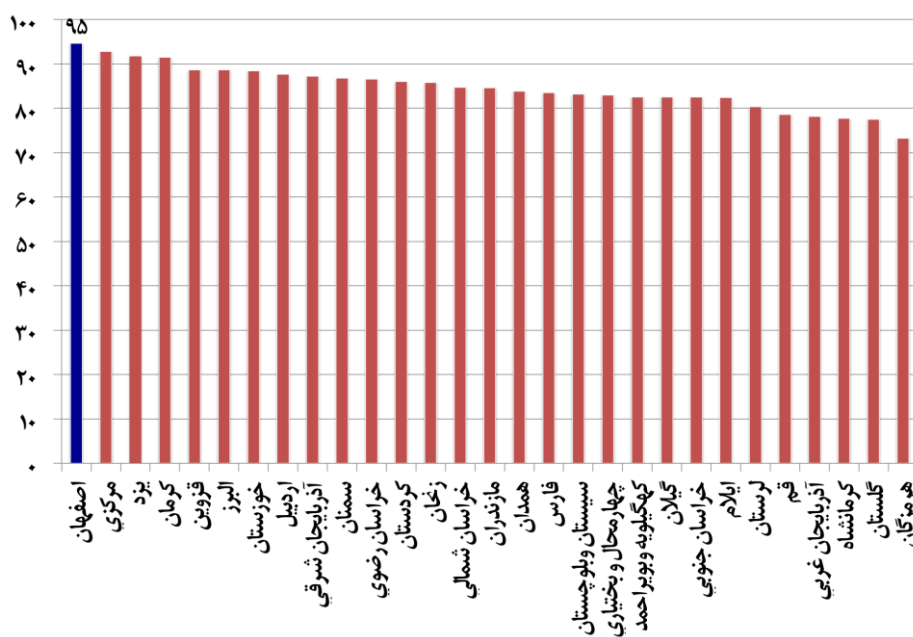
نمودار (۵۳) - نسبت مالیات به درآمد (تولید ناخالص) استان‌ها (درصد ، ۱۳۹۲)



نمودار (۵۴) - نسبت مالیات به کل ارزش تولیدات/خدمات استان‌ها (درصد ، ۱۳۹۲)



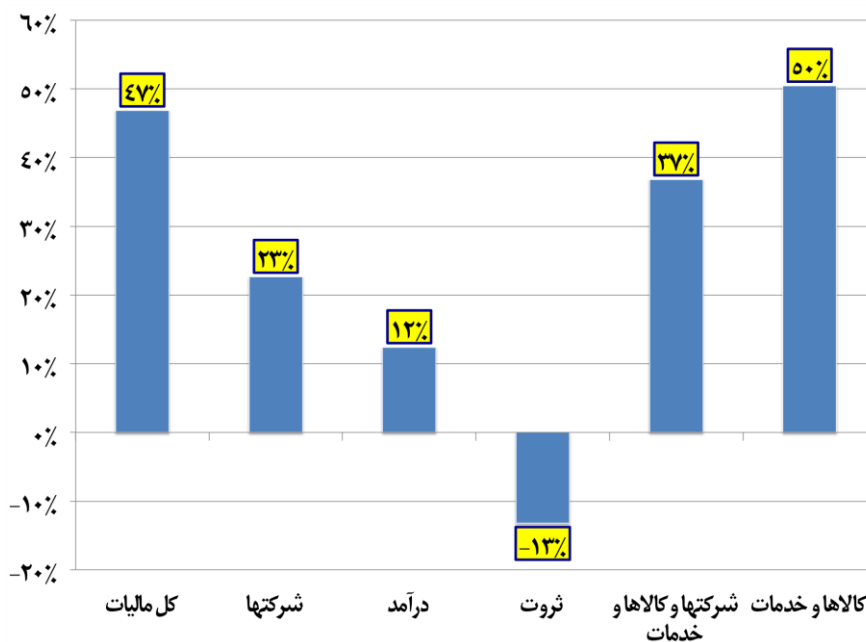
نمودار (۵۵) - سهم مالیات از کل درآمد استان‌ها (درصد ، ۱۳۹۲)



مرجع: مرکز آمار ایران

هر چند روند مالیات‌ستانی در استان اصفهان در سال ۱۳۹۴ تا حدی کند شد، اما با توجه به آمار شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۵، مجدداً روند مالیات‌ستانی در استان تشدید شده، به صورتی که کل مالیات وصولی استان در شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۵ نسبت به مدت مشابه در سال پیش از آن به میزان ۴۷ درصد افزایش یافته است. بالاترین میزان افزایش مربوط به مالیات کالاها و خدمات (ارزش افزوده) با نرخ ۵۰ درصد می‌باشد.

نمودار (۵۶) - میزان رشد اقلام مالیاتی استان اصفهان در شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۵ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۴

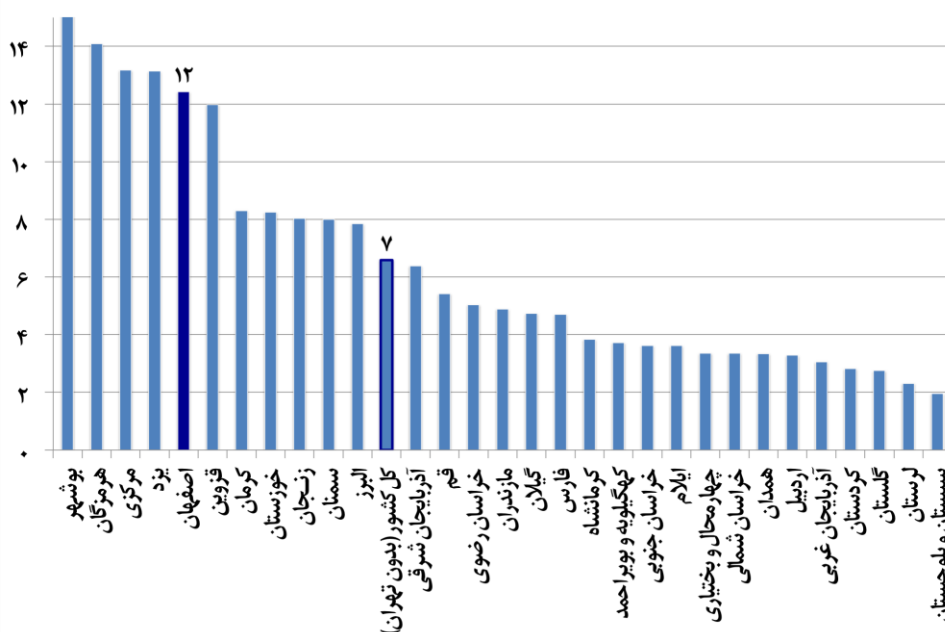


مرجع: سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶، ضمن این که «درآمد وصولی دولت» از استان اصفهان ۶۳،۲۵۹ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است (برآورد می‌گردد مالیات استان در حدود ۶۰،۰۰۰ میلیارد ریال باشد)، جهت «بودجه عمومی» استان ۷،۸۶۰ میلیارد ریال اختصاص یافته است. از ۷،۸۶۰ میلیارد ریال بودجه عمومی استان ۴،۴۱۰ میلیارد ریال آن هزینه‌های و ۳،۴۵۰ میلیارد ریال آن (با سهم ۴۴ درصد از کل بودجه) عمرانی (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) می‌باشد. در سال‌های اخیر نظر به تنگنای مالی دولت و کسری بودجه، میزان تحقق اعتبارات عمرانی پایین بوده، لذا امکان جذب میزان قابل توجهی از این بخش از بودجه جای تردید است.

در شرایطی که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶، استان اصفهان با میزان ۱۲ میلیون ریال، رتبه پنجم سرانه درآمد وصولی دولت (پس از استان‌های به ترتیب بوشهر، هرمزگان، مرکزی و یزد) در بین استان‌ها را دارد، متوسط سرانه درآمد وصولی دولت در کشور (بدون استان تهران) ۷ میلیون ریال است (نمودار ۵۷). در مقایسه با دیگر استان‌ها، به عنوان مثال لازم است به استان خراسان رضوی اشاره شود که با جمعیت ۲۷ درصد بیشتر و درآمد اقتصادی (تولید ناخالص) فقط ۲۰ درصد کمتر، دارای درآمد وصولی توسط دولت به میزان نصف استان اصفهان است و در همین حال بودجه عمومی این استان ۲۳ درصد بیش از اصفهان می‌باشد.

نمودار (۵۷) - سرانه درآمد استان‌ها (میلیون ریال ، بودجه ۱۳۹۶)

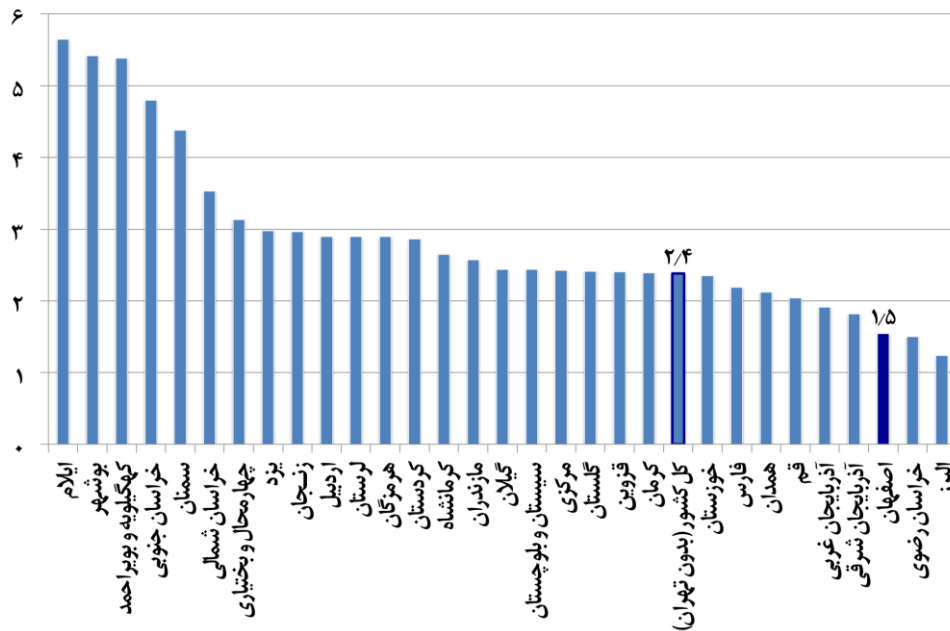


مرجع: مرکز آمار ایران و لایحه بودجه سال ۱۳۹۶

با وجود میزان و سرانه درآمد وصولی بالا توسط دولت، از نظر سرانه بودجه عمومی استان اصفهان با میزان ۱،۵ میلیون ریال در مقام ۲۸ کشوری قرار می‌گیرد (کل کشور بدون استان تهران: ۲،۴ میلیون ریال). به عبارتی در مقام تامین هزینه‌های کشور، مردم اصفهان در صدر و در مقام هزینه آنها در استان در ذیل واقع شده‌اند (نمودار ۵۸). وضعیت اصفهان نه تنها در مقایسه با استان‌های کمتر برخوردار که در قیاس با استان‌های برخوردار نیز نامطلوب است. به عنوان مثال آذربایجان شرقی در حدود ۰،۸ استان اصفهان جمعیت و درآمد

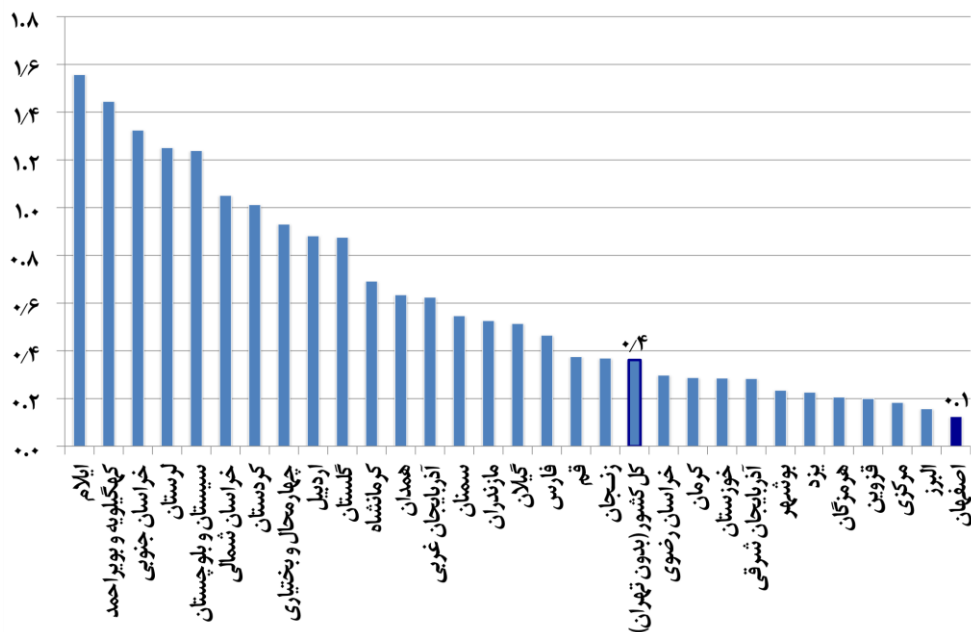
اقتصادی دارد، اما درآمد وصولی از این استان ۰,۴ و در همین حال بودجه عمومی این استان ۰,۹ اصفهان است، یعنی این که به نسبت جمعیت و درآمد در حدود نصف اصفهان درآمدهای استانی مشارکت دارد و از سویی ۱۰ درصد بیشتر از بودجه عمومی کشور برخوردار است.

نمودار (۵۸) - سرانه بودجه استان‌ها (میلیون ریال ، بودجه ۱۳۹۶)



مرجع: مرکز آمار ایران و لایحه بودجه سال ۱۳۹۶

نمودار (۵۹) - نسبت بودجه عمومی به درآمد استانی در استان‌ها (بودجه ۱۳۹۶)



مرجع: مرکز آمار ایران و لایحه بودجه سال ۱۳۹۶

تأثیر نسبت بودجه عمومی به درآمد وصولی استان‌ها با شاخص «ضریب بازگشت استانی» اندازه‌گیری می‌شود. استان اصفهان با میزان ۰,۱۲ دارای پایین‌ترین شاخص ضریب بازگشت استانی (نسبت بودجه عمومی به درآمد وصولی) در بین ۳۰ استان کشور (با متوسط ۰,۴) می‌باشد (نمودار ۵۹). بیش از نیمی از استان‌های کشور (شامل گیلان، مازندران، سمنان و همدان) دارای شاخص بالای ۰,۵ هستند. این موضوع با توجه به میزان مالیات بالا و بالاترین سهم مالیات از درآمد استانی نشان می‌دهد که مالیات وصولی از اصفهان در دیگر استان‌ها هزینه می‌شود. همچنین باید توجه داشت که درآمدهای کلان بنگاه‌های بزرگ صنعتی که بیش از ۶۰ درصد کل بنگاه‌های صنعتی را شامل می‌شود، عاید سهام‌داران (بورسی) خارج از استان می‌گردد.

جدول (۵) - شاخص‌های مالیاتی استان اصفهان

ردیف	شاخص	سال	مقدار	واحد	سهم (%)	رتبه
۱	میزان مستقیم مالیات سالانه	۱۳۹۳	۳۹,۷۰۰	میلیارد ریال	۵/۶	۱
۲	سرانه مالیات سالانه	۱۳۹۳	۸	میلیون ریال	-	۲
۳	سرانه پرداخت مالیات نیروی کار	۱۳۹۲	۲۷	میلیون ریال	-	۲
۴	نسبت مالیات به درآمد اقتصادی استان	۱۳۹۲	۴/۱	درصد	-	۱
۵	نسبت مالیات به ارزش تولیدات/خدمات	۱۳۹۲	۲/۲	درصد	-	۱
۶	سهم مالیات از کل درآمد استان	۱۳۹۲	۹۵	درصد	-	۱
۷	میزان مصوب مالیات سالانه (بودجه)	۱۳۹۵	۵۸,۰۰۰	میلیارد ریال	۸/۵	۱
۸	بودجه سالانه استان	۱۳۹۵	۶,۵۶۰	میلیارد ریال	۴/۵	۴
۹	ضریب بازگشت استانی (بودجه)	۱۳۹۵	۰/۱۱	-	-	۳۰
۱۰	ضریب بازگشت استانی (بودجه)	۱۳۹۶	۰/۱۲	-	-	۳۰
۱۱	سرانه بودجه سالانه	۱۳۹۶	۱/۳	میلیون ریال	-	۲۹
۱۲	سهم بودجه عمرانی از کل (بودجه)	۱۳۹۶	۴۳/۹	درصد	-	۱۹

۱۳- چالش‌های مالیات‌ستانی در استان اصفهان

در مجموع چالش‌های اصلی مالیات‌ستانی در استان اصفهان را به شرح ذیل می‌توان طبقه‌بندی کرد،

- (۱) روند فزاینده اخذ مالیات در استان (توام با افزایش سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی)
- (۲) رتبه اول استانی نسبت مالیات به درآمد اقتصادی
- (۳) رتبه اول استانی نسبت مالیات به ارزش تولیدات/خدمات
- (۴) رتبه استانی دوم سرانه (جمعیتی) و سرانه (نیروی کار) پرداخت مالیات
- (۵) پایین‌ترین میزان و رتبه استانی نسبت بودجه عمومی به درآمد وصولی «ضریب بازگشت استانی»
- (۶) تمرکز فشار مالیات‌ستانی و سهم و رتبه بسیار بالای مالیات بنگاه‌های صنعتی استان نسبت به شاخص‌های کشوری و جهانی

(۷) عدم اخذ مالیات از بخش‌های پردرآمد و سودآور خدماتی (مستغلات، بازرگانی، مشاغل و پزشکان) و مسکن و ثروت در حد و اندازه درآمد اقتصادی آنها

(۸) انتقال بار مالیاتی بنگاه‌های صنعتی بزرگ استان به بنگاه‌های کوچک و متوسط به رغم کاهش درآمد یا زیان-دهی آنها

بطور کلی سازمان مالیاتی استان اصفهان همه تلاش خود را بر اخذ مالیات از بنگاه‌های صنعتی خصوصی متمرکز کرده و صاحبان درآمدهای خرد و کلان در دیگر بخش‌های اقتصادی را کم و بیش معاف کرده است. این که نظام مالیاتی کشور بر روی اخذ مالیات از بخش صنعت (و به خصوص بخش‌های اشتغال‌زا) در استان‌های صنعتی متمرکز گردد، به روشنی انحراف سیستم مالیاتی از مسیر منطقی و اختلال گسترده در تخصیص منابع را نشان می‌دهد. بنابراین ابزار سیاست‌گذاری دولت در جهت اهداف سرمایه‌گذاری، تولید، رشد، بازتوزیع و رفاه، در عمل بر علیه سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی، رشد مفید اقتصادی عمل کرده و به مانعی بر ضد ایجاد اشتغال مولد و رفاه مردم استان‌های صنعتی مبدل شده است.

روند مالیات‌ستانی بر روی روند توسعه صنعتی و اقتصادی استان اصفهان تاثیرگذار بوده است. به صورتی که انگیزه‌های حرکت سرمایه‌ها و منابع از سمت بخش تولید صنعتی به طرف بخش‌های اقتصادی پرمفعت زمین، ساختمان، بازرگانی، خدمات و سپرده‌گذاری بانکی را تقویت کرده است و همچنین عاملی در جهت فرار سرمایه‌ها به خارج از استان شده است.

۱۴- نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

مالیات منبع اصلی تامین هزینه‌های مالی دولت است و در همین حال ابزار سیاست‌گذاری برای تحقق اهداف سرمایه‌گذاری، تولید، رشد، بازتوزیع ثروت و درآمد و رفاه هم هست. نظام مالیات‌ستانی دارای کارکردهای چندگانه و چندلایه‌ای است. در کنار تامین بخش غالب بودجه دولت‌ها، نقش مهم مالیات‌ها بالا بردن هزینه فرصت‌ها و فعالیت برای بخش‌های نامولد اقتصادی (به خصوص سفته‌بازانه و سوداگرانه) و تسهیل و تقویت فعالیت‌های مولد اقتصادی است. در سطح جهان معمولاً از بخش‌های نامولد مالیات‌های سنگین اخذ شده و از سوی دیگر به بخش‌های مولد به انحاء مختلف و به صورت مستقیم و غیرمستقیم یارانه داده می‌شود. همچنین با اخذ مالیات از صاحبان ثروت و درآمدهای بالا و کمک به اقشار محروم و کم‌درآمد، شکاف‌های طبقاتی ترمیم شده و بی‌عدالتی‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. نظام مالیاتی کارآمد به نحو اساسی و گسترده‌ای بر روی توزیع بهینه منابع و تخصیص آنها به سمت بخش‌های مولد تاثیر گذاشته و از انحراف منابع به سمت بخش‌های نامولد جلوگیری می‌کند که در نتیجه کارایی اقتصاد بالا می‌رود و رشد آن تسریع می‌شود.

چنان چه بحث شد، هم اکنون اغلب کشورهای جهان روند کاهش مالیات و تسهیل ساز و کار آن را در دستور کار دارند و کشورهای حوزه خلیج فارس بهترین و رقابتی‌ترین شرایط مالیاتی را برای جذب سرمایه‌ها و رشد کارآفرینی مهیا نموده‌اند، چنان چه در بسیاری از کشورهای منطقه (از قبیل امارات متحده عربی، اردن،

مصر، و عراق) نواحی بدون مالیات ایجاد شده است. در این شرایط نه تنها سیستم و نرخ‌های مالیاتی کشور بهبود نیافته است، بلکه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به نحوی بوده که سوداگران و واسطه‌گران به بالاترین منافع (بدون پرداخت مالیات) دست یافته‌اند و به رغم وضعیت بس نامساعد و زیان‌دهی بخش مهمی از صنعت و بخش خصوصی مولد، هنوز هم به عنوان گاو شیرده دولت (که از آن جز پوست و استخوانی بیش نمانده، دیده می‌شود. ادامه این وضع نه فقط اقتصاد کشور را به جایی نخواهد رساند که موجبات تضعیف و دلسردی و حتی نابودی تولیدکنندگان و کارآفرینان و مهاجرت سرمایه‌ها و منابع انسانی به بخش‌های سوداگری، غیررسمی و خارج از مرزها را فراهم و رکود را تشدید خواهد کرد. دولت مردان باید آگاه باشند که اداره کشور با حفظ حجم بزرگ بدنه دولت و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی رانت‌ساز و مشوق سوداگری و واسطه‌گری و از سوی دیگر افزایش اخذ مالیات‌ها از بخش‌های تولیدی و رسمی، دیگر قابل تداوم نیست. بنابراین شایسته است ضمن برقراری عدالت مالیاتی بین بخش‌های اقتصادی، از انتقال بار مالیاتی و تضییقات اعمال شده بر صنایع کوچک و متوسط به ویژه در شاخه‌های صنعتی بحرانی کاسته شده و شامل معافیت‌ها و بخشش‌های مالیاتی شوند.

در رابطه با بخش صنعت و به خصوص صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی بخش خصوصی و نقش آن در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی، توجه به نکات حائز اهمیت ذیل ضروری و لازم است،

الف- بخش تولید صنعتی دارای بالاترین اثر چندبرابرکنندگی سرمایه ورودی است. چنان چه به عنوان مثال در آمریکا با تزریق هر یک دلار به بخش صنعت، ۱٫۴ دلار به اقتصاد برمی‌گردد.

ب- بخش صنعت دارای ضریب بسیار بالای چند برابرکنندگی ایجاد اشتغال است. ایجاد هر شغل صنعتی منجر به ایجاد حداقل ۲ شغل (جانبی و القایی) دیگر در اقتصاد می‌شود.

ج- در مجموع همان‌گونه که در همه اقتصادهای جهان تجربه شده، در کنار ایجاد و تامین ساختارها و نهادهای مشوق نیروهای مولد، بیش از هر بخش اقتصادی، تزریق منابع به تولید صنعتی، بالاترین نرخ‌های بازگشت اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد، افزایش رشد اقتصادی و توسعه صادرات را به همراه دارد.

د- بخش اعظم تعداد واحدها و بیش از ۷۰ درصد اشتغال صنعتی و بیش از نیمی از ارزش افزوده صنعتی کشور به صنایع کوچک و متوسط^{۳۰} بخش خصوصی تعلق دارد. باید توجه داشت که با اشتغال جنبی و القایی، کل اشتغال مستقیم و غیرمستقیم این دسته از تولیدکنندگان به بیش از ۵ میلیون نفر بالغ می‌گردد.

ه- در مجموع دهه هشتاد، برای ایجاد هر شغل در صنایع کوچک و متوسط (کارخانه‌ای) کشور به صورت متوسط در حدود ۲ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۳) سرمایه‌گذاری شده است، لذا پشتیبانی موثر و کارآمد از فعالیت این واحدها از توجیه اقتصادی بالایی در جهت بهره‌برداری از سرمایه‌های صنعتی (در حال استهلاک و از رده خارج شدن) برخوردار می‌باشد.

و- بر اساس داده‌های بهای تولیدکننده صنعتی بانک مرکزی ایران، به رغم افزایش هزینه‌ها اعم از نیروی کار و انرژی و حمل و نقل و خدمات دولتی و حق و بیمه و عوارض مالیات‌ها، در طی ۲ سال اخیر، تولیدکنندگان قادر

^{۳۰} شامل واحدهای خرد با اشتغال زیر ۱۰ نفر و همچنین بخش‌های تولید-ساخت در صنایع روستایی و اصناف

به افزایش بهای تولیدات خود نبوده‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود با توجه به شرایط رکود تورمی کنونی، تولیدکنندگان درگیر مشکلات و معضلات غیرقابل تداومی شده‌اند که در روند مستمر و فزاینده تعطیلی و کاهش فعالیت واحدهای تولیدی قابل مشاهده است.

۱۵- راهکارهای اصلاحی پیشنهادی

راهکارهای کلی پیشنهادی برای بهبود و اصلاح وضعیت کنونی به شرح ذیل است،

- (۱)- کاهش حجم دولت و هزینه‌های آن
- (۲)- تغییر جهت تمرکز بار مالیاتی از سمت بنگاه‌ها به سوی اشخاص، مصرف و ثروت
- (۳)- توزیع عادلانه و منصفانه مالیات بین بخش‌های اقتصادی خصوصی و غیرخصوصی (دولتی، شبه‌دولتی و عمومی)
- (۴)- کاهش فشار بار مالیاتی بر روی بخش‌های مولد و انتقال آن به بخش‌های نامولد اقتصادی
- (۵)- عدم پرداخت هزینه‌های غیرلازم اقتصادی از قبیل یارانه اقشار غیرنیازمند
- (۶)- عدم اعطاء یارانه به بخش‌های اقتصادی مانند مسکن از محل مالیات تولیدکنندگان صنعتی (یارانه تسهیلات ساخت و خرید مسکن)
- (۷)- لغو معافیت مالیاتی صادرات مواد خام و اولیه صنعتی متکی به رانت گسترده منابع (نفت، گاز، معادن و انرژی)، از قبیل تولیدات پتروشیمی، فلزات اساسی و سیمان
- (۸)- برقراری عدالت مالیاتی بین رشته‌های فعالیت بخش خصوصی و اخذ مالیات از بخش‌های خدماتی پردرآمد با پرداخت مالیات ناچیز
- (۹)- اخذ مالیات از بخش‌های سودآور (سوداگری، مستغلات، سپرده‌گذاری بانکی و ...) و ثروت
- (۱۰)- نوسازی بخش توزیع کشور و توسعه خرده‌فروشی سازمان‌یافته و مدرن و مبارزه با تخلفات گمرکی (غیرقانونی و مجاز طبق قانون) و قاچاق کالاهای مصرفی
- (۱۱)- تنفس و بخشش مالیاتی جهت صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی واقعی
- (۱۲)- لحاظ داده‌های رسمی شاخص بهای تولیدکننده و کالاها و خدمات (بانک مرکزی و مرکز آمار) در خصوص رشد هزینه‌ها و عایدات فروش تولیدکنندگان جهت افزایش مالیات سالانه
- (۱۳)- لغو قوانین ناعادلانه مالیاتی و تضییقات مخل فعالیت بخش‌های مولد
- (۱۴)- برقراری عدالت مالیاتی بین مناطق و استان‌های کشور

در رابطه با معضلات مالیاتی در سطح استان اصفهان، ضمن آن که راهکارهای کلی کشوری در مجموع مشکلات تولیدکنندگان استان را بر طرف می‌کند، موارد اختصاصی یا مورد تاکید پیشنهادی برای اصلاح وضعیت مالیات‌ستانی در استان اصفهان به شرح ذیل می‌باشد،

- (۱) - اصلاح نرم‌ها و سهمیه‌های مالیاتی استان اصفهان در مقایسه با استان‌های دیگر (با توجه به جمعیت و اقتصاد)
- (۲) - توزیع عادلانه و منصفانه مالیات بین بخش‌های اقتصادی استان
- (۳) - توازن و تناسب مالیات‌ستانی بین بخش‌های اقتصادی استان با توجه به الگوهای کشوری و جهانی
- (۴) - کاهش فشار مالیاتی بر روی صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی و انتقال آن به دیگر بخش‌های اقتصادی و به خصوص بخش‌های نامولد
- (۵) - اخذ مالیات از بخش‌ها و مشاغل خدماتی سودآور
- (۶) - تنفس و بخشش مالیاتی جهت صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی
- (۷) - تخصیص بخشی از مالیات اخذ شده از صنایع بزرگ استان جهت توسعه صنایع پایین‌دستی در استان
- (۸) - همکاری سازمان مالیاتی استان اصفهان با تولیدکنندگان در جهت رفع مشکلات آنها و ارائه راهکارهای قانونی در جهت تسهیل پرداخت مالیات
- (۹) - تغییر نگرش و نگاه مسئولین و کارکنان سازمان مالیاتی استان اصفهان از تولیدکنندگان به عنوان «سرمایه-دار و اشخاص مرفه»، به آنها به عنوان «کارآفرینان و نیروهای مولد اقتصادی»

مراجع:

- [۱] لایحه بودجه سال ۱۳۹۵
- [۲] لایحه بودجه مصوب سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴
- [۳] حساب‌های ملی ایران، بانک مرکزی ایران. ۱۳۹۱
- [۴] حساب‌های ملی ایران، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲
- [۵] خلاصه گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی سال ۱۳۹۳، بانک مرکزی ایران، ۲۶ تیر ماه ۱۳۹۴
- [۶] نشریه نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۷] شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۸] شاخص قیمت تولیدکننده، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۹] سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران، سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲
- [۱۰] طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۲
- [۱۱] شاکری، عباس، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، نشر رافع، ۱۳۹۵
- [۱۲] سامانه کدال، سازمان بورس اوراق بهادار
- [۱۳] گزارش عملکرد سال ۱۳۹۴ صنعت پتروشیمی کشور، شرکت ملی صنایع پتروشیمی
- [۱۴] آمار تولید کالاهای صنعتی، بانک مرکزی ایران. ۱۳۹۱
- [۱۵] نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، بانک مرکزی ایران
- [۱۶] سلطانی، احسان، کالبدشکافی نقش مالیات در بودجه سال ۹۵: سهم ۷۰ درصدی بخش خصوصی، روزنامه جهان صنعت، ۲۰ بهمن ۱۳۹۴
- [۱۷] سلطانی، احسان، سهم مالیات املاک نزدیک به صفر، روزنامه شرق، ۲۶ بهمن ۱۳۹۳
- [۱۸] سلطانی، احسان، بار مالیاتی خصوصی‌ها سه برابر دولتی‌ها، روزنامه شرق، ۹ بهمن ۱۳۹۳
- [۱۹] سلطانی، احسان، بار مالیاتی بر دوش صنایع کوچک و متوسط، ویژه‌نامه اقتصادی شرق، بهمن ۱۳۹۳
- [۲۰] سلطانی، احسان، انتقال بار مالیات ارزش افزوده از بخش مصرف به تولید، روزنامه شرق، ۱۲ آذر ۱۳۹۳
- [۲۱] راغفر، حسین، سلطانی، احسان، منافع مردم، اسیر بازی مافیای قدرت و ثروت، روزنامه شرق، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵
- [۲۲] سلطانی، احسان، تاثیرات ویرانگر واردات بر صنایع نساجی و پوشاک ایران، ماهنامه صنعت نساجی و پوشاک، خرداد ۱۳۹۳
- [۲۳] سلطانی، احسان، نابودی ۱/۲ میلیون شغل در سیل واردات پوشاک، روزنامه شهروند، ۱۵ مهر ۱۳۹۳
- [۲۴] سلطانی، احسان، بررسی توافقنامه ترجیحی ایران و ترکیه (چه دادیم و چه گرفتیم؟)، ماهنامه صنعت نساجی و پوشاک، بهمن ۱۳۹۳
- [۲۵] سلطانی، احسان، تضاد آماری گمرک ایران و کشورهای واردکننده، روزنامه شرق، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴
- [۲۶] سلطانی، احسان، هر ساعت یک کامیون پوشاک قاچاق وارد کشور می‌شود، روزنامه تعادل، ۱۲ خرداد ۱۳۹۴
- [۲۷] سلطانی، احسان، بررسی روند صادرات در ۱۰ سال اخیر، روزنامه جهان صنعت، ۱۴ آبان ۱۳۹۴
- [۲۸] سلطانی، احسان، منابع ۱۰ سال یارانه نقدی دود شد، روزنامه شرق، ۱۴ مهر ۱۳۹۴
- [۲۹] سلطانی، احسان، ایران چگونه بهشت کالای چینی شد؟، ماهنامه صنعت نساجی و پوشاک، شهریور ۱۳۹۴

[30] **Business Doing 2016**, World Bank, 2016

[31] **Paying Tax 2016**, PwC, 2016

[32] **OECD Tax Database**, OECD, 2014

[33] **International Estate and Inheritance Tax Guide 2013**, EY, 2013

[34] **Middle East Tax Handbook 2014**, Deloitte, 2014

[35] **Worldwide Corporate Tax Guide**, EY, 2016

[36] **The Global Competitiveness Report**, World Economic Forum, 2014/2015